

تایخ منشای بزرگ

الف

الحاكم ابو عبد الله محمد بن محمد بن محمد بن علي بن ابي نعيم

الضبي الطيحا النيسابوري

”تلخیص“

احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف

«بأخلاقه النبوية»

بستی و کوشش

دکتر بهمن گریبی

## استاد دانشکده افسری

9

عضو هیئت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس

ناشر: کتابخانہ ابن سینا - تہران

چایخانه اتحاد

## کتابی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه - ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زر کوب شیرازی

معراجنامه - شیخ الرئيس ابوعلی سینا

نظام التواریخ - قاضی بیضاوی

جامع التواریخ - رشیدالدین فضل الله جلد دوم طبع بلوشه

نهرساله از ملا محسن فیض بفارسی و عربی

الف - ترجمه الصلوة

ب - ترجمه الشریعه

ج - مفتاح الخیر

د - ترجمه الزکوة

ه - ترجمه العقاید

و - شرایط الایمان

ط - زاد السالکین

ح - الفت نامه

ل - آئینه شاهی

- راهنمای آثار تاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راههای باستانی و پایتختهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین القضاة همدانی

ذیل ظفر نامه شامی حافظ ابرو

کامل جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع - کاترمر - بلوشه - برزین - یان و سایر تواریخ دیگر

که جمع آوری شده)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بسم الله الرحمن الرحيم

نسخه‌ی منحصر بفرد

تقدیم از باب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه یکی از کتب منحصر بفرد: علم الرجال علم تاریخ و جغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصر بفرد که در بورساکس بر داری شده و بعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته و نسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاضله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سیمرغ افتاده و بکوه قاف رفته است با تحقیق و تتبع و مطالعه سه سال بزور طبع آراسته گردیده و بدوستان و پاسداران علم تقدیم میشود امید است بر زلاتش قلم غفور و اغماض کشیده و از فوائدهش بهره‌مند گردند

وبالله التوفیق

## فہرست مطالب کتاب تاریخ نیشاپور

صفحہ	مطلب
۱	مقدمہ
۳	ذکر مفاخر خراسان با اشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف
۴	الاحادیث
۵	آثار سلف عظام رضی عنہم
۷	ذکر صحابہ کبار رضوان اللہ علیہم بہ نیشاپور
۱۳	ذکر بزرگان کی بنیساپور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان اللہ علیہم اجمعین و ساکن شدہ اند یا گذشتہ اند
۱۵	ذکر اتباع التابعین من النساپوریین و من وردها اوسکنہا او حدث بہا
۲۷	اتباع الاتباع بعد الصحابہ و هو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابہ
۳۴	ذکر مصنفاتہ
۳۹	ذکر الطبقة الخامسة من علماء نیشاپور و من دخل و نشر علمہ
۶۱	ذکر الطبقة السادسة من العلماء النیشاپوریین و من سکنہا و حدث فیہا من علماء المسلمین رضی اللہ عنہم
۷۵	قال الحاكم رضی اللہ عنہ ہذہ اسمی المشایخ الذین مارزقت السماع منہم من ہذہ الطبقة فشرع الان فی اسمی الذین ادرکهم و رزقت السماع منہم بنساپور من ہذہ الطبقة ایضاً علی الترتیب المذكور

قال الحالم الامام ابو عبد الله الحافظ النيسابوري وقع لفراغ بعون الله و حسن تقديره  
شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه

۱۱۳

ذكر بناء قهندز و شهر قديم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و واديه و مخولات

۱۱۷

نيسابور و انچ تعلق بامثال اين امور دارد

۱۱۸

ذكر حفر خندق قهندز

۱۱۸

ذكر بناء شهر قديم

۱۱۹

ذكر حفر خندق درجوانب شهر قديم

۱۲۰

ذكر ارتفاع زمين نيسابور نسبت بابلاد ديگر

ذكر قري و قنوات كه بر حوالی شهر و قهندز بود بازدياد عمارت دز شهر و سور داخل

۱۲۱

شد و باغات و بساتين محلات شهر گشت

۱۲۲

ذكر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

۱۲۵

ذكر فتح نيسابور بردست صحابه و تابعين رضوان الله عليهم

۱۲۶

رواية اخرى

۱۳۷

ذكر واديهاء نيسابور

۱۳۸

اما ارباع نيسابور جارست

ذكر ولايات كي از نواحی و اقطار خراسان بنيسابور نسبة دادندی اشراف و اکابر

۱۳۹

آنها نسابوري خواندندی

۱۴۱

اما مسجد جامع بزرگ و مقصوره بزرگ

۱۴۲

ذكر دو منار جامع

ذكر مسجدهاء متبرك شهر قديمي كه محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی ۱۴۳

۱۴۴

ذكر ميادين نيسابور

۱۴۴

ذكر مقابر و قبور كي مزارات نيسابور بود

3

۱۴۶	فایده
۱۴۸	مقدمه
۱۴۹	اسامی سادات کبار
۱۴۹	اسامی صحابه رضی الله عنهم
۱۴۹	اسامی مشایخ طبقات
۱۵۰	اسامی علماء بزرگ
	اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگان و بعضی غیر ایشان
۱۵۰	
	اسامی بزرگانی که در شهر نسا بود مدفون اند نقل از خط جواجه قطب الدین
۱۵۱	رحمة الله
۱۵۳	مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم
۱۵۴	الطبقة الاولى منهم
۱۵۵	الطبقة الثانية
۱۵۷	الطبقة الثالثة
۱۵۸	الطبقة الرابعة
۱۶۰	الطبقة الخامسة

الف

بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمة المصحح

الحمد لله الموفق من شاء من عباده لخدمة العلم والدين ،  
و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة تشهد لصاحبها  
بحسن اليقين ؛ واشهد ان سيدنا محمداً عبده ورسوله الى الناس  
اجمعين ، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وصحبه والتابعين باحسان  
الى يوم الدين .

سأله است که گنجینه ها و خزائن کتب قدیمی ، مورد توجه و تدقیق علمای  
بزرگ دنیا و متبعین با ذوق قرار گرفته و تشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه  
و قریحه برای سیراب ساختن روان و ارضای غوغای درونی خود باین گنجینه ها روی  
آورده اند و هر کس بحد امکان مادی و معنوی خویش از آن دریای بیکران بهره ای بر  
گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی فارسی و عربی را تشکیل میدهد دست  
قهار طبیعت آنها را از سرزمین خود دور انداخته و در نقاطی غیر مانوس بر روی هم  
انباشته و از این جهت است که محققین برای تتبع و بحث درباره کتابی مجبورند یکی  
از آن نقاط سفر کرده و از منابع کتب آنجا استفاده نمایند ، یا الاقل فهرست کتابخانه های  
مختلف را بررسی کامل نموده تا از وجود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع  
کافی بدست آورند .

یکی از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این درر گرانها را در اعماق خود

پنهان داشته و از آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول میباشد.

در هر يك از این کتابخانه‌ها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی و فارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده و یا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت که جز مستشرقین معدود، دیگران و بخصوص محققین ما، یا از وجود آنها بیخبرند و یا دسترسی بدانها نداشتند و از این جهت در مقدمه هیچیک از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح و طبع شده و اقدم و اصح آن در استانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده و حتی اسمی هم از آن نبرده‌اند، و همین امر سبب شده که باهمه دقتی که در تطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید و باید تامین نشده است.

این کتب پر بها، یاد از زمان مولف و یا اندکی بعد از آن تحریر یافته و اغلب حاوی تاریخ تحریر و نام کاتب است.

از این لحاظ نگارنده با سرمایه مزجاة در مدت اقامت در استانبول بكمك دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و مكاتبه با حضرت استاد فقید مرحوم قزوینی از یکصد جلد کتب فارسی و عربی که همگی اقدام و اصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست، عکس برداری نموده و برای استفاده علما و متتبعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تا بابت دست آوردن فرصت یکی را پس از دیگری بزیور طبع بیاوریم:

**کتاب تاریخ نیشابور امام؛ الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله نیشابوری:**

که مولف آن در سال ۴۰۵ هجری قمری در نیشابور وفات یافته و یکی از مهمترین و نفیس‌ترین کتاب در تاریخ نیشابور است: از همان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلو جامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهر زمانی هم پایتخت ترکیه بوده است عکس برداری کرده و اکنون پس از مدت سه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم.



دکتر در پیچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکا) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است. نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و تذکر دادم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بنفاد و فی التأخیر آفات ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همسطور هم شد چندین قیل بد بختانه شنیده شد که بورس طعمه خریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و یا مانده است یا نه.

امام حاکم (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز به همین دردوازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علماء و اشنامی معارف و وزراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که با احتمال قوی این کتاب از بین رفته و اثری هم از آن در دست نیست (۲). کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است که

- (۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاروارد در شهر وینستون (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از بنام دانشگاه میبردیم این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه پوست است.
- دانشگاه دیگری در بنسبن بنام هاروارد میباشند این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریباً دو بیست سال و کمی قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را میزدی و او را مطلع دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما با وضاع و احوال ایران وارد بود.
- برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده.
- (۲) امام الحاکم تألیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی المشائخ - تراجم الشیوخ - علوم الحدیث - کتاب العلم - کتاب الامالی و غیر ذلک.

شخصی بنام احد بن محمد بن حسن بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری  
یا یک قسمت از آن کتاب بزرگ را ترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده  
است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و در هیچیک از تذکره‌ها نام او را نیافتیم.  
تاریخ نیشابور حاضر دو قسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف - فهرستی از اسامی مهاجرین - انصار - تابعین -  
علماء - فضلاء - ادبا و سایر کسانی که به نیشابور آمده و رفته و زیسته و مرده‌اند.  
و این قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب:

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات و احادیث و اخبار  
سلف را ذکر میکند.

آنوقت فضائل نیشابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار  
نیشابور را شرح میدهد و یکایک را بنام صحابی اول و صحابی دیگر و غیره توضیح تشریح  
می‌نماید از این موضوع که میگذرد در خصوص بزرگان نیشابور اعم از علماء و اشراف و  
تابعین قلم فرسائی میکند

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود.  
بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است به عبارتی آخری  
فهرست اسامی رجال و اماکن تهیه شد چه در هر یک از طبقات خود مولف این سبک  
را رعایت کرده و هر طبقه را از الف (احمد) شروع و به (ی) (یحیی) ختم نموده است  
مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند. اگر  
سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یاد آور شود و  
حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور و مساجد و قلاع و قصبات و مقابر آن است

البته مختصرتر بدین ترتیب (۱)

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع محلات و باروها و وادیها - بناء  
شهر قدیم - حفر خندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نیشابور -

مفاخر نیشابور قدیم - مقام خدام نیشابور - روایات دیگری از این قبیل

برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال و اماکن تهیه شد

ناگفته نماند که در حد امکان ظرف مدت سه سال تتبع و تحقیق بعمل آمد تا

نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل و ادب گردد : ولی چون

نسخه مختصر بفرد آنهم عکس برداری شده و از طرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز

اغلاطی در طبع پیدا شد

این نیز باید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاد از رساله

استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است

در خاتمه باید از زحمات آقای رمضانی مدیر کتابخانه ابن سینا که

سالهای متمادی در راه نشر و توسعه فرهنگ زحمات فراوان کشیده و رنج بسیار برده

و این کتاب هم یسک نمونه از فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم

و همچنین بشونه خود از چاپخانه صبح امروز و کارکنان آن سپاسگزاری نمایم

امیدوارم که صاحبان فضل و ادب از زلاتش غمض عین فرمایند

والله المستعان و علیہ التکلیف

تهران - دکتر کریمی

( بهمن میرزا )

هفتم مهر ماه ۱۳۳۷

(۱) نگارنده در سال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیراز نامه تالیف ابوالعباس احمد بن ابی الخیر

ذرکوب شیرازی بهمن سبک و بهمن روش تصحیح نمودم و بامقدمه مفصلی در شرح

شیراز و بناهای قدیمی آثار و ابنیه و سایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم

## خراسان (۱)

در باب اینکه مهاجرت آرین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ و بچه منوال بوده ما اطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیها ذکر می‌شود در سال (۸۳۵ قبل از میلاد) در کتیبه سالمانسار دوم پادشاه آشور است و ضمناً معلوم نشده که آیا مدیها از نژاد آرین بوده‌اند و یا اینکه فاتحین آریائی اسم ساکنین سابق مملکت را اختیار کرده‌اند اسمی خاص آریائی فقط در کتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ ق.م) دیده می‌شود و نیز ما نمی‌دانیم که آیا مهاجرت آرین‌ها فقط از راه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یا اینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان و از آنجا بفارس میرفت صورت گرفته است. شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هر دوت گویند: مدروس‌ها (در اصل متن: ده رومیایوی) و کرمان‌ها (در اصل متن: کرمانی اوی) در جزو ایرانیانی بشمار می‌روند که در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی ایران کنونی را یک شاخه از ایرانیانی که خود را پارسه می‌نامیدند اشغال کرده بودند چون مدیها در ورود بعرصه تاریخ بایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی می‌رود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است.

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .

استر این گوید: سلاطین ایران در مواقع سیاحت و گردش در ممالك خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر از بارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه فقر و بی چیزی قادر نبود آذوقه موکب پر جمعیت شاهان را فراهم سازد ولی بواسطه همین فقر و لزوم دفع حملات کوچ نشینان ملت بارت نسبت بطرز زندگی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مرقی داشتند وفادار مانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی بارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده و حتی با احراز موقعیت حملات جهانگیرانه روم را دفع کنند، جبال بلخان بزرگ و کوچک و کوه کورن داغ و کیت داغ و جبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان و حوضه بحر خزر را تشکیل می دهند .

گرنه گوید: هیچ چیز نمی تواند با منظره تیره و تار این کوه های بی ثمر که جز گیاه هرزه در آنها نرود و فقط چشمه های معدودی از آنها جاری است طرف مقایسه واقع شود.

در عهد قدیم و همکذا در قرون وسطی سکنه واحه های واقعه در امتداد دامنه های این جبال را ایرانیان تشکیل می دادند ولی بدیهی است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیائی خود ناچار میبایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترک واقع شده و بتصرف آنان در آید از همین تاریخ است که این سرزمین باسم ترکی (اتک) و یا بطور اصح (ایتاک) که بمعنای ولایت دامنه کوه پایه است نامیده شد .

از جمله بلاد این سرزمین در قرون وسطی از نسا و ایورد بیش از سایر بلاد اسم می برند .

شهر نسا در نزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود و ایور در این زمان هم بشکل  
قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابر خاست.

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر در قرن نهم میلادی بنا کرده و مرکب  
از سه قلعه متصل بهم بود در ناحیه نسا با فاصله چهار روز راه از شهر نسا واقع بود از این  
رباط راه مستقیمی از وسط صحرا بشهر گور گنج (در نزدیکی شهر قدیمی اور گنج  
کنونی) می رفت.

درفوق گفته شد که (اتک) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت و تاز  
کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بر آن ملوک آسیای وسطی یعنی  
ملوک خوارزم که نزدیک ترین همسایه آتک بودند همواره برای تصرف این ولایت  
میکوشیدند.

هرودوت می نویسد: ما خبری میخوانیم که هنوز بطور رضایت بخش توضیح  
نشده است این خبر راجع است به وادی که محصور بجبال بوده و پنج معبر داشته  
و رود اکسس از وسط آن جاری بوده و بین ممالک خوارزمیان و هیرکانیان و بارتها  
و سرنکان و تمانیا واقع شده و در ابتدا تعلق بخوارزمیان داشت  
خبر فوق میرساند که مدتها قبل از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا  
ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

در قرن دهم میلادی نوح بن منصور سامانی نسا را به مامون حکمران قسمت  
شمالی خوارزم و ایور را به عبدالله خوارزمشاه فرمانروای خوارزم جنوبی بخشید  
لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیر خراسان بود بتحصیل این عطیه  
نائل نگردید.

پس از آنکه در قرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید نسا و فراوه در تصرف خوارزمیان (۱) بود تا زمانی که سلطان محمد و غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم را به سخر ساخت بعد که در سال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه در تحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نسا و فراوه را با آنها گذار نماید. در قرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل از سایر بلاد خراسان در جزو قلمرو آنان درآمد در تاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شهرستان ذکر می شود که در سر راه خوارزم بنسبا و بفاصله يك فرسنگ از نسا در کنار ریگزار واقع بود.

باقوت که سال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کنند در حوالی شهرستان بواسطه قرب ریگزار باغانی وجود نداشت و مزارع دره سافت بعیدی دور از شهر واقع بودند و لایت خوارزم بعد از قتل و غارت مغول اگر دوره کوچکی را در قرن چهاردهم بحساب نیاوریم تنازمن استیاری از يك ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

در قرن شانزدهم و هفدهم بلاد (اتک) معمولاً در زیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت می دهد در آن زمان برای تشخیص اتک کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطلاح بوده و این کلمه در مقابل سو بویی (استعمال) میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم در معنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

در عین حال خوانین خیره همواره سعی بودند که طوایف ترکمن را مطیع خود سازند و طوایف مزبور که در قرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

(۱) این خوارزمشاهیان با سلسله خوارزمشاهیان که سر سلسله ایشان اتیز خوارزمشاه و آخرین ایشان سلطان محمد سلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیز خان منقرض شده اند فرق دارند و دو سلسله مجزی هستند ایشان خوارزمیان و مأمونیان اند.

گروگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران و خوانین خیوه و بضعف گذاشت  
تدریجاً سلطه خود را رو بطرف شرق تا مرز بسط دادند.

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی) بنا بر روایت ایت: در واقع از آنک صرف نظر  
کرد هر چند که جانشینانش ملوک ازبک را اسماعیل باج گزار و مطیع خود نمودند.  
شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز تراکمه ازبکان تصمیم بدان گرفت  
که اگر اد جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و بر اثر این تصمیم پنج  
ولایت کرد نشین در امتداد سرحد از (استرآباد تا چناران) تشکیل داد و از ولایات  
پنجگانه مزبور در این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان و دژگز یا بروجنا است و  
ضمناً حکومت در گز نه با سلسله کردی بل با خاندان ترک است. مقتدرترین حکام  
مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلیخانی ملقب شد.

قوچان در قرون وسطی با اسم خموشان (هر چند که در کتاب مقدسی بشکل  
خوجان دیده میشود) معروف بوده است.

ایزدورخارا کسی ذکر میکند که: در قرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین  
بلاذ ناحیه استوا بود و استوا مطابق آستانه و یا آستانه است  
در قرن دوازدهم در دوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی از مهمترین نقاطی  
بود که در سر راه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور در کسب اهمیت  
خود علاوه بر موقعیت جغرافیائییش مرهون حاصلخیزی برجسته حومه  
خود بود.

کرزن مینویسد: ولایات شمالی ایران در حاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر  
از قوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اگر اد از تاخت و تاز تراکمه جلوگیری نکرد این  
دو حریف لایق هم بودند و هیچ یک از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند



کردها فقط می توانستند مزارع اتاك راتار ومار کرده انتقام تراکمه را از این راه بکشند

شیر قوچان در سال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایباخانی اشتغال داشت و بعد در زلزله های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدهای فراوان دیده است

کرزن نقل میکند: جمعیت شیر به ۱۲۰۰ نفر نمی رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شیر را خراب کرد و قوچان جدید در دوفر سنگی شهر قدیم بنا شده است.

نقطه سرحدی دیگر که با نام نادر شاه توأم است قلعه مهم کلات است که در آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب الوصولی بنا کرده است محوطه ای که قریب به ۲۵۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲۰ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷ میل عرض و از هر طرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه ها و صخره های تیز و عریان با ارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت از سطح وادی تشکیل یافته است.

این دیوار فقط دارای دو معبر تنك میباشد ولی علاوه بر آن راه هاریکی از کمر کش جبال موجود است که میتوان بقلعه داخل شد، دروازه عمده بدر بند ارغون شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی از صخره های صاف نقش کرده و از بنای خود ذکر میکند معروف میباشد.

کرزن و دیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴-۱۲۹۱ میلادی) میدانند در باره ارغون شاه مینویسند که وی قبل از جلوس بسلطنت از عموی خود احمد شکست خورده و در کلات پناهنده شد لکن قلعه در زمان وی خراب بود و همین که عساکر احمد نزدیک قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت با احمد تسلیم شد. حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود از ارغون شاه پادشاه

محلی و بدر علی بیگ بود که بایتمور مخاربه کرده است. این را به  
 شرف الدین گوید: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن  
 تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغوشاه  
 است. علی بیگ اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور در مقابل  
 کلات قلعه قهقهه راین کلات و ایبورد و ظاهراً در جائیکه امروز ایستگاه راه آهن باسم  
 قهقهه واقع است بنانهاد. قلعه را به نادر شاه افشار باز ساختند.

نادر از موقعیت قلعه کاملاً استفاده نمود و از زمان وی قلعه باسم کنونی کلات  
 نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید. سال ۱۱۸۵ قمری در این شهر

گورن می نویسد: که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و  
 خزائن امنی برای گنجینه‌هایی که از هندوستان آورده بود دائر سازد شرح و تعریف  
 قلعه کلات در کتاب واسیل و اتاس سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است.  
 بنا بقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد و تمام  
 اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواستند بدون احتیاج یا اجنبی وارد از خارج در خود  
 شهر بیابند برای استهلاك مخارج ساختمان شهر غنائم هند بکافرت صخره‌ها را از  
 خارج و داخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنسا  
 کرده بودند.

بعد از نادرشاه کلات تا سال ۱۸۸۵ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً  
 مطیع ایران بودند بماند و تا زمان تجدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی  
 ایبورد و اتک در جزو خانی مرزبوز بودند. این را به نادرشاه و نادرشاه  
 گورن قسمت کوهستانی عرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی در سمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق و تنگی که در قعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جدا کرده و در سمت جنوب جای دره‌ها را وادی‌هایی گرفته که رودهای کوهستانی از وسط آنها جاری و قراء و دهات در آنها واقع شده و گاهی جلگه‌های وسیع و پر نروتنی دیده میشود مانند جلگه قوچان در شمال و جلگه نیشابور در جنوب بینالود کوه

سلسله‌های جبال را دره‌هایی در طول کوه قطع میکنند و همین دره‌ها راه ارتباط بین وادی‌ها میباشند دره‌ها اغلب منظره طبیعی زیبایی تشکیل داده و صورت يك سلسله مواقع صعب الوصولی را دارند. مشکل است در جایی از دنیا جبال باشد که بخت برف دائمی رسیده و تا این درجه پرده‌های زیبایی از طبیعت و حشی کوهستانی جلوه گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آثار مسکین‌ترین نباتات کوهستانی بندرت دیده میشود و زراعت فقط در قعر وادی‌ها مقدور است و منوط بوجود چشمه‌سارهای قلیلی است که آب آنها را برای شرب اراضی قابل زرع آورده‌اند هر دهی گوهی واحه است که در زمینه خاکی زنك کویر واقع شده است

اراضی مزرعه در دامنه جبال هم دیده میشود و از دامنه‌های جبال چشمه‌هایی بواهی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع ترین نقاط هم میکنند اراضی مزرعه که در دامنه‌های کوه واقع است به صفحه‌های جدا گانه منقسم گردیده و عده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

در اینجا هم مثل سایر نقاط ایران سبزه زاری گسترده دیده نمیشود و قطعات آبادی فاصله‌های مختصری از یکدیگر واقع شده‌اند رودی که از بهلولی نیشابور میگذرد بمناسبت مژه

شور و تلخ آبش بشوره رود معروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم از حیث وسعت و فضا و عدد نفوس بقدری با پایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق و تشخیص نقشه آن با مشکلات بزرگی توأم است.

## مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهر ظاهراً در زمان ساسانیان بدست شاپور اول یا شاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده اند. این شهر در سال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابر شهر بوده و نیز در دوم این شهر را محل اقامت خود قرار داده و بورجین مهر که یکی از سه آتشکده معروف ساسانیان باشد در نزدیکی این شهر قرار داشته است

شهر مزبور در سال (۳۱ هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده و در سال (۳۲ هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو و بلخ و غیره جزو آن بوده) بدست غوث بن الحسام که یکی از اشخاص معروف آن زمان بوده است اداره شده و این خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تا قبل از قرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را از طرف مشرق دارا بوده و مرو و بهرات و بلخ نیز جزو این قسمت بشمار میرفته ولی فعلاً نیشابور تنها شهری است که جزو ناحیه خراسان محسوب می شود و تقریباً تا چند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

در اوائل قرن هشتم میلادی ابو مسلم خراسانی نهضتی در خراسان برضد خلافت بنی امیه ایجاد کرد و در سال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نیشابور شد و حاکم آن شهر گردید و در مدت حکومت خود مسجدی در نیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغداد بتحریک منصور خلیفه مقتول ساختند

کز

پس از این قضیه خراسان در اوایل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) در حیطه اقتدار طاهر بن حسین درآمد

طاهر حاکمی بود که از طرف مأمون خلیفه در سال (۲۰۵ هجری) (۸۲۰ میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد و در زمان او فر اولادش ناحیه خراسان حالت استقلال بخود گرفت و عبداللّه بن طاهر نیشابور را پایتخت خود قرار داد و باغ معروفی بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بود که شهر نیشابور فوق العاده اهمیت پیدا کرد و ساختمان جدید و دهات زیاد در اطراف آن شهر بنا گردید

در اواخر قرن مزبور سلسله صفاریان خراسان را در تحت تصرف گرفتند و در سال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمرو بن لیث صفاری حکومت آنرا عهده داشت و او نیز نیشابور را پایتخت خود قرار داد اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عبارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی در جامع آن رخ داده است

بعد از عمرو لیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کما کان پایتخت بود و تنها ناحیه مرکزی خراسان بشمار میرفت از شهرستان نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصلی توسط ابن حوقل و استخری نقل شده است و این اشخاص چنین می نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هر سه میل يك فرسنگ) و بچهل پاسگاه تقسیم میشده است کوچه های آن صاف و تقریباً عده آنها به پنجاه میرسیده و این کوچه ها یکدیگر را طوری قطع میکردند که چهار راه های متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب از مستشرقین که کوچه های قدیمی بعضی از شهر ها همیشه کوتاه و دارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه ها بسیار مستقیم و مطابق اسلوب

کج

معماری ساخته شده بود خود شهر نیشابور ب سه قسمت تقسیم میشده است

۱- شهر خاص

۲- نواحی خارج شهر

۳- پاسدارخانه ها

۱- شهر خاص : دارای برج و حصار و چهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده که آنها نیز دارای دروازه ها بودند و خرابه آنها باغلب احتمال همان تپه الب ارسلان است

قسمت خاص شهر عبارت بود از تمام نواحی خارج که دارای دیوارها بوده است و اینجاست که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : و عمرو بن لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته و آنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستون های از مرمر سیاه و سفید بوده و تمام آنها بانضمام طاق مسجد نقاشی و مجسمه کاری شده بوده است و نزدیک آن محوطه بازار و خانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمرو بن لیث صفار مرمت گردیده است .

تزدیک بازار بزرگ شهر بازار کوچک دیگری بوده که محبس ها در آن قرار داشته است و اهمیت این بازارها از نظر تجارت بسیار مهم بوده و اینکه شهر مزبور و نواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل بر این بوده است که مردم احتیاج بامنیت و حفاظت داشته اند

چون در شهر نیشابور خاص بنای قابل ذکری ساخته نشده است میتوان آنرا دلیل بر این دانست که با وجودیکه شهر مزبور بتوسط ساسانیان بنا شده ولی کم کم

کط

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متار که گردیده و بنای مهمی در آن بنا نشده است. و آنچه بعد از اسلام در این ناحیه بنا گردیده در خارج شهر خاص بوده است ولی این تنها يك قضیه بیش نیست و تا اکتشافات بیشتری از جهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایگس را نمیتوان معتمد شمرد پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از يك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك در آمد و طغرل بيك ( ۳۲۹ هجری ) ( ۱۰۳۷ میلادی ) شهر را گرفت و بابتخت خود قرارداد و الب اسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

در زمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده ای بخود گرفت و برای بار دوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد.

در زمان خواجه نظام الملك وزیر الب اسلان و ملک شاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد و مدارس متعدد در آن بنا شد و مرکز علم و نظامیه ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور در این زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آنها پنج هزار جلد کتاب داشته است.

عمر خیام شاعر و دانشمند و فیلسوف و مورخ و ریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

در سال ( ۵۳۰ هجری ) ( ۱۱۳۵ میلادی ) نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور در سال ( ۵۳۸ هجری ) ( ۱۱۵۳ میلادی ) آتش گرفت و در همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بودند بنا نمودند

یا قوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکنند و این واقعه را بسال ( ۶۱۳ هجری )



(۱۲۱۶ میلاد) می‌داند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در

شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال (۷۳۱ هجری) (۱۳۳۰ میلادی) و ابن بطوطه طنجی در سال

(۷۵۷ هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت -

ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نقل  
میکنند .

## عقاید مورخین و علما و مستشرقین در خصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولد که گوید:

راجع به نیشابور قدیم قبل از اسلام همینقدر معلوم است که ابر شهر نام داشته و نام کنونی رایکی از سلاطین ساسانی یعنی شاپور اول (قرن سوم میلادی) و یا شاپور دوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده است.

مطلب اخیر عقیده‌ای را که غالباً اظهار میشد راجع باینکه نیشابور همان شهر نسیای پارت است تردیدی کند در زمان ساسانیان و هم در دوره امرای اول عرب شهر عمده خراسان مروبوده نیشابور فقط در زمان سلسله طاهریان در قرن نهم میلادی اهمیت بیک پایتخت را کسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله بن طاهر (۸۳۰-۸۴۲ میلادی) برابر است

بنابر قول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری در خراسان حکومت کرده که قبل از وی کسی نکرده بود چه وی بتأمین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است بامروى مجموعه قواعدی برای استفاده از شرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد:

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع باهمیت علم از عصر خود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

## لب

وسیمي بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خود علم  
واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را در سال (۸۷۳ میلادی) از سلطنت  
خلع کردند پایتخت خود را بنشاپور انتقال دادند .

عمرولیت صفاری بسال (۹۰۰ میلادی) از اسمعیل بن احمد سامانی شکست  
خورد و از آن پس خراسان در جزو مملکت سامانیان درآمد و چنان که معلوم است  
پایتخت سامانیان بخارا بود . و اراضی جنوب آمو دریا (جیحون) در تحت سلطه  
امیر مخصوص بود که لقب سپهسالار داشت و در بنشاپور مقیم بود . (استاد بار تولد)  
جغرافیا نویسان ، بنشاپور دوره سامانی را مفصل تعریف کرده اند : شهر در  
جلگه ولی بلا واسطه در قرب کوه واقع شده بود .

### ابن رسته

جنب شهر از یکطرف کوه بلندی سرکشیده بود محوطه شهر طولاً و عرضاً يك  
فرسنگ و خود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز  
یعنی ارك - و شهرستان یعنی شهر - و ربض یعنی خارج شهر .

ارك جز و شهرستان نبود ولی بین آن و شهرستان فقط خندقی حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی تجارت و صنعت به ربض که در قسمت

جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

### اصطخری

در ضمن توصیف بازارهای بنشاپور مینویسد که بازار در سمت شمالی شهر

تاراس القنطره میرسید و پیش از آن در جزو دروازه های شهرستان که مانند شهرهای

بزرگ چهار باب بود از دروازه راس القنطره اسم میبرد عده دروازه های ربض بسیار

زیاد بود .

مقدس می گویند:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم بمربعه الکبیره بود که از آنجا به هر چهار سمت ردیف داکین و کاروانسراها امتداد میشد بدین طریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع بسوی شمال تاشهرستان بطرف غرب تاپشت میدان چهارگوش کوچک «مربعه الصغیره» و جنوب تامقابر اولاد حسین بازار امتداد داشت.

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچک قصری بود که عمرولیث میدان الحسینین بنا کرده بود و هم در جنب قصر زندان واقع شده بود مسجد جامع رامینویسند که در اردوگاه قشونی واقع شده بود مقدسی

شرحی در توصیف این بنانوشته است که نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بود عمارت عمده مسجد که منبر امام در آنجا بود قسمتی از آنرا در اواسط قرن هشتم ابو مسلم خراسانی مسبب سلطنت عباسیان ساخت و قسمت دیگرش را در اواخر قرن نهم عمرولیث صفاری بنا کرد بنای ابو مسلم به تیرهای چوبی و بنای عمرولیث بستونهای مدور آجری متکی بود. در اطراف این قسمت سه رواق و در وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها دارای یازده درب و ستونهای از مرمر رنگارنگ.

قنواتی را که بشهر آب میدادند غالباً زیر زمین میکشیدند. عده پله هایی که برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسید در خارج شهر آب در سطح زمین جاری و برای شرب اراضی بکار میرفت. شهر بداشتن پارچه های ابریشمی و نخی معروف بود.

و بطوریکه اصطخری میگوید این پارچه ها را بماوراء معالک اسلامی هم حمل میکردند.

## ابن حوقل

دکاکین و مهمانخانه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بود در حوالی شهر مس و آهن و نقره و فیروزه و معادن دیگر استخراج میکردند معادن فیروزه که در کوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا با امروز در اهمیت خود باقی و در دنیا یگانه معادن فیروزه است . نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان هم با وجودیکه بعضی از سلاطین اخیر مرور اترجیح میدادند معینا مهمترین شهر خراسان بود .

در سال (۱۱۵۳ یا ۱۱۵۴) نیشابور معرض قتل و غارت عشایر غز گردید که بر علیه سلطان سنجر شورش کرده بودند .

غزها شهر نیشابور را غارت کرده و خراب نمودند خاقانی شاعر معروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خود را بیابند .

شهر جدید در سمت غربی شهر قدیم در محل موسوم به شادیباخ آباد شده است .

محله شادیباخ در زمان سابق هم دایر بود و آنرا عبدالله بن طاهر بنا کرده بود .  
یعقوبی

در شادیباخ تپه بزرگی بود که بر روی آن ارگی ساخته بودند در همان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادت مند خود بسر منزل رونق و تعالی رسید و ابنیه و عمارات تمام محوطه را از تپه تا خط قدیم اشغال کرد  
یاقوت :

نیشابور دوباره اعرام بلاد الله گردید و پر ثروت ترین و پر جمعیت ترین بلاد شد .  
مقدسی

نیشابور انبار گاه مال التجاره فارس و کرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و همچنین ری و جرجان و خوارزم بود

## باقوت

علت ترمیم سریع و تجدید عمارت شهر را همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند  
نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و  
وارد شهر نشوند.

قتل عام چنگیز خان (۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدتر از حمله غز بودش ماه قبل از  
این واقعه داماد چنگیز خان هدف تیر و کشته شد بدین جهت تیرلوی پسر چنگیز شهر  
را محاصره کرد و آنچه اهل شهر عجز و الحاح و التماس عفو کردند اثر نداشت و رد شد  
شهر به یورش متصرف گردید و تمام سکنه آن باستثنای چهارصد نفر صنعتگر که باسیری  
بردند بقتل رسیدند

ابنیه و عمارات شهر را از یخ خراب و زمینش را شخم کردند و در محل خرابه  
های شهر چهارصد نفر مغول گماشتند تا بقیه السیف اهالی را که توانسته بودند در موقع  
قتل و غارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیز خان در خراسان پایدار نشدند و جانشین چنگیز خان  
مجبور شد دوباره مملکت را مسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که  
جراحات وارده به مملکت از حمله مغول التیام پذیرد و شهرهای خراسان پیش از بلاد  
ماورالنهر بحال خرابی ماندند.

پس از انقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که  
ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان را خان بزرگ معین  
میکرد ولی نمایندگان و جوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند.  
در اواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی در ایران تشکیل  
دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

### حمدا له قزوینی مستوفی:

اداره کشوری و مالی مخصوصی داشت عایدات این ملک در جزو عایدات

عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد.

بعد از سقوط سلسله مغول ایران نیشابور (در حدود عشر سوم قرن چهاردهم

میلادی) در جزو قلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد

در سال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیمور را گردن

نهاده و بدین جهت نیشابور بی رحمی های این جهانگشا را نچشید رونق هرات در

دوره تیموریان و اهمیت مذهبی شهر در زمان صفویه می بایستی که نیشابور تحت الشعاع

قرار داده باشد لیکن تا اواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست

احمد شاه افغان خراب و ویران گردید.

### استاد بار تو لند گوید:

بعد از این قتل و غارت يك منزل قابل سکونت در شهر نمانده بود احمد شاه

شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر و تجدید عمارت آن

اقدامی کرد.

در اواخر همان قرن نیشابور بتصرف قاجاریه درآمد مساعی عباسقلی خان و گسان

دیگر اهمیت سابق شهر را عودت ندادند.

### فریزر:

در سال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر ۴۰۰۰ قدم بود اگر تمام این محوطه

مسکون می بود عده نفوس آن به ۳۰ هزار یا ۴۰ هزار می رسید لیکن قسمت عمده شهر خراب

بود ایرانیان خانه های مسکون شهر را قریب بدو هزار باب می دانستند لیکن فریزر

از روی تاثیراتی که شهر در او بخشیده بود تصور می کند که عده نفوس از پنجهزار نفر

تجاوز نمی کند.

لر

استاد بار تولد گوید:

پارچه هائی که در شهر می یافتند فقط برای حوائج محلی تهیه می شد یگانه  
جنس صادره فیروزه بود.

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی و خراب و بد بود  
خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حد و بازارها و مسجد جامع و سعتی نداشت.  
در زمان سیاحت گرز ن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر  
دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرز ن احتمال می دهد که در زمان وی جمعیت  
شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات و مفصلی در دست نیست. در این باب  
فریزر و در زمان اخیر هم ایت بعضی اطلاعاتی می نویسند از اطلاعات تاریخی و وضع  
کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می شود که شهر مانند مرو و بلخ از سمت شرقی و غربی  
متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هائی نمایان بوده که  
قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بار تولد

ارک شهر سابق در این مکان بوده

فریزر نمی نویسد:

که بلندی هم در این مکان بوده یا نه

بطوریکه ایت تعریف میکنند:

خرابه های مزبور دیگر وجود ندارد و آثار شهر سابق بقاصله يك ميل انگلیسی  
در سمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می شود در زوایه جنوب غربی خرابه های



لح

مذکور ارك بر روی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارك نیشابور قدیم که در دوره سامانیان بنا شده بود در این مکان بوده ولی مشکل است این مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطار صوفی معروف که در موقع تصرف شهر بدست متوابع مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارك واقع است سنگی از مرمر سیاه که خط فارسی روی آن نقش کرده اند در وسط دیوار آجری واقع شده.

این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی در نیشابور باقی مانده و ممکن است تاریخ بنای آن بصحت معلوم شود این مقبره را در زمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی و امیر علیر شاعر و وزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی معروف و مشهور است بنا نهاده و نیز مقبره یکی از آل عالی که در قرن شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته در همان نزدیکی است .

استاد بار تو لد گوید :

امامزاده محمد مجروق برادر علی بن موسی الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه

است در این مکان مدفون است .

پهلوی این مکان مقدس در وسط باغی که درختانش بهم پیچیده و علفهای هرزه در آن روئیده. مقبره عمر خیام منجم و شاعر فکر آزاد اوایل قرن دوازدهم میلادی واقع شده است .

اینک بطور مختصر ترجمه ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متروپولیتین  
آمریکا را ذیلا درج میکنم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر  
در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در  
اطراف نیشابور نموده اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت  
مزبور میخواستند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یاشاپور  
دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی در ضمن کاوش آشیائی بدست آمد که  
ابتدا مربوط به دوره قبل از اسلام نبود و اثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست  
نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که هیئت مزبور میدهد عبارت است :

۱ - شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ - شرح ظروف سفالین و کتیبه های پیدا شده در این ناحیه

۳ - مختصری از نوع و تاریخ سکه های مکشوفه و خلاصه هر يك

از آنها

۱ - هیئت نامبرده در شش موضع نزدیک نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله  
مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن نقل کرده اند) شروع بحفاریات نموده و کاسه و  
کوزه و کتیبه های بدست آورده اند که مطابق ریز جدا گانه بعضی از آنها در  
موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورک ضبط است

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هایی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری در این ناحیه بنمایند و شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده و سکه‌هایی که از این سرزمین بدست آمده است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌ها و خود خرابه‌ها کمک کرده ذکر بشود.

کاسه‌هایی که از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف و دارای لبه‌های نازک و ته‌های محکم‌اند و در ساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته و اغلب آنها از گل سرخ ساخته شده و در بعضی از آنها خط کوفی که بارنگ سرخ شفاف و حاشیه سیاه است دیده میشود و از هر حیث بی شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه قهوه‌ای رنگ آمیزی شده و شبیه بکاسه‌های ساوه و سامره و حیره‌اند دیده میشود و این کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم هجری (هشتم میلادی) نسبت داد و نیز کاسه‌های بسیار قشنگ و ظریفی بدست آمده که از هر حیث شباهت کامل بکاسه‌های عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذ ساسانیان در این ناحیه بعد از اسلام بوده است و کاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهد بدست آمده است و البته نباید تعجب کرد زیرا که نفوذ چینی در این سرزمین و آن زمان بسیار بوده چه تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی و صنایع دیگر چینی در عراق و ایران و مصر رونق یافت و ما بخوبی میدانیم که در زمان سلطنت این پادشاه وسعت چین بترکستان

رسید و رابطه چینیه با خلیج فارس بسیار بود و همینکه چینی‌ها با اعراب مواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیک تاشکند شکست داد و بقول خود اعراب بیست هزار اسیر از آنها گرفت و بگفته ثعالبی این چینیه با ساکنین سمرقند کاغذسازی را تعلیم دادند و بگفته این فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خود را با اهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی و بخصوص کاسه‌سازی در ایران دیده میشود ولی رویه‌مرفته ثابت شده است که این ناحیه کمتر در تحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره و نقاط دیگر واقع شده و کاسه‌های نیشابور دارای ممیزات خاص و مشخص است که اصلی و متعلق به همین ناحیه است و شاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲- در ناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومك فوق العاده‌ای بتاریخ اشیاء پیدا شده نموده است مثلاً در يك ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷ عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳-۲۰۰ هجری) (۷۷۰-۸۱۵ میلادی) است و یکی از آنها متعلق بعهد طاهریان و یکی در حدود سال (۵۹۸ هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است و دو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳ هجری) (۷۷۰ میلادی) است و از روی این سکه می‌توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (در نیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطاق باقی مانده باشد و این ساختمان را در قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) - خسارتی وارد آمده و آنهم در مواقع و کشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است و پس از ساختمان و تعمیر دوباره دیوار محراب بدو تقسیم شده و محراب را دوباره کرده بطوریکه يك گنبد در این محل ایجاد شده است و در این جا کتیبه‌ها و نقاشی‌های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیک (۳۲۹ هجری)  
 (۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد و در سال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵  
 میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد و در حوالی این محل تپه ایست که به نام  
 تپه‌ی الب ارسلان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون بیقین  
 و پس از دقت و مطالعه معلوم میشود که ممیزات ساختمان تپه سبز پوشان ابداً  
 شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد و اگر نظری بقبر جلال الدین در اوز کند  
 ترکستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) و با مقایسه از حیدریه قزوین بعمل  
 آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان  
 سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد و تا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به  
 سبز پوشان داشته باشد مگر چند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه  
 این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی  
 ممیزات مخصوص این ناحیه مثلاً اگر حروف گنبد مسجد نائین را که با خط  
 کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم يك رابطه  
 و شباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه (یوم الدین) دال آنها با  
 هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین درست معلوم نشده و (Flury) (فلوری)  
 تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت میدهد و از حدسش از روی شباهت خطاطی این ناحیه  
 با سامره و ابن تولون در قاهره است و بعلاوه در سبز پوشان سکه یا علائم دیگری به  
 دست نیامد که از سلجوقی باشد چه سکه‌های بدست آمده را میتوان بسه دوره

تقسیم نمود

اول - قرن دوم و سوم هجری - قرن هشتم و نهم میلادی

میج

دوم - نیمه دوم قرن چهارم هجری - نیمه قرن دهم میلادی

سوم - قرن ششم بیعد - دوازدهم بیعد

و چون دوره اول مهمند و مطابقت با سایر علایم میکنند میتوان گفت که سکه‌های دوره سوم از دست رعایا که در حدود قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس از غارت غزا بمحل دیگر انتقال یافت و تنها سکه‌های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول و نوح دوم در آنجا حکومت میکرده بوده است.

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین سنوات (۳۰۵-۳۲۱ هجری) (۹۶۱-۹۷۱ میلادی) نوشته شده است.

### خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸ سکه پیدا شده در سبزپوشان ۳۱ سکه آن تاریخ دوم و سوم هجری - (هشتم و نهم میلادی) را دارد و دو سکه آن متعلق با اواخر سامانی است و چهار سکه آن تاریخ معین ندارد.

از ۱۳ سکه تیه الب ارسلان ۹ سکه آن متعلق بقرن هشتم و نهم و بقیه بدون اهمیت اند.

خلاصه از روی سکه هائیکه توسط ابو مسلم باسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱ هجری) (۲۵۸ - ۲۶۸ میلادی) و از سکه ضرب شده در بخارا (۱۶۰ هجری) (۲۶۶ میلادی) توسط عبدالملک بن یزید الخراسانی که حاکم نیشابور بوده و دیگر از موحد بن

مد

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیدا شده است میتوان ثابت کرد که ساختمان  
وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط  
با کشفیات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

## بسم الله الرحمن الرحيم

رب یسر و تمم

حمد و سپاس لایق بعد دانش و انفس خلاق مرخالق قدیم را که  
جوهر روحانی و عناصر جسمانی از مکان عدم در میادین وجود، بقدرت بدیع  
ابداع کرد. و بسایط فسطاط خضرا، و بساط بسیطه غیرا را محتوی برغرایب حکم  
بحکمة منیع اختراع فرمود. و باختلاف احوال سال بشتا و مصیف، و اتفاق ایام و لیل  
بریع و خریف صحاری و براری و جبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجناس از هار،  
و انتشار انواع انوار ساخت. و باینات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن  
بطایب هوا و تطیب غذا بر صنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً در خراسان،  
خور آسان کرد، و قطر نسا بود صینت عن الفتور باعتدال هوا و فسحت فضا و تزهة اماکن  
و خلقة معادن بر اماکن و مساکن اقطار هر دیار فضیلت بخشید، و طینت طیب و تربت  
طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام و علماء هداة و ادباء نقاة داشت.  
درود بیغایت و سلام و تحية بی نهایت کی آن خلص کرام باوقیات و لیالی و ایام باد  
فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین  
و خانم النبین صلوة الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه اجمعین کردند  
سبب رفعت مقام، و قربت علی الدوام، و حلول منازل هدایة عظمی، و صعود  
مدارج ولایة کبری ایشان گردانید: صلوة الله و تحياته علی المصطفی حبیب الله  
محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.  
غرض از عرض این تقریب آنکه در سالف زمان، و سابق اوان و قرون ماضیه،



سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوه اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابو عبدالله النیسابوری رضی الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابه ذکر اسامی کرام صحابه و عظام تابعین و اولیا، و اصفیاء امت است که بآن بلدة نفیسه وارد و صادر شده اند و در آن شهر نشو و ظهور یافته و بذکروقت ولاده، و صفت نشاء، و بیان نسبت، و ارادة و سلوک و ریاضة، و کیفیة صحبت و خلوة، و شرح کرامه و مدة حیوة و سنه وفات و مدفن هریک از آن ارباب الباب، آن کتاب با جاده مجلد اطناب یافته و بر سیل مزیل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهربانی و بنا و بنیان و قلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد و مساجد و بعضی مفاخر و مآثر آن بیان فرموده، و با اشاره آیه و حدیث نفیس و آثار ائمه کبار موشح گردانیده، بعدها بعضی از اجله کرام و ائمه اسلام رضی الله عنه و عنهم از آن کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تازی مشتمل بر اسامی کرام اولیا و اعلام اصفیا و بعضی از آن مزیلات انتخابی فرموده بعد الاستجازات آن اختصار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگر آیات تنزیل و احادیث نبیل که بهمان نظم فصیح صریح کتابه یافت و رمزی از آن بفارسی معروض گشت.

نکته که کشف بعضی مقاصد آن کتاب بآن منوط و فهم مراد بآن مربوط است، آنست که بعرف فصحاء عرب و مسکان غرب، خراسان عبارت از طرف شرق است تا غایت که: خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنک هر متکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فارس اشاره بآن بعضی بلاد معلومه است چنانچ سلمان رضی الله عنه با آنک اتفاق جمهور است که از اصبهان بود و اصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده اند و کلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بوجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی از جانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و بالله العصمة والتوفیق ذکر مفخر خراسان باشارت آیات و احادیث

و اخبار کبار سلف

عن ابی هریره رضی الله عنه فلما نزلت هذه الآية «و آخرین منهم لما یلحقوا بهم» کلهم فیها الناس فاقبل رسول الله صلی الله علیه وسلم الی سلمان فقال هم قوم هذا «لو کان الدین بالثریا لثاؤه رجال هو الاء»

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی الله عنه مذکور است مضمون آیه و ما قبل آن والعلم عند الله : اوست آن خدائی که بعث فرمود در عرب رسولی از ایشان که میخواند بریشان آیات او ، و پاک میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه ، و تعلیم میدهد ایشان را قرآن و احکام شریعت و سنة ، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالتی آشکار و در کسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و در کسان دیگر آن رسول را و آن کسان ذکر قولی است که همه مؤمنان اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت . و قولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنکه چون این آیه نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرة صلوة الله علیه و سلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی الله عنه حاضر بود حضرة صلوة الله علیه و سلم دست مبارک بر سلمان نهادند و فرمودند این قوم او ، و در حدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه قوم این اند . اگر ایمان معلق بودی پیروین هر آئینه دریافتی او را مردانی از قوم او

و جهی دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشان را قرآن

وسنت و تعلیم میدهند آن کسانرا قرآن و شریعت و سنة و تحقیق آیه چنان مینماید که هر يك و عالم بكتاب و سنة که بود و باشد تا قیامت پاك کننده و تعلیم فرمایند همه نور مقدس حضرت مصطفی اند صلوة الله و سلامه علیهم بسلامان فارسی و یاد کردن ایشان قوم او را اشارت است بهم که کسانی که بفارسی سخن میگویند تا اقصی بلاد خراسان این آیه در شان این جماعت نازل است. و ایضا در حدیث است که چون حضرة صلوة الله و سلامه علیهم این آیت خواندند که: ان تتولوا يستبدل قوم غیر کم ثم لا یكونوا امثالکم مفهوم آیه و العلم عند الله اگر روی بگردانید یعنی از ایمان و طاعة بدل آورد خدای تعالی قومی غیر شما. پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی از ایمان نبگردانند و طاعت کنند. صحابه گفتند یا رسول الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند و نباشد امثال ما حضرت صلوة الله و سلامه دست مبارك بران سلمان زدند پس فرمودند هذا قومہ این و قوم او. لو كان الدين عند الثريالناوله رجال من الفرس اگر بودی دین نزدیک پروین هر آینه فرا گرفتی آنها را مردانی از فرس یعنی فارسیان

عن ابن عباس. قال ذكرت فارس عند النبي صلوة الله و سلامه

#### الاحادیث

عليه قال فارس عصبنا اهل البيت قلنا ولم يا رسول الله قال لان

اسماعيل عم ولد اسحق - واسحق عم ولد اسمعيل

عبد الله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیش حضرت نبی صلوة الله و سلامه علیه فرمودند که فارس عصبه ما اند اهل البيت، گفتیم چرا یا رسول الله فرمودند برای آنکه اسمعيل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان اسمعيل. عصبه اقربارا گویند که از طرف پدر باشد چون برادر پدر و مادری و پدری و پسران ایشان و عم همچنین و پسران ایشان گویند که این طایفه از اولاد اسحق اند علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله وسلامه علیه اعظم الناس نصیافی الاسلام اهل فارس  
مفهوم حدیث والعلم عند الله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

### آثار سلف و نظام رضی عنهم

حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عند الله ترجمه  
این است بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا مرو گویند اسس آن  
ذوالقرنین کرد و وزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جو بهاء آب روان نهاده  
وزمین آن گشاده بر هر دری از دره‌های آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر  
بلارا تا روز قیام ساعت. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا طالقان گویند چه  
گنجها است در آن شهر، لا از نقره و زر لکن مردان ایمان دار، دین پرور، ایشان در مصلی  
بطاعت قائم و خلق در بستر نائم. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا شاش  
گویند قایم او در حجرات و نائم در جامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون است در  
راه خدای بطلب ثواب. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا بخارا گویند  
و چه مردانند بی بخارا ایمن از فریاد هنگام فتور، ساعه اندوه خندان از سرور، خوش  
باد بخارا را اطلاع فرمایند: خدایتعالی برایشان هر روز اطلاعی پس بیامرز دهر کس  
را که خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هر که توبه کند از ایشان. و بدرستی که  
خدایتعالی را بخراسان شهر است آنرا سمرقند گویند بنا نهاد آنرا شمر بن برعش در  
گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان و قبول کند فریاد و اندوه ایشان منادی می کند  
بایشان هر شب منادی خوش باد شما را و خوش باد شما را جنة عیش خوش و گوارنده  
باد سمرقند را، و هر که را در حوالی اوشت ایمن آید از عذاب خدای تعالی در روز  
قیامت. اگر فرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

امیر المؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی الله عنه که ای ابن کوا چندست میان فوشنج و هرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست يك ميل و كم نیست يك ميل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة الله علیه بعد از آن فرمود بدرستیکه خدای تعالی را بخراسان. شهر است آنرا طوس گویند و چه مردانند بطوس مؤمنان در میان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او و احیا کنند سنت نبی او صلوة الله و سلامه علیه. و بدرستیکه خدایا بخراسان شهر است آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان. بدرستیکه خدایا بخراسان شهر است آنرا اجر جان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیر است آبهای او، وسیع است بر خوردن گان ماهیههای او، او امر خدا را متر صد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا قومس گویند وجه کوهها است بر جوانب قومس. و بدرستیکه در قومس اعتبار و منزلت است ارباب الباب را.

و امام شعبی رضی الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان و عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت چون برون آید علماء سپاه از خراسان آن مار است اهل البیت.

و روایة است از شريك بن عبدالله که او گفت خراسان کنانة خدای است عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدایتعالی بر قومی تیرزند ایشان را بکنانة خویش و عبدالله مبارك گفت که بیرون نیامد از خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش از آنکه فتح و نصرت یابد و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که بدرستیکه مر پدر ما ابراهیم را علیه السلام

نشانها بود در کوهها خراسان، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنانهاد، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی از کدام شهری گفت از اهل خراسانم گفت از کدام شهری گفت از هراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرا ابراهیم را علیه السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج. پس از درختی که نزدیک مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت بر حال خودست. فرمود که پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه مرا گفت که بسیار در سایه آن درخت چاشتگاه خواب کرده ام.

ذکر فضائل نیشابور شیخ ابن جریج از کبار تابعین فرمودند که بهترین خراسان نیشابور است پرسیدند که برای خود فرمودید گفت بل که شنیده ام در حدیث، امام حاکم فرمود این آن حدیث است که مروی است از ابن مخارق عن النبی صلوٰة الله و سلامه علیه: قال خیر خراسان نسابور و روایت است از شیخ ابراهیم بن طهمان و ایشان نیز از کبار تابعین اند که خیر خراسان نسابور است و شیخ عبدالله مؤذن نسابوری رحمه الله گفت حضرت خواجه را صلوٰة الله و سلامه علیه بخواب دیدم که فرمودند که من این انت از کجائی تو، گفتم از نسابور فرمودند صلی الله علیه و سلم نعم البلد نسابور. نیک شهر است نیشابور

ذکر صحابه کبار رضوا الله علیهم رسیده اند یا گذشته اند یا ساکن شده و روضه، [مبارک ایشان آنجاست: قال صلوٰة الله و سلامه علیه

به نیشابور

ما من احد من اصحابی يموت بارض الابعث

قائداً او نورالهم يوم القيامة: العلم عند الله فرمودند که نیست هیچ یکی از اصحاب ما که فوت شود در زمینی مگر که برانگیزند او را پیش رو اهل آن زمین یا نور ایشان روز قیامت. راوی را شک است که قاید فرمودند یا نور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند  
فرود آمده اند به نیشابور آمده اند در رفتن و آمدن و یارفتن یا آمدن .

اول ابو الفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف عم حضرت خواجه  
ماصلوة الله و سلامه علیه و حاصل قصه ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند  
واز دیار مکه بخراسان میآمدند و اجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان  
بهره و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر  
درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی را دید از خراسان گفت از  
کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (؟) است  
میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه  
کرده ام و فرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه میبرد ابن مخلد میگوید که  
شیخ من بمکه مرا گفت کسی را دید جامه های عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست  
گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از ایشان پرسیدم که این  
جامه از کجاست فرمود که بهره بودم از آنجا آوردم این جامه هارا

صحابی دیگر: بریده بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ماصلوة الله  
و سلامه علیه از غزاء بدر مر اجعت فرمودند و اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک  
حصارک مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی  
صلوة الله و سلامه علیه فرمود یا بریده: انه سيبعث بعدی يعوث فاذا بعثت تلك البعوث فكن  
فی بعث المشرق ثم كن فی بعث خراسان ثم كن فی بعث ارض يقال له مرو فاذا اتيتها فانزل  
مدینها فانها بناها ذا القرنین و صلی فیها عزیزانها تجری بالبركة علی کل باب منها  
ملك شاهر هاسیفة يدفع السوء عن اهلها الی يوم القیامة . مفهوم حدیث و العلم عند الله

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش در لشکر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشکر زمینی که گفته میشود مرا مرو پس چون یسائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیر جو بهای آن میرود ببرکت. بر هر دری از آن ملکی است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت. و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله و سلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عند الله بریده چاریک اسلام است و مؤید این حدیث است آنج روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ماصلة الله و سلامه علیه از مکه هجرت فرمودند بامیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریده آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما جو بر نبی آمد و پی روی کرد باین پی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بروی تافت و اسلام آورد و چون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله و سلامه علیه او را ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه در نیائیم مگر با علمی و جامه خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مرکب حضرة خواجه ماصلة الله و سلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریده بود رضی الله عنه و ارضاء و بریده و این قصه و بودن او در خراسان فضلة و مفاخرة است اهل خراسان را

و روایت است که خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مرا او را یا بریده لایکل بصرک ولا یذهب سمعک انت نور الاهل المشرق مفهوم حدیث و العلم عند الله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نور تو سمع تو و تو نوری اهل مشرق را وصیت کرد که چون فوت شود او را بر میان راه جاده دفن کنند و چون قبر کنند و لحد ساختند از همه جوانب دیوارها و لحد در هم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده بر میان راه گذر روضه او مرتب کردند رضی الله عنه



صحابی دیگر- عبدالله بن حبیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی الله عنهما  
 صحابی دیگر: الحکم عمرو الغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن  
 ابی سفیان حکم را بر مال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه با کفار جهاد کرد و  
 غنیمت‌ها بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمت‌ها بسیار بسیار گرفتم معاویه باو  
 نوشت که نیک بنگر هرج از صفرا و بیضا یعنی زرو نقره یابی همه را با امیر المؤمنین  
 بفرست و باقی بر لشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کرد و گفت  
 حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهاد است  
 مگر خمسی که از آن سادات و دیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حتی  
 نمی بینیم حکم رضی الله عنه بمعاویه نامه نوشت که نامه تو با کتاب خدای عرض کردم  
 موافق نبود متابعه کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه بر لشکر  
 قسمت کردم معاویه فرستاد تا او را حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته  
 شد و در آن فوت شد بوقت وفات وصیه کرد که او را با سلاسل و بندها دفن کنند تا مخصصه  
 کند با معاویه روز قیامت که او را برای چه امر بند کرده است و او را پهلوی بریده  
 دفن کردند چنانکه میان ایشان یک ذراع یش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیه بن عمرو الغفاری برادر حکم که ذکر رفت و او نیز مدفونست  
 بمر و نزدیک برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابوزره اسلمی رضی الله عنه و نام او گفته اند عبدالله و ساکن  
 مدینه می بود از آنجا بصره آمد بس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او  
 اولاد او مروانند بدرستی که روایت است که به نیشابور فوت شد اینجا آسوده است  
 رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم

بود کرم الله وجهه سه مقدمه علم نحواز ایشان تعلیم گرفت و علم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت و اقوام دیگر بس این علم منتشر، ختخام را بمر و اولاد و آثار است.

صحابی: العباس بن عباس السلمی الشاعر باحضرت صلوة الله وسلامه علیه صحبت داشت و او را درمر و فرزندان بودند

صحابی: اقرع و ورقه پسران حابس تمیمی.

صحابی: محقر بن ادس باحضرة صلوة الله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت.

صحابی: قاسم بن عباس بن عبدالمطلب با لشگر اسلام بغزا بخراسان آمد و بالمر المؤمنین حسن کرم الله وجهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوة الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسر عم بود.

صحابی دیگر: اس بن ثعلبة التمیمی باسعید بن عثمان بغزا بخراسان آمد

صحابی دیگر: کعب بن عتیه او را بمر و اولاد بود

صحابی: عبد الله بن خازم سلمی والی نسا بود از جانب عبد الله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم قوی بودند دهاقین.

صحابی: ابو عمرو انصاری درمر و درقریه بایشان ساکن شد و او را اولاد بودند علما وفقها

صحابی دیگر محمد مولی حضرة خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه و از مرو

بود تجارت میکرد نام او ماناهیه بود مجوسی نمودی خود را ناگاه نام حضرت ما

شنود صلوة الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد صلوة الله و سلامه علیه

آورا محمد نام نهادند و مولی حضرة شد صلوة الله و سلامه علیه و سلمان بمر و مراجعه

کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود

امام حاکم فرمود که آنجی بمارسید از صحابه که این دیار بقدم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد .

ذکر بزرگان کی بنسابور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند

فایده - هر کس که با ایمان در بیداری حضرة خواجه مصلوة الله و سلامه علیه را دید او صحابی است و آنها که با ایمان صحابه را در یافتند اما خواجه ما را صلوٰة الله و سلامه علیه ندیدند یا دیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعه را تابعین خوانند . کعب اخبار در زمان خواجه ما بود صلوٰة الله و سلامه علیه اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند و کسانی که این جماعت بزرگان را دریافتند اما تابعین را ندیدند ایشان را اتباع گویند تابعین قرن دوم اند از صحابه - تبع تابعین قرن سیم اند از صحابه - اتباع قرن چهارم اند از صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن قیس سعیدی . امیه بن اسعد خزاعی . اسلم بن ذرعه . اس بن ودیعه . ارقم بن ارقم . در زلزله نسابور بر حمت خدای منتقل شد . بسر بن جلال عدوی . بکر بن با عر کوفی . بشیر بن بحیی . از علماء تابعین بود . و از نسابور بود بمرو و ساکن شد ، ثمانه بن عبدالله بن انس بن مالک رضی الله عنه . جعد بن هیره مخزومی حضرة امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرة ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت جاریه بن بدر بنسابور فوت شد و مدفن مبارکش اینجاست ، خراج بن عبدالله الحلمی ابن سعید البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیه ابوسعید و کنیه ایبه ابوالحسن از تلامذه و تربیه یافته حضرة امیر المؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم الله وجهه. الخثر بن عمرو الکیدی، الحکم بن کثیر الحارث المازنی  
 حضیر بن المبذر، حجاج بن الثقفی، خلد بن عبدالله خلد بن الاسلمی داود بن عمان بن  
 حبیب. ابوسلیم النیشابوری علم حدیث از انس بن مالک استفاده کرد. الربیع بن  
 انس بن مالک بمرو ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید بن الحواری البصری  
 قاضی هراة، زیاد بن ابی عمرو والتابعی، سعید بن امیر المؤمنین عثمان بمدینه متولد شد  
 وبالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسابور آمد  
 و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن  
 السلیم البصری، سلیمان از اولاد حبیب الاسلمی، سالم الخراسانی و او از  
 نیشابور بود، سلیم بن ربیع - شهر بن حوشب، صلت بن ایاس، سفرة بن حمید  
 ضحاک بن مزاحم، طلحة بن ایاس البصری، طلحة الطلحات، بالشکر سعد بن عثمان  
 بود رضی الله عنه بنسابور آمد عبدالله بن بریده بن خضیب الاسلمی، عبدالله صامت  
 و این صامت پسر برادر ابی ذر غفاری بود رضی الله عنه، عامر بن شراحیل الشعبي  
 همدانی، علقمة بن تیس النخعی از ملازمان تلامذه حصرة امیر المؤمنین علی کرم  
 الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطاب بن ابی السایت المکی، عمرو بن عبدالله  
 الهمدانی، عمرو بن سالم الانصاری، عمرو بن مسلم عمرو بن عبدالله عکرمه، مولى  
 عبدالله عباس مدتی در نیشابور فتوی او داد، عباد البصری، علی بن احمر، غیاث  
 بن عبدالله از کبار الصحاب امیر المؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة بن دنیا  
 و قتیبة بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد بن واسع البصری  
 الزاهد مهلب الاردی، مغیره بن عبدالملک، مشعث بن طریف، مروان بن عیبدالله  
 النیشابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیم البلیخی، منصور بن  
 عبدالحمید الخراسانی، نصر بن عمران نافع، مولى عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهار العبدی، وهب بن منیه ابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیه از هراة بودند کسری ایشان را جلا کرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن عامر، لاحق بن حمید، یحیی بن یعمر فقیه ادیب از کبار تابعین بود، ابن حمید البصری، یحیی بن عقیل البصری، یزید بن المهلب و الی بود هر یک از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده اند

### ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها

من علماء الاسلام: ابراهیم بن طهمان بن سعید الفقیه الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت و مجاور شد آنجا بر حمت حق منتقل شد رضی الله عنه وارضاه، ابراهیم بن مرء بن بصر بن انس بن مالک انصاری، ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیشابور شد و اینجا وفات یافت ابراهیم بن سلیمان البلخی، اسمعیل بن ابراهیم النیشابوری، اسحق بن بشر الکاهلی، ابو حذیفه البخاری اصل او از بلخ و منشأ او بخارا، احمد بن ابی طیبه الجرجانی، اصم بن حوشب الخراسانی، اصم بن غیاث النیشابوری مسجدی فی محلة الزمجار اسد بن عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان، انس بن عیاض المدنی، بنار بن قیراط النیشابوری، بکر بن معروف النیشابوری، سنه ثلث و ستین و مائه وفات یافت، جعفر بن الحارث جارد النیشابوری، حسن بن محمد القاصی، حسین الولید شیخ شهر بود در نسابور سنه ثلث و مائتین بر حمت حق پیوست، حسین بن داود البلخی حماد بن سلیمان الفقیه النیشابوری مسکنه بمحله قر حفص بن عبدالرحمن النیشابوری، حفص بن سالم السمرقندی، حجاج بن ادطاة الکوفی، عییب بن مهران النیشابوری، الحکم بن عبدالله البلخی خارجه بن مصعب السرخسی، اود بن سلیمان الجرجانی داود القشیری، زافر بن سلیمان القهستانی زهیر بن محمد

نسابوری سکن مکّه والمدینّه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان نسابور رسید  
 وقت رفتن بیخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمان بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که  
 این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعید بن سالم بن قتیبه چون جد  
 والی نسابور بود ، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید  
 النیسابوری ، عبدالله بن مبارک امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن  
 عبد الرحمن النیسابوری ، عبدالله بن و افدالهروری ، عبدالله بن عبد الرحمن عیّدالله بن  
 محمد النیسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبد الرحمن بن مسلم ابوقتیبه ،  
 ابومسلم عبد الرحمن حاجب الدوله عبد الرحمن بن عبدالله النسوی قاضی نیشابور ،  
 عبد الرحمن عماد النیسابوری ، عبد العزیز بن ابی رواد ، عبد العزیز المروزی ،  
 عبد الملك الاصمعی

اما اهل اللغة عمر بن هارون البلخی ، عمر بن الرماح ، ابو عبدالله عمر القاضی اصل  
 او از بلخ بود اما عبدالله نسابوری امت ، عمر بن قیراط النیسابوری ، عیسی بن موسی  
 البخاری ، عیسی بن ابراهیم القرشی ، عیسی بن نصر الله السرخسی ، ابو عامر النیسابوری ، عامر  
 خدّاش النیسابوری ، عینة بن عبد الرحمن اللغوی ، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی  
 المروزی ، قتیبه بن سعید البغلائی در نیشابور مقیم شد عینة قحده بن سلیمان البصری و در نیشابور ،  
 کتانه بن حليلة الهروی و گویند پیوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد  
 بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی . توفی بیفداد ، محمد عبد الرحمن المقری ،  
 معمر بن حسین الهروی ، معروف بن حسان ، مورخ بن عمرو البصری اقام نیشابور ابو سهل  
 نصر النیسابوری ، نصر بن عبد الکرم النیسابوری مکی بن ابراهیم البلخی ، مجیر بن مخدّم  
 در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان از علماء  
 نسابور بود ، مسکن او در کوچهر امین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

بلقباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسى القاضی واد از خراسان بود در اصل بى شکى و گویند که از نسابور بود ولید بن سلمه الازدی از اهل طبرستان بود، هباح بن بسطام التمیمی الهروی اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفون مذکور نیست اما یحیی بن صبیح النیسابوری معلم قرآن اول معلمی که در نسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد و مسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معربکه رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا بر سر قبر ایشان مستجاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیت ابو زکریا معلم قرآن بود بنیسابور متولد شد اولاد در نسابور مدفون اند در معبره، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن بیغداد، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن بنیسابور و توفی بها، ابراهیم بن مغلدا الکبیر، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی و یقال له الحمال، ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعری، ابراهیم بن سالم ابو خالد النیسابوری، ابراهیم بن زید الاسلامی النیسابوری، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و یقال المروزی، ابراهیم بن ابی صالح و ابو صالح اسم هاشم بن عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نسابور و توفی بها، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینه و رد بنسابور و استوطنها و توفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری، ابراهیم بن منصور ابواسحق، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابوری ابراهیم بن مهدالبزاز البصری امام بنسابور، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملحمش النیسابوری ، ابراهیم بن عمار الانصاری ، ابراهیم بن ایوب النیسابوری ، ابراهیم  
 بن عثمان النیسابوری ، ابراهیم بن سلیمان الخیاط النیسابوری ، ابراهیم عبدالرحمن البصری  
 نزیل نیشابور ، ابراهیم بن الفضل ابواسحق النیسابوری ، ابراهیم ابن الفضل یحیی  
 النیسابوری ، ابراهیم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقیه ، ابراهیم بن الحصین بشر النیسابوری  
 ابراهیم بن حرب ابواسحق النیسابوری ، اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی ،  
 اسمعیل بن الفضل ابو ابراهیم قاضی جرجان یعرف بالشالنجی ، اسمعیل بن  
 الحجاج ، اسمعیل بن حمید النیسابوری ، اسحق بن محمد بن مطر الحنظلی ابو یعقوب  
 راهومه مکن بنسابور و توفی بها و قیل اصله مروزی و قیل هروی و لکن مات  
 بنسابور قال له عبدالله طاهر لم قیل لك راهویه و مامعناه قال انا ولدت فی طریق مکه  
 فقالت المراءوه راهویه لانه ولد فی الطريق و كان ابی یكره هذا و لکن انا ما اكره ، اسحق بن  
 منصور بن بهرام الكرسخ مولده بمرو و منشأؤه بنسابور و توفی بها ، اسحق بن ابراهیم  
 بن یحیی العفصی ، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرین السلمی المعروف بالحشل النیسابوری  
 اسحق بن حکم بن ابی خدیجه المهار النیسابوری ، اسحق بن ابراهیم السمی النیسابوری  
 اسحق بن نعیم النیسابوری ، اسحق بن موسی عبدالله بن یزید الانصاری وارد بنسابور ،  
 اسحق بن الصباح ابو محمد التاجر النیسابوری ، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النیسابوری  
 احمد بن عمرو بن سعید الحرش النیسابوری ، احمد بن ازهر بن بنیع العبدی ابو الازهر  
 النیسابوری احمد بن احجم الخزاعی ابو الحسن المروزی مکن بنسابور و توفی بها ،  
 احمد بن ایوب ابو ذر العطار النیسابوری من المدینه الداخله ، احمد بن ابراهیم البرمقی ،  
 احمد بن ابراهیم حرب بن یزید ابو عبدالله القرشی ، احمد بن بکر النیسابوری ، احمد بن  
 جواد بن قطی الکثیری النیسابوری ، احمد بن خواس ابو جعفر الاستوایی ، احمد بن حفص بن  
 عبدالله بن راشد السلمی النیسابوری ، احمد بن الحکم بن سان السلمی النیسابوری احمد بن



حريس ابو محمد القاضي بنسابور و هراة ، احمد بن حرب وهو سهل بن فيروز و قير و زهو  
 عبدالله الزاهد النساپورى قال يحيى بن زكريا بن حرب ، سمعت ان تقول توفى ابي  
 حرب بن عبدالله الاصفهاني بنسابور سنة ثمانين ومائه وخلف محمدا و السه لتسع و احمد  
 لاربعة سنين و ولدت اما بعد وفاته ، احمد بن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذي صاحب امام  
 احمد بن حنبل ، احمد بن حمزة النساپورى احمد بن حاج بن القاسم العامري وله مسجد في  
 نيسابور ، احمد بن الخليل ابو علي البغدادي التاجر سكن بنسابور و توفى بها ، احمد بن  
 حواس بن محراق السمي النساپورى ، احمد بن خلد بن حماد الدينلي توفى بنسابور ، احمد بن  
 خلد بن عبدالله ابوبكر النساپورى ، احمد بن سنان القشيري ابو عبدالله الخرقني و خر قن  
 قرية على باب مدينة نسابور ، احمد بن سعيد بن صخر ابو جعفر الدارمي ولد بسر خس و نشاة  
 نيسابور و توفى بها ، احمد بن سليمان القرى النساپورى شيخ قديم من محلقة قر ، احمد بن  
 ستار ابو الحسن الفقيه المروزي ، احمد بن عبدالله الحميري النيسابورى و كنيته ابو جعفر ،  
 احمد بن عاصم ابوبكر صاحب ابي عبيد نيسابورى ، احمد بن عبدالله بن و افدا ابو اليد الهروي ،  
 احمد بن علي بن حمومة النحوي النيسابورى ، احمد بن عمرو ابو سعيد القهتذري النيسابورى  
 احمد بن عبد الرحيم الازدي النساپورى ، احمد بن عمر بن عبدالله الفراري ، ابوبكر المروزي  
 ولي قضا بنسابور ، احمد بن عمر بن ربيعة الحرسى النساپورى ، احمد بن عبد الوهاب بن  
 حبيب بن مهران العبدى ، ابو محمد النساپورى ، احمد بن علي بن سعيد السرخسكى  
 النساپورى ، احمد بن عبيد النساپورى ، احمد بن العباس بن منصور النساپورى ، احمد بن معاذ بن  
 عبدالله السلمى النساپورى احمد بن منصور بن راشد الحنظلي ابو صالح المروزي و اقام  
 بنسابور ، احمد بن منصور النساپورى ، احمد بن محمد بن يوسف البلخي كتب عنه بنسابور  
 احمد بن مسلم الزاهد النساپورى كنيته ابو مسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف  
 بالمعاذ النساپورى ، احمد بن مخلد ابو شعاع العيدلاني النساپورى ، احمد بن محمد بن

سعید الفراء النسابوری، احمد بن محمد بن المهلب بن همام النسابوری، احمد بن نصر بن  
 زیاد القرشي ابو عبدالله المقری، احمد بن یوسف ابو الحسن السلمي النسابوری، احمد بن  
 یحیی بن الصباح بن اخي سعید بن الصباح النسابوری، ایوب بن الحسن ابو الحسن الفقیه  
 الزاهد مسجده ومسکنه بنصر آباد ولمجده کرامات مروته محترمه قبره فی رأس میدان  
 زیاد، ایوب بن منصور النسابوری، اسلم بن سلیمان النسابوری، اشرف بن محمد القاضي  
 ابو سعید قاضی نیشابوری من اصحاب ابو یوسف القاضي، اسد بن عماد بن عبدالله العتکی  
 اسد بن عبدالله المرابطی النسابوری، اسد بن موسی الفقیه النسابوری، ازهر بن حبیب  
 النسابوری، اسد بن نوح صاحب خراسان، اسود بن ابی الاسود النسابوری، بشر بن الحکم  
 بن حبیب بن مهران العبدی ابو عبد الرحمن النسابوری، بشر بن ابی الازهر القاضي  
 النسابوری و ابو الازهر نزیل بنسابور وهو من اعیان علماء کوفه، بشر بن القسم بن حماد  
 النسابوری بسرین، سهل بن موسی النسابوری ابو سهل العباد، بشر بن یحیی السکری  
 ابو احمد المروزی، بشر بن حفص بن یحیی الفقیه النسابوری، بشر بن محمد العاری المطوعی  
 النسابوری، بشر بن هاشم ابو سهل السجستانی، بشر بن عیسی النسابوری، بکر بن جذاش  
 اخو عامر بن جذاش النسابوری، بدیل بن محمد الاسفرائینی، جعفر بن محمد عروة النسابوری  
 جعفر بن عیدالله الفزّی النسابوری، حسن بن عیسی سرخسی، ابو علی مولی  
 عبدالله المبارك وکان نصرانیا ثم صار امام المسلمین، الحسن بن ابی عیسی  
 و ابو عیسی موسی بن میسرة الهاللی النسابوری الحسن بن عبد الصمد بن عبدالله  
 بن رزین السلمي ابو سعید النسابوری، الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبد رب  
 السلمي النسابوری، ابو علی قاضی نیشابور، الحسن بن هارون بن المعیره بن  
 فرقد التمیمی النسابوری، الحسن بن سهل اخو جعفر بن سهل المذکر، الحسن  
 بن شجاع بن رجا ابو علی البلخی الحافظ، الحسن بن عمرو بن عبدالله بن معاذ

حماد بن هرون النسابوري ، الحكم بن المبارك النسابوري ، الحكم بن حبيب بن  
 مهران العبدى النسابوري ، الحكم بن عبدالله الحارودي النسابوري ابو الفضل  
 حامد بن ابي حامد المقرئ النسابوري ، حامد بن عبد الوهاب الاسفرايني ، حمدان  
 بن خالد ابو العباس الفرسى النسابوري ، حمدان بن محمد بن عبد العزيز بن سلام النسابوري  
 حجاج بن مهاجر ابو يوسف البصرى نزيل نسابور حجاج بن مسلم القشيري ، ابو مسلم  
 الام النسابوري وتوفي ومسلم كان صغيراً ، حاتم بن يونس الجرجاني اقام نيسابور  
 برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطيب الكشي حدث بنشاپور ، حميد بن رنجويه  
 النسوي ، ابو احمد محدث كثير الحديث ، حسويه بن كيسان اخو محمد بن كيسان  
 النيشابوري ، حسين بن حشام الحرسي النيشابوري ، حسوبه بن عبدالله النيشابوري  
 ابو علي اخو حسين المرتفع ، حسن بن عبد الرحيم الرتكى الزاهد ، ابو عبدالله المطوعي  
 النيسابوري صاحب الصومعة والمسجد اللذين يتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن غنم  
 النيسابوري ، خاشد بن اسمعيل البخاري ، حري بن محمد بن يوسف البلخي ، خلد بن  
 حماد بن عمرو بن مخلد بن مالك وهو الخخام روى عنه احمد و احمد عندنا مدفون بنشاپور  
 خلد بن يزيد بن الخلد البلخي النيسابوري ، خشنام بن الصديق النيسابوري ومسكنه  
 رأس مكه عمار في سكه معتيا باد ، خشنام بن عبد الرحمن النيسابوري المعنيا بادي ،  
 خشنام بن عبدالله بن ابي زياد النسابوري ، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحكم النسابوري  
 ابو سعيد السلمى ، خليل بن محمد بن عبد الرحمن النحوى ابو محمد النسابوري ، خلف  
 بن عبدالله الغنبري الهروي حدث بنشاپور ، خلف بن ايوب العامري ابو سعيد البلخي فقيه  
 اهل بلخ ، حداد بن عمرو ابو عامر النسابوري ، داود بن محراق الفاريابي ، داود بن مجدي بن  
 مخدوم ابو سليمان قيل ولد بنشاپور ومات ببغداد ، داود بن ابراهيم النسابوري ،  
 داود بن علي بن خلف الفقيه الاصبهاني اقام بنشاپور مدة ، داود بن سعيد ابو سليمان

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشاپور،  
 الحسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد ابو جعفر المدفون مقبره مولق آباد الذی یزار  
 ویرجا اجابت الدعاء، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن  
 ایوب ابو علی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن  
 عبدالرحمن ابو علی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد اد الخزاعی النسابوری  
 الحسن بن مهاجر ابو الحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری  
 الحسن بن مسلم ابو علی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابو علی الزجاجی  
 النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسین بن منصور السلمی ابو علی النسابوری  
 الحسین بن جریر بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسین بن عمارة المقری  
 النسابوری، الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابو علی الکوفی امام  
 عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نسابور و سکنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسین بن  
 معاذ، الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسین علی النسابوری  
 المشهور بابی علی المرتقع، الحسین بن ضحاک بن عبدالرحمن ابو علی القرین النسابوری  
 الحسین بن عیسی بن حمرا ن ابو علی البسطامی کان من کبار المحدثین سکن نسابور  
 وتوفی بها، الحسین بن عبدالله بن محمد ابو نصر النسابوری، الحسین بن حرب، الفقیه  
 النسابوری، اخو احمد بن حرب الزاهد، الحسین بن سلم ابو علی القرین النسابوری،  
 الحسین بن عمرو بن ابو علی الصانع النسابوری، الحسین بن منصور بن ابراهیم بن  
 عبدالله ابو محمد النسابوری، الحسین بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله  
 بن راشد ابو عمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر والقصیر النسابوری، حفص  
 بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماد بن سلیمان النسابوری،  
 استاد احمد بن حرب، حماد بن موسی النسابوری، اخو مسرور بن موسی الفراء،

النسابوري ، داود بن عدى الطوسي ، رجاء بن السندی النسابوري ، ابو محمد الأسفرايني  
 ركن من اركان الحديث ، رجاء بن عبد الرحيم ابو المصا القرشي الهروي ، رجاء بن  
 اسد النيسابوري ، رجاء بن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبد الرحمن ابو محمد المنسوب  
 اليه ميدان زياد ، زكريا بن حرب النسابوري ، ابو يحيى اخو احمد حرب زكريا بن  
 يحيى بن يحيى النسابوري ، ابو محمد التميمي ، زاهر بن بجر النسابوري ، زنجويه بن  
 عبد الرحمن العابد النسابوري و يقال له زنجويه الحيري من محلة الحيرة ، زيد بن ابي  
 موسى النسابوري ، سليم بن ابي مطر المطوعي النسابوري ، سليم بن مطر النسابوري  
 اخو قتاده ، سليم بن بحر بن معاذ النسابوري الزهلي ، سليم بن داود بن بكر ابو داود  
 النسابوري الحفاف ، سليم بن داود بن شعيب كيسان النسابوري ، سليم بن محمد بن  
 ابي داود النسابوري المستملي ، سليم بن عمر بن الحسي النسابوري ، سليم بن  
 خلد بن يونس الكاتب ابو داود النيسابوري ، سليم بن الاشعث ابو داود السجستاني  
 امام اهل عصره بلامدافعه وكان مقيماً بهراة وتوفي ببصره ، سليم بن عبد الله البكري  
 النيسابوري ، من محله قز ، سليم بن مسلم بن الحسين بن معاذ النسابوري ، سليم  
 بن عبد الله العامري النسابوري ، سليم بن سعد القرشي النسابوري ، سعد بن يزيد  
 للفرا النيسابوري اختلفوا في كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزي ، سعيد بن  
 عبد الرحمن موالى ال العجرو النسابوري و يقال سعد الحيري من محلة حيرة ،  
 سهل بن مهران ابو بشر البغدادي نزيل بنسابور ، سهل بن بشر بن القسم الققيه النسابوري  
 ابو القاسم و يلقب بسهلويه ، سهل بن عمار بن عبد الله العتكي النسابوري ، سهل بن عمان  
 النسابوري المعروف بالسخري ، سهل بن اسلم النسابوري ، سهل بن عبد العزيز بن موره  
 الصناني ، سعيد بن الصباح اخو يحيى النسابوريان المنسوب اليهما الخان والمحلة :  
 سعيد بن محمود ابو الطوسي نزيل نيسابور ، سعيد بن ابي سعيد البلخي قوم بنسابور

جاجا، سعید بن اشکاب الساسی حدث بنسابور، سعید بن مروان البغدادی ابو عثمان  
 و يقال الرهازی سكن بنسابور و بهامات، سعید بن سام بن قتیبه بن مسلم والی نیشابور،  
 سعید بن صالح النسابوری، سعید بن عبدالرحمن الجارودی النسابوری، سعید بن یحیی  
 الکریزی البصری، سعید بن منصور ابو عثمان النسابوری و يقال الخراسانی و يقال  
 الجورجانی و يقال البلخی، سعید بن النصر ابو النصر النسابوری، سلمه بن شعب النسابوری  
 ابو عبدالرحمن المستملی، سلم بن الحرود بن یزید النسابوری، سلمه بن بشیر  
 النسابوری، السری بن عطیة التمیمی النسابوری، السری بن نصر ابو سهل النسابوری،  
 السری بن خزیمه بن معویه ابو محمد الایوردی و توفي بایورد، ساسان بن الحسین  
 ابو کسری الخراسانی، سختویه بن هازیار النسابوری، سختویه بن الجنید ابو عبدالله  
 الجرجانی، شبل بن عبدالرحمن الادیب النحوی النسابوری. شداد بن حکیم البلخی  
 حدث بنشابور شریک بن عبدالله النخعی القاضی و لد بنخراسان و قيل بنشابور، شریح  
 بن عقیل بن رجا ابو عقیل السیهقی، شوکر بن عبدالله الاسفراینی، شغم بن اصیل ابو احمد  
 العجلی النسابوری و هو من رستاق ارغیان، صالح بن یونس ابو حاتم النسابوری، صالح  
 بن جناح ممن ادرك الاتباع بلاشک، صالح بن محمد بن حبیب بن ابی الاشرنین الحافظ  
 ابو علی البغدادی و توفي بخارا، طاهر بن الحسین بن مصعب بن دریق بن شادان الخزاعی  
 ابو طلحه ذوالیمینی والی خراسان، طاهر بن سعید المقری النیشابوری، ابو القاسم  
 طاهر بن عبدالله بن عطا الامیر و توفي بنشابور يوم الاثنين من رجب سنة ثمان و اربعین  
 و ماتین و دفن من العذ، طیفور بن عبدالله النسابوری ابو الطیب المؤذن، عبدالله بن حسان  
 ابو عبدالرحمن الطوسی ولد بها و بنشابور نشر علمه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن  
 جعفر الیمان المسندی ابو جعفر البخاری، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابی داود العتکی  
 المروزی، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشید الرشید امیر المومنین، عبدالله بن مهران

الطبيسي ابو محمد عبدالله بن الجراح القهستاني ابو محمد سكن بنسابور و بها انتشر علمه  
عبدالله بن يوسف بن خرشيد الدويري النسابوري و دوير قرية على باب نيشابور، عبدالله  
بن محمد عبدالرحمن المقرئ النسابوري ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام  
السمرقندي، عبدالله بن عبدالوهاب تميمي ابو محمد الخوارزمي اقام نيسابور، عبدالله بن محمد  
التميمي النسابوري ابو محمد النحوي ، عبدالله بن يونس ابو محمد النسابوري الفقيه ،  
عبدالله بن محمد الدقيقي النسابوري ، عبدالله بن عمر بن الرماح القاضي النسابوري،  
عبدالله بن محمد برهاني ، ابو عبدالرحمن النحوي النسابوري، عبدالله بن محمد بن عبدالله  
النباطي النسابوري ، عبدالله بن ابراهيم المروزي حدث بنشابور، عبدالله بن مهدي العامري  
ابو محمد النسابوري، عبدالله بن طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق الخزاعي ، ابو العباس  
الامير العادل ووفاته بنسابور قدهم اربع تسعة بنين له من سبعة عشر : عبدالله بن ابراهيم  
الشنفاضي النسابوري : عبدالله بن يونس النسابوري، عبدالله بن سعيد بن جعفر الجعفي  
البخاري حدث بنسابور، عبدالله بن محمد ابو الطيب المكفون الفقيه النسابوري، عبدالله بن  
خالد بن فارس الدنبلي النسابوري، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الماللي النسابوري  
عبدالله بن سنان الهروي صاحب ابن المبارك . عبدالله بن حماد ابو حامد القهنتري  
النباطي النسابوري. عبدالله بن محمد بن رباب النيسابوري ، عبدالله بن ابي نجيح النيسابوري ،  
عبدالله بن ابراهيم ابو محمد الخشاب المعروف بالبصري وهو نيشابوري عبدالله بن عرامه  
الساسى حدث بنشابور، عبدالله بن الحارث ابو محمد الصنعاني طرطري على رساتيق بنسابور  
مثل جويني واسفرايني ويهقي وبشتي، عبدالله بن سعيد بن يحيى بن ابي الشكري السرخسي  
الا ان رواية واصحابه بنيشابور ومسكنه بنيشابور الى ان توفي : عبدالله بن محمد بن سليمان  
الهاشمي حدث بنسابور، عبدالله بن عبدالله بن ابي الهيثم عم ابي جعفر الترك وكان يسكن  
دار الترك في مسكه باذان ، عبدالرحمن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدي

النيسابورى، عبدالرحمن بن علقمه ابو يزيد السعدى المروزى، عبدالرحمن بن عمار  
النيسابورى الشهيد و هو المنسوب الى مسكه عمار، عبدالرحمن بن مسعود الجورجاني  
حدث بنشابور: عبدالحميد بن عبدالله بن محمد بن هاني ابو هاني النيسابورى  
عبدالوهاب بن منصور ختن الحسين بن عبدالله النيسابورى الترك، عبدالوهاب بن حبيب  
بن مهران العبدي النيسابورى، عبدالوهاب بن الضحاک النيسابورى، عبدالعزيز بن  
يحيى ابو عبدالرحمن المديني، عبدالعزيز بن مسلب المروزى ابو الدرداء، عبدالعزيز  
بن سليمان بن يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى عبدالجبار بن امان القرشي النيسابورى  
عبدالرحيم النيسابورى، عبدالصمد بن حسان ابو يحيى المروزى، عبدالصمد بن مسعود بن  
عبدالله بن ذرين السلمي النيسابورى، عبدالصمد بن ابي مطر ابي بكر البلخي،  
عبدالسلم بن صالح بن سليمان بن ميسره ابو الصلت خادم على بن موسى الرضا،  
عبدالسلم بن نهشل بن سعيد النيسابورى، عبدالخالق بن محمد بن القسم النيسابورى  
عبيد بن سعد النيسابورى، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزين النيسابورى، عمر بن  
عبدالعزيز بن سلام بن عبدالعزيز بن حبيب فيروز التميمي السعدى، عمر بن عصام  
بن سلم بن زياد النيسابورى، ابو حفص المقرئ وكل القرايسمونه عمرو او هو عمر  
عمرو بن عقبة الا ستوائى النيسابورى من رستاق استوا، عمر بن سعيد بن دردان  
التشيرى النيسابورى، عثمان بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشي سكن  
بنشابور و بها حدث الى ان توفي، عثمان بن سعيد بن خالد ابو سعيد الدارمي،  
امير المؤمنين على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب  
رضي الله عنهم الرضا ابو الحسين الامام الشهيد ورد بنشابور، سنه مائتين فلما وافى  
الرضا بنشابور و اقام بهامدة و المامون بمرو الى ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك  
ما كان و استشهد ببستاباد من طوس لتسع يقين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنه ثلث



و ماتين و هو ابن تسع واربعين سنة و تسعة اشهر و قال الرضا رضى الله عنه من زادني  
على بعد داري اتيت يوم القيمة في ثلث مواطن حتى اخلصه من اموالها اذا تطايرت  
الكتب يمينيا و شمالا و عند الصراط و عند الميزان ، على بن ابراهيم البنانى المروزي ؛  
على بن اسحق المروزي صاحباً عبدالله المبارك ، على بن اسحق الحنطلى ابو الحسن  
السمرقندى من كبار شيوخهم ، على بن بشر النعمانخدى النيسابورى ، ابو الحسن على بن  
بكر البرنوذى الكبير على بن جرير ابو الحسن الايبوردى حدث بنشابور ، على بن  
الجرود بن يزيد النيسابورى ابو الحسن ، على بن جمعه بن هانى بن قنبر مولى  
امير المؤمنين على رضى الله عنه و هو ممن ولد بنشابور فان هانى سكنها عند وروده  
مع جعدة بن هبيرة و آل قنبر عندنا بنشابور بيت كبير و خطيبهم باب الرى ، على بن  
الحسين بن سفيق العبدى المروزي ، على بن الحسين بن عبد الرحمن بن يزيد ابو الحسن  
الذهلى النيسابورى شيخ عصره ، على بن الحسن بن موسى الهلالى النيسابورى و هو  
ابو الحسن الدرا بجردي والد درابجرد مجلة متصله بالصخر آتى على البلد ، على بن  
الحسن الترمزى ابو الحسن ، على بن الحسين بن وافد المروزي ، على بن الحسين بن  
عبدويه البيهقى النيسابورى ، على بن الحسين بن الوليد القرشى النيسابورى ، على بن  
حجر بن اياس المروزي ، على بن الحكم المروزي و يقال له الملحكانى ابو الحسن  
على بن سلمه عقبة القرشى ، ابو الحسن الليقى النيسابورى ، على بن سعيد بن جرير  
ابو الحسن النسوى ، على بن عثمان بن على العامرى ، ابو الحسن الكوفى ساكن نيسابور  
على بن عيسى بن حرب البيهقى النيسابورى ، على بن قدامه بن سلمه النشابورى ، على  
بن مخلد بن شيبان النيسابورى ابو الحسن خطته مشهورة فى المربعة الصغيره سكه  
زنحونه ، على بن محمد بن آدم الدهلى النيشابورى ، على بن محمد بن معاوية النيشابورى  
على بن موسى بن خاقان النيسابورى ، على بن محمد الزباد ابادى النيشابورى و زياد

اباد قرية ييهقي ، علي بن نصر الوراق النيشابوري ، علي بن يعقوب بن صباح القس  
 النيشابوري ، علي بن يونس البلخي حدث بنشابور ، عيسى بن جعفر ابو موسى قاضي  
 الري ، عيسى بن ابي عيسى الدرايجردى النيشابوري ، عيسى بن حنان النيشابوري ،  
 عمرو بن زرارة بن وافد ابو محمد الكلاني النيشابوري ، عمرو بن هشام بن زبير النيشابوري  
 عمرو بن معمر العمركي النيشابوري ابو عثمان ، عمرو بن عامر بن الفرات ابو سعيد الذهلي  
 النيشابوري ، عمرو بن مسلم ابو حفص الزاهد النيشابوري ، عمرو بن صالح المروزي حدث  
 نيشابور ، عمرو بن عصام الاستوالي ، عمار بن عبد الجبار ابو الحسن النيشابوري ، عاصم  
 بن عصام بن منيع بن ثعلبة الشيري النيشابوري ، عاصم الباخرزي النيشابوري ، عصمة  
 بن الفضل الميري النيشابوري سكن بغداد ، عصمة بن ابراهيم الزاهد النيشابوري :  
 عصمة بن ابان النيشابوري ، عامر بن شعيب النيشابوري يقال له الاسفنجي من قرية بارغيان  
 من رستاق نيشابور ، عباس بن سهل ابو الفضل الميداني النيشابوري من ميدان زياد ، عباس  
 بن الضحاک البلخي ، عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد رشد صاحب رسول الله النشابوري  
 عقيل بن عمر بن بكر والي نيشابوري ، عقيل بن الهلال النشابوري ، عقيل بن يحيى النشابوري  
 عمران سوار البغدادي نزيل نيشابور ، عمران بن سهل ابو سعيد النيشابوري ، عمران  
 بن علي الخزاعي النيشابوري : عتيق بن محمد بن سعيد الحرسي ابو بكر النيشابوري ،  
 عبدان بن يوسف السلمى النيشابوري ، عبدان بن محمد بن الفضل النيشابوري  
 غسان بن سليمان الهروي ، غسان بن محمد بن عبد الله بن سالم النيشابوري ، غسان بن  
 عبد الله السلمى الصبري حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسيب بن موسى ابو محمد  
 السران البيهقي النيشابوري ، فضل بن عماد التميمي النيشابوري و ملقب ببندش او  
 ابن بندس ، فضل بن الحكم بن نصر بن عقيل العدل النيشابوري ابو العباس التاجر ،  
 فتح ابن الحجاج ابو نوح الفقيه النيشابوري فتح ابن محمد بن عبد الرزاق التميمي

النيشابوري ، فتح بن نوح بن سنان بن راشد بن عبدالله العامري ابو نصر الشاهنبري محله في  
اعلى البلد ، فتح بن محمد السمرقندي حدث بنشابور ، فضيل بن اسحق بن النصر بن  
اسحق النيشابوري ، فضالة بن ابي زيد التشيري عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك  
القرشي ، القسم بن حيوبه النيسابوري و هومن رستاق نيشابور باستوا ، القسم بن  
دهيم البهتي النيشابوري ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغاني ابو عبد الرحمن  
المذكور توفي في اسفر اين ، قرة بن حبيب العتوي اصله من نيشابور ، قتادة بن مطر  
النيشابوري ؛ قطن بن ابراهيم التشيري ابو سعيد النشابوري محمد بن الازهر بن حريث  
بن ماهان ابو جعفر السحري نزل بنشابور في عنقوان شبابه و بها ولد ابنه ابو العباس و  
بها توفي جميعاً ، محمد بن احمد حفص النيشابوري ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن  
زيد الكندي ابو الحسن الطوسي توفي بنشابور و دفن في جنب اسحق بن راهويه في  
مقبره شادياخ و هذا من انشاده :

ان الطيب لطبه و دوايه	لاستطيع دفاع مقدوراني
ما للطيب لموت بالداء الذي	قد كان سوى مثله فيما مضى
هلكك والمداوى والذي	حلب الدواء وباعه ومن اشترى

محمد بن ابان ابو بكر البلخي المستملي ، محمد بن اسمعيل بن ابراهيم بن  
المغيره البخاري ابو عبدالله الجعفي ورد بنشابور على كبر سنه و اقام به خمس سنين الا  
ان وقعت الفترة بينه وبين شيخ عصره محمد بن يحيى الذهلي رضي الله عنه  
ولو لا ذلك لما خرج من نيشابور فقد كان سكنها قال ابو حسان مولى بن سليم  
الكرميني مات محمد بن اسمعيل رحمه الله عندنا ليلة الفطر اول ليلة من شوال سنه ست  
وخمسين ومائتين وكان بلغ عمره اثنين وستين الا عشر ليله و كان مولده في شهر شوال من  
سنه اربع وتسعين ومائة وكان في بيت وحده فوجدنا لما اصبحنا هوميت و هذا كان في

فترة اخرجوه فيها من بخارا و سببه جريب ابن ابي الورقا و تمسك محمد بن يحيى  
 الذهلي النشابوري و قال انه اخرج من نيشابور و هو امام عصره و قيل سبب اخراجه  
 خالد بن احمد الذهلي الامير خليفه الطاهر به ببخارا لان ابا عبدالله محمد بن اسمعيل  
 ابي تعليم اولاده رحمة الله عليه رحمة واسعة ؛ محمد بن اسد ابو عبدالله النشابوري الخوشي  
 والخوش قرية من قرى اسفراين ؛ محمد بن ابراهيم بن طهمن ، محمد بن احمد بن محمد  
 النشابوري ، محمد بن احمد بن غالب النشابوري الانصاري ، محمد بن اسكاف بن  
 خلد النشابوري ، ابو عبدالله الجوري ، محمد بن اشرس بن موسى السلمي ابو عبدالله  
 النشابوري ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن عبد الرحمن العبدى ابو عبدالله الفقيه اللاديب  
 نزل بنشابور و توفي بها ؛ محمد بن احمد بن انس القرشي النشابوري ؛ محمد بن اسحق  
 بن ابراهيم بن يونس النشابوري ابو عبدالله محمد بن احمد بن الجراح ابو عبد الرحيم  
 الجوزجاني حدث بنشابور و اقام بها ، محمد بن اسمعيل الرهاني النشابوري ؛ محمد بن  
 ايوب بن الحسن الزاهد النشابوري ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن ازهر ابو حفص النشابوري  
 محمد بن اسمعيل بن علي الهاشمي ابو عبدالله البغدادي حدث بنشابور ، محمد بن  
 احمد بن اسلمه السلمي ابو عبدالله النشابوري ، محمد بن احمد بن ابراهيم بن داود ؛  
 محمد بن ابراهيم الصابغ النشابور ، محمد بن اقلح بن عبدالله الملقب بالترك النشابوري  
 كنيته ابو عبد الرحمن ختن يحيى بن يحيى بن علي ابنته ، محمد بن احمد بن حفص ابو عون  
 النشابوري ، محمد بن احمد بن الحليل بن سواد بن عبدالله القرشي النشابوري ،  
 محمد بن بنداد ابو عبدالله النشابوري ؛ محمد بن بشر بن النجم الحارثي النشابوري ،  
 ابو عبدالله محمد بن بكر بن خالد ابو جعفر النشابوري ساكن بغداد ، محمد بن بحر  
 ابو عبدالله الاسفرايني ، محمد بن الحنيد الزاهد ابو عبدالله الاسفرايني ، محمد بن جعفر بن  
 محمد بن علي ابن حسين بن علي بن ابي طالب رضي عنهم ابو جعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل نیشابور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضی الله عنه ،  
محمد بن حجاج بن عیسی السلمی النیشابوری ابوجعفر الوراق محمد بن الحسن بن  
الحیری النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمد بن الحجاج  
النیشابوری ، اخو اسمعیل بن الحجاج ، محمد الحسن بن شهریار النیشابوری ابو عبدالله  
محمد بن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابو عبدالله السعرائی الصوافی و المنسوب  
الیهم سکة طرخان ، محمد بن حفص ابوثابت الجرشی النیشابوری ، محمد بن حماد  
ابو عبدالله الایوردی الزاهد ، محمد بن حمدویه بن عبده بن شبیه الانصاری ، محمد بن  
الحسین الکابلی النیشابوری ، محمد بن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه  
ورد نیشابور و بها ظهر حدیثه و بهامات ، محمد بن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری  
محمد بن الشامی حدث نیشابور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری  
ابو عبدالله القشیری و يعرف بحمدان بن خلف ، محمد بن خالد بن بشر النیشابوری ابوبکر  
المعروف بالفاق ، محمد بن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفر سنه  
خمس و ستین و مائتین و دفن فی مقبره خیره ، محمد بن رافع بن ابی زید القشیری  
النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابو عبدالله خطه السکه الادلی ، من باغ الزاراس ،  
محمد بن رحابن السندی ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن زیاد بن سنان القشیری  
النیشابوری ، محمد بن زید بن عبدالله الثعلبی الشامی ابو الحسن البزاز سکن نیشابور  
و بهامات ، محمد بن سعید الحلاف النیشابوری ابو عبدالله اخو خشنام ، محمد بن سعید  
القاضی نزیل نیشابور و بهامات ، محمد بن سعید بن هناد ابو عالم العوسخی نزیل  
نیشابور بهامات محمد بن سهل بن ابرهیم بن حماد ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن  
سعید ابولقاسم النیشابوری سکن مصر ، محمد بن سعید الهروی محمد بن سلیمان بن  
عبدربه المروزی ، محمد بن شعیب ابو عبدالله الاسدی النیشابوری ، محمد بن شعیب

ابوبكر النيشابورى الحيرى ، محمد بن سادان ابوسعيد النيشابورى المعروف بالصبرى  
 محمد بن طاهر ابوبكر النيشابورى من رستاق جوين ، محمد بن عبدالله بن حبيب  
 ابويحيى النيشابورى ، محمد بن عبدالله بن عمار العتكى النيشابورى ، محمد بن عبدالله  
 الخوى النيشابورى محمد بن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمد بن عبدالرحمن  
 ابو عبدالسعران النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن الانصارى النيشابورى المحتسب  
 محمد بن عبدالرحمن بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن ابوجعفر  
 النيشابورى من رستاق استوا ، محمد بن عبدالرحيم بن سعود بن عبدالله بن رزين  
 النيشابورى و يعرف بجمش ، محمد بن عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدى ابو-  
 احمد الاديب الفقيه الفراء كان اعقل مشايخنا و يلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و  
 الشرف فى بلادنا خصوصاً بنشابور يلقبون اولادهم لعزهم و شفقتهم عليهم فيقولون  
 لمحمد حمد او حمش او غير ذلك ، محمد بن عبدالجبار العبدى ابو مسافر النيشابور  
 و روى ان الاصمعى لما ورد بنشابور نزل بلاده فى القصر و يعرف اليوم بقصر جند  
 بسكه شكش وقال الاصمعى سمعت اعرابيا يقول اياك و الحسناء فانها تزهو عليك  
 بحسنها و اكثر عشاقهم انشأ

ولن تصادف مرعى مرعاً      الا وجدت به آثار ما كول

محمد بن عبدالعزيز ابو عمر المروزي ، محمد بن عبدالسلم المؤذن النيشابورى ،  
 محمد بن على بن الحسين بن شفيق المروزي ابو عبدالله المطوعى ، محمد بن على بن  
 حمزه ابو عبدالله الحافظ المروزي ، محمد بن عمر بن زياد بن مهاجر بن ابى السمح  
 النيشابورى ، محمد بن عثمان القيسى النيشابورى ، محمد بن عيسى يزيد الطرطوسى  
 ابوبكر التميمى و توفى ببلخ و من تال بنشابور و هم محمد بن عميره ابو عبدالله الجرجانى  
 بهراة ، محمد بن عيسى بن عبدالرحمن ابو على النيشابورى ، الوزير بن الوزير ذو التميمى

محمد بن عمرو به الهروي ابو عبدالله ، محمد بن عمرو القرشي النيسابوري ، محمد بن  
 عمرو ابو عبدالله القهндزي ، محمد بن عمرو بن النصر النيشابوري ابو علي الجوشي ،  
 محمد بن عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد الخزاعي ، ابو عبدالله النيشابوري ، من اعيان  
 العلماء الصالحين المنسوب اليه المسجدو المنارة على رأس مكه حرب ، محمد بن عبدك  
 ابو عمرو الزوزني النيشابوري ، محمد بن عنبر بن عثمان الحرشي النيشابوري ،  
 محمد بن كاشه بن محسن ابو عبدالله الكرمانى ، محمد بن عنبر الاطروش ابو الحسن  
 الخزار الكوفي نزيل بنيشابور و مات بها و دفن فى مقبرة باب معمر ؛ محمد بن  
 الفضل المعبرى ابو عبدالله الورى الزاهد ؛ محمد بن فيض النيشابوري ؛ محمد بن  
 القسم بن مجمع الطالقاق النيشابوري ؛ محمد بن كيسان النيشابوري ، ابو  
 عبدالله التميمي و يعرف بابى عبدالله المحاملى ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن  
 ابو عبد الله النيشابوري ؛ محمد بن منحل مولى عبد الرحمن بن تمره القرشي  
 النيشابوري ؛ محمد بن معويه بن اعين النيشابوري ، ابو عبد الله الهلالى و يقال ابو  
 على نزيل مكه ، محمد بن موسى العال النيشابوري ، ابو عبدالله المطوعى الفقيه ؛  
 محمد بن مكى ابو عبدالله المروزي ، محمد بن موسى ابو عبدالله السلمى النيشابوري  
 محمد بن موسى البلخي ؛ محمد بن مسلم بن واره ابو عبد الله الرازي ؛ محمد بن  
 مسلم النيشابوري ؛ محمد بن مروان الاسدى النيشابوري ؛ محمد بن المهلب  
 السرخسى ، محمد بن النعمان بن بشير النيشابوري ، ابو عبد مكن بيت المقدس و  
 بهامات ؛ محمد بن نوح السعدى النيشابوري محمد بن نصر الله النيشابوري ؛ محمد  
 ابن الوجيه النيشابوري ، محمد بن هانى بن عبدالله السلمى ابو عبد الله النيشابوري  
 من ميدان زياد ، محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس النيشابوري ، ابو عبدالله  
 الذهلى امام اهل الحديث فى عصره بلا مدافعه ، محمد بن يوسف بن عبدالله ابو

سعيد النيشابورى و يعرف بالجوسقى ؛ محمد بن يحيى بن عمار ابو مسلم القهستانى  
 رضى الله عنهما محدث كبير المحل و قيل توفى بنشاپور ، محمد بن يونس ابو عبد الرحمن  
 السرخسى ، محمد بن يحيى بن موسى النيشابورى ، ابو عبد الله الاسفراينى و يحيى  
 ملقب يحيوية ، محمد بن يزيد بن عبد الله النيشابورى ، ابو عبد الله السلمى شيخ  
 اهل الراى ، محمد بن يحيى ، محمد بن يوسف ابوبكر المقرئ النيشابورى ، محمد بن  
 يحيى ابو ابراهيم الصفار النيشابورى ، محمد بن يحيى بن سعيد ابوبكر النيشابورى  
 و هو ولد ابراهيم بن محمد الصيدلانى ، محمد بن يحيى بن بلال البزاز النيشابورى  
 والد ابى حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسين القشيري النيشابورى المقدم و الحجة  
 فى التمييز بين الصحيح و السقيم و كان مسكنه اعلى الزمجار و منجزه  
 خان محمش و معاشه من ضياعه باستوا و توفى رحمة الله عليه يوم الاحد و دفن  
 يوم الاثنين لخمس سبعين من رجب سنة احدى وستين و مائتين و مقبرته فى راس ميدان زياد  
 قال الحاكم رضى الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابى جعفر يقول سمعت  
 ابا العباس بن سعيد بن عتده و سأله عن محمد بن اسمعيل البخارى و مسلم بن  
 الحجاج النيشابورى ايهما اعلم فقال كان محمد عالماً و مسلم عالماً فكررت عليه  
 مراراً و هو يجيبني بمثل هذا الجواب ثم قال لى يا عمرو قد يقع لمحمد بن اسمعيل  
 الغلط فى اهل الشام و ذلك انه اخذ كقيمهم فنظر فيها مريماً ذكر الواحد منهم بكنيته  
 و يذكر و فى موضع آخر باسمه و يتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما يقع له  
 الغلط فى العلل لانه كتب المسانيد ولم يكتب المقاطيع والمراسيل

ذكر مصنفاته كتاب المسند الكبير على الرجال ، كتاب الجامع الكبير على الابواب  
 كتاب الاسامى و الكنى كتاب المسند الصحيح ، كتاب التمييز ،



کتاب العلل، کتاب الواحدان، کتاب الافراد، کتاب الاقران، کتاب سؤالات احمد ابن خلیل، کتاب الانتفاع باهب السباع، کتاب عمرو بن شعيب مذكر من لم تحيج بحديثه و ما اخطأ فيه، کتاب مشايخ مالك بن انس، کتاب مشايخ الثوري، کتاب مشايخ سعبه، کتاب ذکر من ليس له الاراء واحد من رواة الحديث، کتاب المخفرین کتاب اولاد الصحابه فمن بعد هم من المحدثين، کتاب ذکر اوهام المحدثين، کتاب تفصيل السنين، کتاب طبقات التابعين، کتاب افراد الشاملين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه و سلم، کتاب المعمر فيه ذکر ما اخطأ معمر

مسلم بن الحسين الذهلي النيشابوري و يقال انه ابو معاذ بن مسلم، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النيشابوري، مسلم بن الحسين بن معاذ بن مسلم النيشابوري راي سفيان بن سعيد الثوري، موسى بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجي النيشابوري واسفنج من رستاق ارغنان، موسى بن ابراهيم بن سعد ابو عمران الروزني النيشابوري، موسى بن يزيد العمي النيشابوري، موسى بن سليمان عبد الرحمن ابو عمران النيشابوري، مسعود بن عبد الله بن زرین بن محمد بن برد ابو عبد الله السلمي النيشابوري القهندزي اخو الجماعة و هو اولهم، مسعود بن قتيبة بن زياد ابو قتيبة النيشابوري، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبد الله طاهر و خليفة مرو و سرخس و مرو الرود و كان عالماً و هو مدفون بنیشابور بالشاد ياخ في محلة محمد آباد و من اشعاره في الحية الكثيفة الطويلة ليس للحية الطويلة معنى غير قبح اسمها و عم النوادان راها الحكيم اعرض عنها اوراها الشنعية قام ينادى و قال لمدح الخليفة الوائق بالله

ان الذي بعث النبي محمدا	و هب الخلافة للإمام المهدي
قمران اجدى و ناران سطا	لا يعدلان عن الطريق الاقص
اشرب على وجه السرور مدامة	خمرأ كالعيق او لفرقد
من لون اعيد قد تضرع كفه	من لونها اوخده المورود

قال ابو تمام في حق عبدالله طاهرو لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم ببلدة	لاتأمنن حوادث الازمان
صاح الزمان بآل يرمك صيحة	خروا لشدتها على الاذقان
وتنى باخرى مثلها فارادهم	واتى الزمان على بنى ماهان
وغدا يصيح بآل طاهر صيحة	غضب يحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زر بن السلمي النيشابوري أبو العباس ، منصور بن الحارث الزمجارى أبو عبد الرحمن النيشابوري مبشر بن عبدالله بن رزين بن محمد ابن سرو السلمي ابوبكر النيشابوري اكبر الاخوة القهند زى ، مبسر بن القاسم النيشابوري اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادي نزيل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابوري ، مسرور بن نوح بن خزيمه ابو بشر الذهلى النيسابوري ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامى النيسابوري ، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم ابادوار النيشابوري معاذ بن خلد النيشابوري مسكن عستان ، معاذ بن اسد المروزي حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامري البلخي القلاس ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمل الرازي سكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لييد ابو موسى البلخي حدث بنشابور فى ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التميمي النشابوري ابو عبدالله ، محمود بن خداس الطالقاني ، محمود بن غيلان ابو احمد المروزي ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابوري ، محمود بن هشام بن محمد بن ميمون بن ابراهيم ابو يحيى النيشابوري ، محمود بن احرب ابو حامد المقرئ النيشابوري ، محمود بن يزيد النيشابوري ، مهدي بن حرث النيشابوري من رستاق استوا من قرية يقال لها الفرعري ، محمش بن عصام النيشابوري ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النيشابوري ، محمش بن عبد الرحمن السامى ، مطرف بن عبدالله

النیشابوری نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النیشابوری، نصر بن خلف بن ابو محمد النیشابوری، نصر بن زیاد بن نهبك بن حسل القاضي النیشابوری ابو محمد وكان كوفي المذهب واعقبه عواخرهم كوفيون وولي قضا بنشاپور سنة ثلث عشر ومائتين وتوفي لسبع بقين من سفر سنة ست وثلثين ومائتين هو ابن سته وتسعين، نصر بن جناح ابو الليث القهستاني، نصر بن ابراهيم ابو احمد النیشابوری الحقاف، نصر بن خلف الفراء ابو محمد النیشابوری. نصر بن الحسين المعروف بفروية التاجر النیشابوری نصر بن جميل القشيري النیشابوری، نصر بن عبدالله بن مروان النیشابوری ابو القسم المؤدب نزيل بغداد، نصر بن مهران ابو سعيد الطوسي حدث بنشاپور، نوح بن صالح ابو القسم الفراء النیشابوری، نوح بن عبد الرحمن الصيرفي النیشابوری، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن يزيد ابو محمد النیشابوری الیشکي و هي قصبة الرخ و بقره الان یشکي مشيد يزار قال يحيى بن منصور القاضي ان سعيد بن عثمان ابن عفان لما توجه الى خراسان ورد على طريق اصبهان الى یشک و منها الى طريق الرخ فل نزل یشک مرض بها فتزوج و خرج و قد ولدت له بنتاً فسماهن نساء و كانت یشک الى ان تزوج بها محمد بن نصر الیشکي وكان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر وهو النصر بن محمد الیشکي جد والد ابي الحسن المحمدي النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعيد النیشابوری، النصر بن سامه المؤدب النیشابوری، النصر ابن منصور ابو غياث الحارثي النیشابوری، نعيم بن زياد بن ابا زياد النیشابوری، نعيم بن مرتع ابو الفضل النیشابوری نعيم بن زرین بهلول ابو منصور النیشابوری، وليد بن محمد بن النعمان ابو سعيد السلمی البصري وكان ملقب بالهجام حدث بنشاپور هرون بن المهدي بن المنصور ابو جعفر الرشيد امير المؤمنين و هو مات بسنا باد طوس و هي قرية وهو ابن ستة و اربعين سنة وكانت خلافته ثلث وعشرين

سنة و شهرين و ثلثة عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نيشابور ،  
هرون بن يزيد بن اخت ابى جعفر مجلد بن مالك النيشابورى ، هاشم بن الوليد ابوطالب  
الهروى سكن بغداد ، هيثم ابن سعيد النيسابورى ؛ هشام بن الزبير الشيبانى النيسابورى  
همام بن على النيسابورى ، ابو الحسين البشكرى و يعرف بالسورسى ، همام بن زكريا  
ابو محمد النيسابورى ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلى  
حيكان امام نيشابور فى الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صار  
شهيدا ، يحيى بن معاذ الرازى ابو زكريا الواعظ سكن به نيشابور و توفى بها و  
قبره فى مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر  
بن عبد الله السلمى ، يحيى بن ابراهيم الضرير النيسابورى الزاهد ، يحيى بن المسى  
ابو زكريا النيسابورى يحيى بن اسحق بن حكيم بن ابى خديجه النيسابورى يحيى  
بن صالح النيسابورى ، يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى يحيى بن بكر بن مسلم  
النيسابورى يحيى بن الياس النيشابورى يحيى بن الحسن بن غافم النيسابورى ، يحيى  
ابن اكرم بن محمد التميمى ، ابو محمد القاضى المروزى ، يحيى بن عاصم البخارى  
حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زكريا الاسفراينى النيسابورى و  
يقال انه من قرية خوريد من اسفر اين رستاق نيشابور ، يحيى بن عامر بن خدش  
النيسابورى يحيى بن الجنيد ابو زكريا النيسابورى ، يحيى بن حماد كاتب عبدالله  
طاهر و هو نيشابورى ، يحيى بن منصور الزوزنى من رستاق نيشابور ، يزيد بن صالح  
ابو خالد الفراء النيسابورى ، يزيد بن مخلد ابو خالد الهروى حدث بنشابور يعقوب  
ابن سفيان ابو يوسف القسوى امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النيسابورى  
يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النيسابورى ، يعقوب بن اشرش ابو يوسف ، يوسف بن  
عيسى البخارى ابو يعقوب ساكن نيشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يحيى

ابن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلي اخو الامام محمد بن يحيى ، ياسين بن النصر بن  
يونس بن سليمان بن سلمن الباهلي ابو سعيد القاضي النيسابوري و خطة سليمان  
بنشابور مشهوره ؛ يعمر بن بسر المروزي من كبار اصحاب عبدالله مبارك بن  
آدم ابو محمد النيسابوري ، يونس بن افلح ابو محمد الملقب بأكثر النيسابوري  
ابو الاسود المنسوب اليه المحلة و هي محله في اعلى البلد بنشابور على طريق الجبل  
تدعى باب ابى الاسود ؛ ابو نصر الدهان النيشابوري ؛ ابوبكر بن ابى طالب اخو  
ابراهيم بن ابى طالب

#### ذكر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور و من دخلها و نشر علمه

ابراهيم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفي النيسابوري سكن بغداد الى ان توفي  
بها و كان احمد بن حنبل يحضره و يبسط في مجلسه و يفطر عنده و هو اكبر الاخوة ،  
ابراهيم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروي ، ابراهيم بن اسحق بن يوسف  
الانماطي ابو اسحق النيشابوري ابراهيم بن اسمعيل الغيري ابو اسحق الطوسي محدث  
عصره بها ، ابراهيم بن اسمعيل النيشابوري ، ابراهيم بن اسمعيل ابو اسحق المعلل  
النيسابوري القران ، ابراهيم بن بلال ابو اسحق الاسفرايني و هو نيسابوري ؛ ابراهيم  
ابن جعفر بن الوليد ابو اسحق المعدل النيسابوري من باغ الرازمين ، ابراهيم بن ابو  
اسحق الكراميني النيشابوري من محلة الجوري ، ابراهيم بن الحسن النيسابوري  
الميداني من ميدان زياد ، ابراهيم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النيشابوري  
ابراهيم بن الحصين بن بشر النيشابوري ، ابراهيم بن خلد الزوزني ابو اسحق ،  
ابراهيم بن زيادة العابد النيشابوري ، ابراهيم بن سعيد ابو اسحق النيشابوري المعروف  
ماكرمكي ، ابراهيم بن سلمة بن زياد النيشابوري ، ابراهيم بن علي بن محمد بن  
آدم الذهلي ابو اسحق النيشابوري ، ابراهيم بن علي المروزي حدث بنشابور ؛

ابرهيم بن على بن الحسين ابو اسحق الترمذى نزىل بنشابور ، ابرهيم بن عمر بن  
 عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابرهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق  
 النيشابورى ، ابرهيم بن عبد الرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ،  
 ابرهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى والفضل ملقب بفضلويه ؛ ابرهيم بن محمد بن  
 نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى  
 ابوطالب ، عبدالله بن سعيد يقول ما رأيت مثل ابرهيم بن ابى طالب ولا رأى مثل نفسه و  
 توفي يوم الاحد الثانى من رجب سنة خمس و تسعين و مائتين و دفن فى مقبرة الحسين  
 ابن معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن يعقوب الحافظ غير سره يقول انما اخرجت مدينتنا  
 هذه من رجال الحديث ثلثة محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابرهيم بن ابى  
 طالب رحمهم الله وله تصانيف فى علم الحديث ، ابرهيم بن محمود بن حمزة الفقيه  
 ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان دهيہ و لم  
 يكن بعده للمالكيه بنشابور مدرس ؛ ابرهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى  
 ابرهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابرهيم بن عبدالله بن  
 موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب رضى الله عنهم المعروف  
 بابى اسحق الاسيخ المدنى حدث بنشابور سنة خمس و ثمانين و مائتين ؛ ابرهيم بن  
 محمد بن عبدالله الايوردى نزىل بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق  
 النيشابورى المحدث على رأس ميدان زياد ، ابرهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى سكن  
 بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناخذى النيشابورى ، ابرهيم بن  
 محمد بن سفيان ابو اسحق النسابورى الفقيه ، ابرهيم بن محمد بن اسمعيل النيسابورى  
 ابرهيم بن الحسن المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبد الرحمن  
 السلمى ابو يعقوب الزاهد البتقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد و كان اكبر

من وجوه نيشابور توفي سنة خمس و ثلثمائة بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و  
قبورهم ، احمد بن ابراهيم بن ابي صالح المروزي ابو صالح نزيل نيشابور ، احمد  
ابن اسحق بن ابراهيم الطوسي نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو علي  
البهقي من رستاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو  
حامد الاعمش النيسابوري ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابوري ابو  
جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابو الفضل المستملي النيسابوري ، احمد بن  
حفص الزاهد النيشابوري ، احمد بن حديفه ابو الحسن النيسابوري البشتي ، احمد  
ابن خلد ابو الحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفي بها  
احمد بن خلد بن احمد الذهلي ابو محمد و لم يكن في اولاد خلد بن احمد الامير  
اقيقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلد الحيري ، احمد بن الخليل بن محمد البشتي  
احمد بن زرعة بن قيس الذهلي النيسابوري ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابوري  
ابو الفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابو العباس النيسابوري ، احمد بن سهل  
بن مالك ابو بكر الاسفرايني النيسابوري ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس  
المروزي قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس في الرأي والعقل  
والدها ، احمد بن سليمان العبدى النيسابوري ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد  
الرحمن الفقيه ، احمد بن صالح بن عبدالله ابو بكر الجوهري النيسابوري ، احمد  
ابن عماد بن كوكب ابو الحسن العامري ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهري  
المروزي والد عمر اقام بنشابور مفيدا و مستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو  
حامد النيسابوري ، احمد بن علي بن عبدالله المعروف بابي علي الانصاري ، احمد  
ابن علي بن عبدالله بن سنان النيسابوري ، احمد بن عبدالله ابو حامد المناشلي النيسابوري  
من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخي ، احمد بن عثمان بن عبد الرحمن

النسوی ابو عبد الرحمن ، احمد بن علی العدنان النیسابوری ، احمد بن عبدوس  
 بن حمدویه ابو العباس النیسابوری ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النیسابوری ،  
 احمد بن علی بن اسد البردعی ، احمد بن الفضل بن منصور ابو حامد السامانی ،  
 احمد بن محمد بن عمار النیسابوری ابو حامد المستملی ، احمد بن محمد بن سعید  
 الصيدلانی ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن  
 الازهر بن السحری ابو العباس الازهری ، احمد بن محمد بن یزید البراز ابو حامد  
 النیسابوری ، احمد بن عییده بن زیاد النیسابوری ابو بکر الوبری ، احمد بن محمد  
 ابن موسی الدهقان النیسابوری ، احمد بن محمد بن بکر النیسابوری ابو العباس  
 نزیل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بکر الذهبی من مامله بلخ و عداده فی  
 نیشابور بین و بها مسکنه و اعتقابه ، احمد بن محمد بن ابی خلد ابو جعفر الاصبهانی  
 نزیل نیشابور قدیما و توفي جمادی الاخر سنه ثلث و ثلثمائه و دفن فی مقبره باب معمر  
 احمد بن محمد بن عمر ابو بکر المکندری مولده المدينه و منشأه الحرین و ورد  
 نیشابور و اقام بها و ولد له بها ابو عمر المکندری ، احمد بن محمد بن نصر ابو  
 جعفر الترمذی ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابو بکر المروزی و المروزه بها یسمونه  
 البسطامی ، احمد بن محمد بن آدم الشاشی ابو بکر احمد بن محمد بن عمر ابو  
 الحسن النیسابوری ؛ احمد بن محمد بن حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرسی  
 ابو عمرو الحیری شیخ نیشابور فی عصره فی الریاسه و العداله و الثروة و التحديث و  
 وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه  
 رحمه الله و صلی علیه فی مصلى حیره ، احمد بن محمد بن هاشم المبدل ابو حامد  
 الطوسی سکن نیشابور الی ان مات بها ، احمد بن محمد بن جعفر ابو حامد  
 النیسابوری ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البلخی ، احمد بن عبد الکریم



الجرجاني وكنيته ابو زرعه ، احمد بن حبيب الدهان النيسابوري ، احمد بن محمد  
ابن عمار المستملي النيسابوري ، احمد بن المبارك الزاهد ابو عمرو المستملي و  
ملقب بحملويه العابد وكان مستجاب الدعوة وراهب اهل عصره دعا يوم الجمعة وقال  
اللهم اقبضني اليك فمات ليلة الخميس الحادي عشر من جماد الاخره من سنه اربع  
و ثمانين ومأتين و دفن عشية يوم الجمعة في مقبرة الحسين بن معاذ رحمه الله رحمة  
واسعه ، احمد بن محمد بن سعيد ابو حامد الصيدلاني النيسابوري ، احمد بن محمد  
ابن الحسين ابو العباس الماسرخس بن بنت الحسن بن عيسى النيسابوري ، احمد  
بن نصر بن ابراهيم ابو عمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات يوم الاحد بسبع خلون  
من شعبان سنه تسع وتسعين ومأتين و دفن يوم الاثنين تحب الحوض الذي لصدق به  
رحمه الله رحمة واسعه ، احمد بن نصر بن عبد الوهاب النيسابوري ، احمد بن نصر  
البوزجاني الشهيد و بوزجان من رساتيق نيشابور ، احمد بن هرون البودنجي  
ابوبكر البرزعي الحافظ ، احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب ابوبكر البسطامي  
المقيم بنشابور الياس بن رجا النيسابوري ابو اسحق الدهقان ، بدل بن محمد بن  
اسد الحوشي الاسفرائني ، بشار بن حمدان ابو عفان المعدل النيسابوري ، تميم  
ابن محمد بن طعناج ابو عبد الرحمن الطوسي ، جعفر بن محمد بن الحسن ابو الفضل  
النيسابوري شيخ عشيرته في عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن مئان ابو محمد  
النيسابوري من اكابر الشيوخ ، جعفر بن احمد بن ابي عبد الرحمن النيسابوري ،  
جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافظ المعروف بالحصيري ركن من اركان  
الحديث بنشابور في الحفظ والاتقان و توفي سنه ثلث و ثلثمائه و دفن بشاهنبر ،  
جعفر بن سهل ابو الفضل المذكر النيسابوري ، جعفر بن محمد بن موسى الحافظ  
ابو محمد النيشابوري ، جعفر بن المفيد بهذا يعرف في بغداد و بنشابور مسكنه و

عشیرته ، جعفر بن شعيب ابو محمد الشاشی ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمی  
 ابو محمد النيسابوری ، جعفر بن ولويه النيسابوری ابو محمد الدقایق ، جعفر بن  
 محمد بن الفضل بن زياد التميمي ابو الفضل النيسابوری السعدی الملقب بصعومه  
 جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابو محمد النيسابوری ، جعفر بن حمويه الفارسی  
 نزيل بنشاپور ، جعفر بن محمد بن الحرث النیشابوری ، جعفر بن یعقوب بن سلیمان  
 المقرئ النيسابوری المطوعی ، جبریل بن فخاع بن الفضل السمرقندی ، الحسن  
 بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيباني ابو العباس النسوی من  
 قرية بالوز وهي على ثلث فراسخ من بلد النشابور و محدث خراسان في عصره و  
 توفي رضي الله عنه سنة ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابوری ابو  
 محمد المطوعی ، الحسن بن علی بن نصر ابو علی الطوسی الملقب بكروش توفي  
 بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبدالقيس ابو علی  
 النيسابوری وكان يسكن بباب عروة ، الحسين بن علی ابی عيسى الهلالی ابو علی  
 النيسابوری الدرا بجردي المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابی جعفر واسمه محمد  
 بن يحيى الجوزجاني ابو علی الحاجی ، الحسن بن عبدالله ابو علی النيسابوری ،  
 الحسن بن علی بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو علی الشاديخی ، الحسن بن  
 الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابوری ابو علی السكسكى ، الحسن بن عبدالرحيم  
 بن سهل بن نوفل النیشابوری ابو علی : الحسن بن صاحب بن حميد ابو علی  
 الشاشی ، الحسن بن عبدالله بن مخلد النیشابوری ، الحسن بن جعفر بن محمد  
 الهمدانی نزيل بنسابور ، الحسن بن بالربه بن زيد بن سيار النيسابوری ابو علی  
 الحيری ، الحسن بن اسمعيل بن سليمان ابو علی الفارسی نزيل بخارا ، الحسين  
 بن الحسن بن مهاجرين النيسابوری ابو محمد المهاجری من كبار المحدثين و كان

يحدث في سكه معقل في مسجد عبدالله عامر و توفي في سنه ثمان و سبعين و مائتين  
الحسن بن محمد زياد نيشابورى ابو على القيا في الحافظ اصدار كان الحديث واستاد  
محمد بن اسمعيل البخارى ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابورى ابو على ،  
الحسين بن معاذ بن محمد منصور النميرى ابو على النيسابورى مسكنه بباب  
عروة ، الحسين بن على بن مهران النيسابورى ابو على الدقاق ، الحسين بن احمد  
بن الفضل بن عبدالله بن عيسى ابو على البلخي ، الحسين بن اسمعيل بن على الارنياني  
ابو عبدالله النيسابورى وارنيان قرية من رستاق استوا الحسين بن معاذ بن ادريس  
النيسابورى ابو عبدالله المودب ، الحسين بن عبدالله بن محمد بن مخلد النيسابورى  
الحافظ ابو على الباعكى ، الحسين بن المسيب ابو على المروزي نزيل بنشابور ،  
حمدون بن احمد بن بكر النيسابورى ابو نصر الذهلي ، حمدون بن احمد بن عمار  
بن رستم النيسابورى الزاهد ابو صلح القصار وكان من الابدال من اصحاب ابي حفص  
وهو والد ابي حامد الاعمشى ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدي النيشابورى  
ابو رجا العمرى من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النيسابورى ابو سعيد  
الخفاف ، حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابورى ابو محمد الملقابادى ،  
حماد بن معاذ بن سعيد بن حماد الباهلى ساكن نيشابور ابو سليمان ، حاتم بن  
الحسين ابو سعيد الساسى نزيل نيسابور ، حاتم الخليل بن سنان بن عبد الرحمن  
ارداد القرشى السمرقندى الحراث بن زكريا المقرئ ابو سعيد النيسابورى ، حامد  
بن موسى الابرارى وهى قرية بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابو على البيهقي  
حماد بن الحكم ابوبكر النيسابورى ، حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخي ،  
حمويه بن عماد النيسابورى ابو عبد الرحمن السراج ، حيان بن محمد بن حيان  
الميراني النيسابورى ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملك

و هو الخمخام بن الحارث الذهلي الامير توفي ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو  
يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا وله بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل في حق  
امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخاري الجعفي فانها زلة و سبب لزوال  
ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابوري من المتقين الانبياء ،  
خشنام بن ابي معروف النيسابوري ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد  
النيسابوري ابوسليم الخسروجردي ، داود بن عبيدالله بن الفضل النيسابوري ابو الفضل  
الاستوايي ، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابوري ابو يحيى الفرهادچردى ،  
زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابوري ابو يحيى الخفاف المقدم  
فى عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابوري الزكى ابو يحيى اليزاز شيخ اهل  
الراى فى عصره وله مضافات كثيرة ، زكريا بن يحيى بن موسى بن ابراهيم النشابوري  
ابو يحيى الملابادى ، زكريا بن ولويه الزاهد النيشابوري ابو يحيى الواعظ ، زكريا  
بن يحيى حوثة البرنودى النيسابوري ابو يحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن  
الحسن بن عمر النيسابوري ابو محمد الزاهد المعروف باللباد و كان من العباد ،  
سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمان الزاهد الواعظ الحيرى و بها مسجده و  
و منزله وله بالرى و نشا بها ثم سكن بنشابور الى ان توفي بها و كان مجاب الدعوة  
و مجمع العباد والزهاد و كرماته كثيرة لا يحصى و توفي رحمة الله عليه ليلة الثلاثاء العشر  
يقين من ربيع الاخر سنة ثمان و تسعين و مائتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو  
عثمان النيسابوري وهو الذى يعرف سعيد بن ابي سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن  
زيد ابو عثمان النيسابوري و كان من فقها اهل الكوفة ، سعيد بن سعيد ابو عثمان  
النيسابوري ، سليمان بن سلام ابو داود النيسابوري ، سليمان بن منصور ابو داود

النيسابورى ، سهل بن عبد العزيز سورة الصنعانى ، سليمان بن اسرائيل ابو عبد الله  
 الخجندى ، شعيب بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى ، ابو صالح العجلي هو يقول  
 سمعت اعرابيا يقول ما اطيب الثلج بماء العذب يستخرج الحمد من اصل القلب ،  
 صالح بن خفضويه النيسابورى وكان من حفاظ الحديث ، صالح بن محمد الجوينى ابو  
 سعيد النيسابورى ، صالح بن محمد ربيع الترمذى طيب بن محمد بن طلحة بن  
 طاهر النيسابورى ابو اسحق الطاهرى ، عبد الله بن احمد بن شويه ابو عبد الرحمن  
 المروذى من ائمة اهل الحديث ، عبد الله بن احمد بن الهيثم بن مخلد ابو محمد  
 النيسابورى الخفاف ، عبد الله بن اسحق بن الياس بن ابي عصام النيسابورى ابو القاسم  
 من باب عروة ، عبد الله بن احمد بن جعفر السرخسى ابو محمد الفقيه ، عبد الله  
 بن بشر بن عميرة البكرى ابو محمد الطالقانى سكن بنشابور و بهامات ، عبد الله  
 بن نحر بن عبد الله بن طيفور ابو بكر الطيفورى ، عبد الله بن جعفر بن خاقان بن  
 غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمى ابو محمد المروذى محدث عصره ، عبد الله  
 بن الحسن بن ايوب السلمى من الزهاد رازى ، عبد الله بن زيد بن سيار ابو محمد  
 النيسابورى المودب ، عبد الله بن سلمه بن يزيد القاضى النيسابورى ابو محمد بن  
 سلمويه ، عبد الله بن سليمان بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدى  
 و قتل عمران يوم صفين بين يدى امير المؤمنين على عليه السلام ، عبد الله بن صالح  
 بن يونس ابو محمد الفرائضى النيسابورى ، عبد الله بن على بن الحرود ابو محمد  
 النيسابورى نزيل مكة ، عبد الله بن عمر بن سليمان ابو العباس الركنى النيسابورى  
 عبد الله بن قتيبة بن سعيد الثقفى ابو قتيبة بن ابي رجا البغلانى ، عبد الله بن محمد  
 بن محمد بن عبد الرحمن الفقيه النيسابورى ابو محمد بشرويه و محمد ملقب بحمويه

القرشي ، عبدالله بن محمد داور النيسابوري الدهان ، عبدالله بن محمد بن علي الحافظ  
 البلخي ركن الحديث وله مصنفات في التواريخ والعلل وغيرها ، عبدالله بن محمد بن  
 العباس ابو محمد المروزي ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابوري  
 ابو محمد الحيري ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادي النيسابوري  
 من محلة نصر آباد في اعلى البلد وكان بذكر اصحاب الرأي . عبدالله بن عمرو القراطي  
 الواعظ النيشابوري ابوبكر ، عبدالله بن محمد بن سعيد ابو محمد المروزي ، عبدالله بن  
 محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمناني ابو الحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله  
 بن محمد بن الحسن بن شهر يار النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن مالك النيسابوري نزيل  
 سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابوري ابو محمد ، عبدالله بن محمد بن  
 ابي خلد النيسابوري ابو محمد الصيدلاني ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجاني  
 ابو الحصب العاصي ، عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابوري ابوبكر الحري ، عبدالله بن  
 يحيى بن موسى السرخسي ابو محمد العاصي ، عبدالله بن عبدالله النيسابوري  
 ابو عبد الرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبد الرحمن بن محمد بن عقيل بن خويلد بن اسد  
 الخزاعي صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم ، عبد الرحمن بن الحسن بن خلد القاضي  
 ابو سعيد النيسابوري امام اهل الرأي في عصره بلامدافعه وخطه وخطه اسلافه محله متاثر ،  
 عبد الرحمن بن جعفر ابو سعيد النيسابوري سكن مرو ، عبد الرحمن بن رجا ابو القسم  
 النيسابوري فقيه لاهل الرأي من قرية بزديغر ، عبد الرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ  
 البغدادى ، عبد الرحمن بن بحر بن معاذ النسوي ابو محمد البراز ، عبد الملك بن الحكيم  
 بن عبد الملك النيسابوري ابوبكر يهقي الملقب بعبدان الخسروجردي ، عبد الصمد بن  
 هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسي النيسابوري وهو يلقب بمقاتل قتيبه ، عبد الرحمن  
 بن عيسى الجرجاني ابو عبد الرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ ابو محمد

المروزي الزاهد علي بن ابراهيم بن احمد ابوالحسن النسوي اقام بنشابور ، علي بن  
 احمد بن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظي النيسابوري و سكه معقل خطههم ،  
 علي بن احمد الفقيه الشافعي الجرجاني ، علي بن الحسن بن شهر يار ابوالحسن الرازي  
 نزيل بنشابور وقبره بالحيره ، علي بن الحسين بن بشر بن القسم النيسابوري ابوالحسن  
 الفقيه ، علي بن الحسن بن سلم الاصبهاني ابوالحسن الحافظ ، علي بن مهران النيسابوري  
 ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علي بن الحسن بن هشام ابوالحسن النيسابوري ،  
 علي بن حمدون بن هشام ابوالحسن النيسابوري من اجله مشايختنا ، علي بن الحسين بن  
 بشار النيسابوري ابوالحسن الكرمانى كان ابوه من اهل كرمان نزيل بنشابور ،  
 علي بن خاتم البخاري ابوالحسن الحاجي ، علي بن الحسن بن معاذ النيسابوري ابوالحسن  
 السحيتاني ، علي بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزي ، علي بن سعيد بن عبدالله  
 ابوالحسن العسكري من اعيان المحدثين كثير التصنيف وقد حدث عنه حفاظ الدنيا في  
 عصره وتوفي بالري سنة ثلث عشره وثلثمائه ، علي بن عبدالرحيم بن سنان ابوالحسن  
 الصفار النيسابوري ، علي بن عمر بن علي بن عمر النيساري ابوالحسن الدنودي ، علي بن  
 عبدالله بن احمد الطبري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الفضل بن اسحق النيسابوري ابوالحسن  
 المناشك علي بن يحيى بن خلد المروزي ابوالحسن الخالدي ، علي بن محمد بن حمدويه  
 الطوسي ابوالحسن نزيل بنشابور ، علي بن محمد بن العلا النيسابوري ابوالحسن  
 القبايى و قباى اقصى محلة من البلد على طريق العراق ، علي بن محمد بن حمدان  
 البغدادى نزيل بنشابور ، علي بن موسى بن يزيد ، الفقيه ابوالحسن القمي امام اهل  
 الراى في عصره ، علي بن محمد بن يزيد الحداد ابوالحسن الطبسى نزيل بنشابور ،  
 عيسى بن محمد بن عيسى بن عبدالرحمن بن سليمان ابوالعباس اظهمانى ويعرف بالكتاب  
 المروزي هو امام في اللغة واحد الاشراف في نفسه وابائه واسلافه توفي رضي الله عنه في سنة

ثلاث وتسعين ومائتين ، عيسى بن القاسم بن موسى النيسابوري ، عيسى بن اسحق بن موسى الحطمي ابو العباس الانصاري القاضي بن القاضي بنشابور ، عمرو بن بشر ابو حفص النيسابوري سكن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النيسابوري ، عباس بن حمزه بن عبدالله بن اشرس ابو الفضل الواعظ النيسابوري صاحب احمد بن حرب والسكة منسوبة الى العباس وهو من اكابر العظام وله مع ذي النون بصر مباحثات وحالات وكان مجاب الدعوة توفي رضي الله عنه في شهر ربيع الاول سنة ثمان وثمانين ومائتين ، عمران بن موسى بن بهامع ابو اسحق السجستاني وهو محدث ثبت مقبول كثير الرحلة والتصنيف وتوفي بجرجان سنة ثلثمائة ، عمران بن موسى ابو موسى الاعياني النيسابوري ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السجوري النيسابوري ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابراهيم النيسابوري ابو سعيد القطان عسان بن محمد النيسابوري العابد ابو جعفر القاروني ، القسم بن خلد بن قطي ابو سهل المروزي محدث عصره بمرور ، امام الحديث في عصره محمد بن اسحق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمي مولى محشر بن مراحم ابو بكر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه رضي الله عنه وكان يسكن بجنجروود وكان شيخ محمد بن اسمعيل البخاري ومسلم بن الحجاج النيسابوري ومحدثي عصره . قال الحاكم سمعت ابا بكر محمد بن علي الفقيه الشاشي يقول حضرت ابا بكر محمد بن اسحق بن خزيمة فقال له ابو بكر النقاش المقرئ البغدادي بلغني لما وقع بين المزني وبين عبد الحكم ما وقع قيل للمزني انه يرد على الشافعي قال لا يمكنه الا بمعونة محمد بن اسحق النيسابوري اياه قال ابو بكر كذا كان و ايضا سمعت عن محمد بن يحيى اذ تته امرأة فسألته عن مسئلة في الحيض فقال محمد بن يحيى اذهبى الى جنجروود ثم مات يعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمة مسئلته عن هذه المسئلة وكراماته مرويه رضي الله عنه وارضاه وتوفي من ذي القعدة سنة احدى عشرة وثلثمائة وصلى عليه ابنه ابو النصر



وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرو د فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمد بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى ابو عبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنة ثلاث عشرة وثلثمائه وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن مخلد الحنظلى ابو الحسن ولد بمر و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بها ، محمد بن اسحق بن عبدالله بن ابراهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابو عبدالله الملقب بالمتوفى ، محمد بن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها عقب محمد بن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمد بن اسحق بن عبدالرحمن ابو عبدالله المناشكى النيسابورى ، محمد بن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمد بن اسحق بن النعمان النيسابورى ابو عبدالله الصفار ، محمد بن اسحق بن نصر اللباد النيشابورى ، محمد بن اسحق بن الصباح ابو عبدالله التاجر النيسابورى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو العباس السيقى الزاهد ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو عبدالله الصيدلانى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالرحمن المدينى ، محمد بن ابراهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ، محمد بن ابراهيم بن مقاتل بن صالح المبكى النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم الاصهبانى نزىل بنشابور ابوبكر محمد بن ابراهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالله الحشاب ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن قطبة القيسى ابو عبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهو من بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة



محمد بن جعفر بن ابرهیم بن مسلم النیسابوری ابو جعفر ، محمد بن حمید ابو عبدالله  
القہستانی نزیل نیشابور ، محمد بن جعفر بن محمد بن یزید الشعرانی ابو عبد النیشابوری  
الازارواری قرية من جوبین هویری هذا الشعر عن اعرابی :

یا فالق الاصباح انت ربی      وانت مولایی وانت حسبی  
فاصلحن بالیقین قلبی      ونجنی من کرب یوم الکرب

محمد بن حمدان بن مهران المهرانی ابوبکر النیسابوری سماعه  
کله بنیسا بور ، محمد بن حبیب بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النیسابوری ، محمد بن  
الحسن بن عیداله بن محمد بن طغان الترك النیسابوری ، محمد بن الحسن ابوعلی  
الحیری ، محمد بن الحسین بن عمارة ابو عبد النیسابوری المقری من المدينه الداخله ،  
محمد بن الحسن بن هشام الحیری ابوبکر النیسابوری ، محمد بن محمد بن الحسین بن  
معاذ النیسابوری یلقب بجمویة الطویل محمد بن حامد بن محمد بن ابرهیم النیسابوری  
ابوبکر الحیری ، محمد بن الحمید البزاز النیسابوری ، محمد بن الحسن بن الحسن ابوبکر  
النیسا بوری و يعرف بابی بکر بن ابی علی البرزعی ، محمد بن الحسن ابو عبدالله الزمجاری ،  
محمد بن حمزة بن عبدالله السمرقندی ، محمد بن خالد ابوبکر القاضی الرازی نزیل  
بنشاپور ، محمد بن خُشنام بن سعد ابو عبد الرحمن النیشابوری ، محمد بن داود بن  
یزید بن حازم ابوبکر الرازی ، محمد بن دلویه ابوبکر النیشابوری ، محمد بن ابی ذرة  
القاری النیسابوری ، محمد بن دلویه بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخراز ، محمد  
بن درست الزاهد ابو عبدالله النیشابوری شیخ قدیم ، محمد بن رومی النیسابوری ،  
ابو عبدالله شیخ صاحب اخبار وحکایات ، محمد بن مسیح بن سریع ابو مسیح العامری  
الترمذی ، محمد بن روح النیسابوری ابو احمد الاستوایی شیخ قدیم ، محمد بن رزام  
ابو احمد الهروری الفقیه الادیب من اجله اهل البلد ، محمد بن زیاد النیسابوری ابو  
عبدالله الفقیه البردیعی و کان من الزهاد والفقها ، محمد بن زکریه بن قمیم

علی النیسابوری ابوالعباس الضریر کف بصره بعد الثمانین ، محمد بن شعیب بن محمد  
 بن المغیره بن بکر السلمی النیسابوری ابوبکر الجنجرودی ، محمد بن شعیب بن علی  
 ابوبکر النیسابوری ویلقب بالصر ، محمد بن شادان بن اسمعیل النیسابوری ابوالعباس ،  
 محمد بن شاد بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن شهریار النیسابوری ، محمد  
 بن شعیب بن صالح النیسابوری ابو عبدالله القصری و یقال انه من قصر عبدالجبار ،  
 محمد بن الصباح النیسابوری ابوعبدالله الخیاط ، محمد بن صالح بن جمیل ابوالحسن  
 الطوسی محدث کثیر ، محمد بن صالح بن یونس النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن  
 صالح بن الهیثم القشیری ابوبکر النیسابوری من محله ملقباد ، محمد بن طیفور  
 الزاهد ابوعبدالله النیسابوری ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامیر ابوعبدالله  
 النیسابوری وتوفی ببغداد ، محمد بن عبدالسلم بن بشار ابوعبدالله النیسابوری المعروف  
 بالوراق کان موزق علی اسحق بن راهویه و کان من العباد ، محمد بن عبدالله بن  
 یوسف بن خرشید النیسابوری ابو عبدالله الدیری و دیر قرية علی فرسخ من البلد ،  
 محمد بن عبدالله بن المبارك الخیاط النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن اسحق الحوار  
 ابوعبدالله الطوسی ، محمد بن عبدالملک بن سلمه النیسابوری ابوعبدالله القشیری ،  
 محمد بن عبدالله بن حامد النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن الجنید النیسابوری ابو  
 عبدالله ، محمد بن عبدالله بن القسم ابوعبدالله العمری ، محمد بن عبدالله العاملی ابو  
 عبدالله النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن یزید الرازی ابوبکر مسکن بنشابور ، محمد  
 بن عبدالله بن عمرو المروزی ، محمد بن عبدالصمد النیسابوری ابوبکر الاسفرائینی  
 محمد بن عبدالله بن محمد بن مخلد الهروی ابوالحسن المخلدی ، محمد بن عبدالملک  
 بن سلمه النیسابوری ، محمد بن ابی عیاض النیسابوری ، ابوعبدالله الواعظ الزاهد ،  
 محمد بن عیسی النیسابوری نزیل مکه ، محمد بن علی بن ابرهیم ابوعبدالله الحافظ

المروزي ، محمد بن عمر بن هشام الحافظ ابوبكر الرازي وتوفي بمرو ، محمد بن  
 علي بن علوية الفقيه ابو عبدالله الجرجاني الرازي من ائمة عصره للشافعيين ، محمد بن  
 عمرو بن سليمان بن عبد الرحمن بن عبدالله النيسابوري وهو ابوبكر بن عمرو الملقب بادي ،  
 محمد بن عمر بن العلا العامري ابو عبدالله الجرجاني الصيرفي ، محمد بن علي بن الحسن  
 النيسابوري ابو عبدالله ، محمد بن عبد بن عامر بن مرداس بن هرون السعدي توفي في -  
 البادية ، محمد بن عمرو بن جبريل النيسابوري من رستاق ييهق ، محمد بن عمرو بن  
 خالد ابوبكر البلخي ، محمد بن علي بن الحسن ابو عبدالله المرقدي ، محمد بن علي بن  
 رافع التميمي الحافظ ابوبكر البلخي ، محمد بن العباس بن الحكم المروزي ، محمد بن  
 عبدربه النيسابوري ، محمد بن علي بن سعيد بن جرير النسوي ابو عبدالله ، محمد بن  
 علي بن عثمان بن حمزة الانصاري ابو عبدالله المدني ، محمد بن علي بن الحسن بن خليل  
 النيسابوري ابو عمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمد بن عبدالله النيسابوري  
 محمد بن عبدالله بن مهدي بن ابي المهدي النيسابوري ابوبكر الشعرائي من قصبه المهرجان  
 كثير الرحلة والحديث ، محمد بن ابو عبيد الله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادي ،  
 محمد بن عمرو بن الربيع بن سليمان الطافي ابو عبدالله الطوسي ، محمد بن علي القاضي  
 ابو عبدالله المروزي الملقب بالخياط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نيشابور ، محمد  
 بن علي بن ابراهيم المروزي ابوتراب ، محمد بن العباس بن يوسف بن القسم بن سليمان  
 بن سليط النيسابوري من المدينة الداخله ، محمد بن علي العمري ابو جعفر الشافعي  
 سكن بنشابور ، محمد بن فراس ابو عبدالله الاسفرايني النيسابوري ، محمد بن الفضل  
 محمد بن الطيب ابو الحسن النيسابوري و ملقب بفوز البشتي ، محمد بن فوز بن عبدالله  
 بن مهدي النيسابوري ابوبكر العامري ، محمد بن الفضل بن عصمة النيسابوري ، محمد  
 بن قتيبة بن عبدالله بن موسى النيسابوري ابوبكر الاسفرايني ، محمد بن القاسم ابو نعيم

صاحب الرباط هراوه ، محمد بن قبيصته اللقبادي ابوبكر النيسابوري ، محمد بن كرام العابد ابو عبدالله السحري وقيل انه من بني قرامولده بقرية من قري زرنج و نشأ بسجستان وحصل عند احمد بن حرب في خراسان ، محمد بن الليث ابو عبدالله النيسابوري محمد بن محمد بن رجاء بن السدي ابوبكر النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن المسيب بن اسحق بن ادريس النيسابوري ابو عبدالله الارغثاني وكان من العباد المحدثين ، محمد بن المنذر بن سعيد بن عثمان الهروي ابو عبد الرحمن شكر ، محمد بن ماهان الجويني ، محمد بن منصور النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن محمد بن شاد النيسابوري ابو عبدالله الرادساني ، محمد بن محمد بن سعيد بن عبد الحميد الانصاري ابونصر المقيم بنشابور ، محمد بن موسى الواسطي ابوبكر الصوفي صاحب الاحوال قد سكن بنيسابور مدة ثم سكن بمرو و صار له بها اصحاب من افضل المسلمين وتوفي بها ، محمد بن مهران النيسابوري ، محمد بن مصر بن معن المروزي ابومضر الرباطي صاحب الاخبار والحكايات ، محمد بن نصر الامام ابو عبدالله المروزي الفقيه العابد العامل امام اهل الحديث في عصره بلا مدافعه وتوفي بسمرقند في المحرم سنة اربع و تسعين ومائتين وقيل رجال خراسان اربعة ، عبدالله بن المبارك ويحيى بن يحيى واسحق بن ابراهيم الحنظلي و ابو عبدالله محمد بن مضر المروزي ، محمد بن نعيم بن عبدالله النيسابوري ابوبكر المدني وذلك ان منزله ومسجده في المدينة الداخلة فنسب اليها من اعيان المحدثين الثقات الانبات ، محمد بن النصر بن سلامة الحرودي بن يزيد ابوبكر الجارودي شيخ وفيه وعين علماء عصره خطأ وكمالاً وثروة وخططة المشهورة ومسجده في المربعة الصغيرة والجارود جد ابيه صاحب ابي حنيفة ، محمد بن نصر الفراء النيسابوري محمد بن هاشم بن زياد الترمذي ، محمد بن هارون بن سعيد بن عبد الحكيم السمرقندي

الكاغذى ابونصر ، محمد بن يحيى بن سهل النيسابورى ابوبكر المطرز والمسجد فى  
 المربعة منسوب اليه وهى خطه كثيره لاهل الحديث ، محمد بن يحيى بن خالد بن مهران  
 النيسابورى ابوبكر الاعوج ، محمد بن ابي يزيد بن صالح الفراء النيسابورى ابواحمد بن  
 ابي خالد ، محمد بن ياسين بن النصر بن سليم بن ربيعة الباهلى ابوبكر الفقيه النيسابورى  
 محمد بن ياسين بن النصر ابواحمد النيسابورى الفقيه اخو ابوبكر ، محمد بن يحيى بن  
 خالد ابويحيى المروزى ، محمد بن يحيى بن عبدالرزاق البخارى ، محمد بن يحيى بن  
 مهران ابوبكر المستملى النيسابورى ، محمد بن يوسف بن مغلل ابو عبدالله النيسابورى  
 الاموى ، محمد بن يوسف بن سعيد ابو حمزه النسوى ، موسى بن اسحق بن موسى الحطمي  
 ابوبكر الانصارى القاضى ، موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ ابو عمران البزاز ،  
 موسى بن محمد بن موسى النيسابورى الذهلى ابو عمرو والاعين ، موسى بن عبدالمؤمن  
 النيسابورى ابو العباس البشتى محدث مفيد واسع الرحله ، موسى بن الحسين بن  
 عبدالرحمن النيسابورى ابو عمران السيهقى مضارب بن ابراهيم النيسابورى ، ابو الفضل  
 الاديب وكان اوجد عصره بنيسابور فى الادب والخو ، المذكورين الحارث النيسابورى  
 ابو الليث البوزجاني ، مطهر بن محمد بن يحيى النيسابورى ، ابو على منصور بن على  
 بن عبدالله النيسابورى ابونصر السخيتاني ، منصور بن اسد النيسابورى ، مكى بن  
 محمد بن احمد بن ماهان ابو العباس البلخي ، مكى بن عبدالغفار النيسابورى مسدد بن  
 قطن بن ابراهيم النيسابورى ابو الحسن القشيري وكان مزكى عصره والمقدم فى الزهد  
 والورع واكبريت فى العلم بنشابور بيته من الطرفين جميعاً ، موقل بن الحسن عيسى بن  
 ماسر خسى النيسابورى ابو الوفا الماسر خسى شيخ بنشابور فى عصره ابوة وثروة وكمال  
 عقل وكرماً حتى يضرب به المثل فى ذلك ، محمود بن هزيمة النيسابورى المقرئ ،  
 محمود بن عبدالرحمن البلخي مقبل بن رجا الطوسى ، محيب بن ابراهيم بن سليمان بن

ابراهيم بن يزيد النيسابوري ابو عوانة الاسفرايني من علماء الحديث ومن الرحالة في اقطار الارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبد الله بن خالد بن حموك ابو يعقوب المرورودي من اعيان محدثي خراسان المشهورين بالطلب والرحلة وتوفي بمرورود سنة ست وتسعين ومائتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابو عمر والنيسابوري نزيل بغداد يوسف بن الجوزجاني ابو يعقوب العابد النيسابوري ، يوسف بن ابراهيم النيسابوري ابو يعقوب الماكياني ، يونس بن ابراهيم بن النصر ابو محمد النيسابوري .

#### ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث

فيها من علماء السلميين رضي الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابوري ابو حامد الاسفرايني ، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن موسى الحيري ، احمد بن ابراهيم بن احمد بن حاجب النيسابوري ابو سعيد الحاجي وكان ملقب بحمدان ، احمد بن ابراهيم بن داود النيسابوري الميداني من ميدان زياد وتوفي سنة خمس عشر وثلث مائة احمد بن ابراهيم بن شادان بن عبد الله النيسابوري ابو حامد الحفاف ، احمد بن اسحق ابو حامد البزاز النيسابوري ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النيسابوري ابو حامد المقرئ الصرام وكان من كبار قراء المجتهدين ، احمد بن بشر بن محمود النيسابوري ابو يحيى الاسفرايني ، احمد بن جعفر بن مشكان النيسابوري ابو حامد الخفاف ، احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الوحامد الشيباني النيسابوري ، احمد بن حمدان بن علي بن سنان النيسابوري الزاهد العابد ابو جعفر بن حمدان الحيري وكان مجاب الدعوة وتوفي رضي الله عنه سنة احدى عشر وثلثمائة بنشابور قبل ابي بكر محمد بن اسحق بن خزيمة ، احمد بن حمدويه بن موسى النيسابوري ابو حامد المؤذن وكان من اعيان الصالحين جاور مكة خمس سنين احمد بن حامد بن ابي حامد ابو عمر



الشاشي ، احمد بن الحسين النيسابوري ابو حامد السراج ، احمد بن الحسين بن  
 محمد بن عبد الله بن بكر بن جعد المذكر ابو حامد النيسابوري المعروف بالدقاق ، احمد بن  
 جعفر بن عمير المروزي ، احمد بن السري بن سهل النيسابوري ابو حامد الجلاب و كان  
 مسكنه كالماباد ، احمد بن سعيد العابد النيسابوري ، احمد بن شادان بن محمد  
 النيسابوري ابو العباس الانفرايني ، احمد بن عبد الرحمن بن محمد بن نصر النيسابوري  
 احمد بن عبد الرحمن ابو حامد السرخسكي وهى قرية على باب البلد ، احمد بن  
 عبد الرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو بكر الجودي ، احمد بن عبد الرحمن بن  
 اسمعيل النيسابوري ابو حامد الجلودى ، احمد بن على بن الحسين بن شهر يار الحافظ  
 النيسابوري المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة و روى عنه حفاظ  
 الدنيا فى عصره و كان ابوه من الرى سكن نيشابور و بها نشأ و مات و قيل مات فى سنة  
 خمس عشرة و ثلثمائة بالطاير ان من طوس و هو اربع و خمسين سنة ، احمد بن  
 عبيد بن عبد العزيز ابو طاهر النسوى ، احمد بن عبد الله ابو حامد الذهلى النيسابوري  
 احمد بن محمد بن الحسين الحافظ ابو حامد بن الشرقى النيسابوري صاحب الصحيح  
 و تلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره فى المفرقة و مات فى رمضان سنة خمس و عشرين  
 و ثلثمائة و دفن فى مقبرة شاهنبر و الخطبة المشهورة بالشرقيين فى اعلى الزمجار ، احمد  
 بن محمد بن همام ابو الحسين النيسابوري ، احمد بن محمد بن سعيد النيسابوري ،  
 ابو بكر بن ابي الحجاز شيخ معروف و يسكن سكة الخندق ، احمد بن محمد بن  
 اسحق ابو حامد الوراق النيسابوري ، احمد ابو على النيسابوري احمد بن محمد بن  
 حامد بن منصور بن الفضل البزاز الطوشى ابو حامد سكن نيشابور  
 وقال الحاكم و اظنه نيسابورياولى قضا طوس و نسب اليها ، احمد بن محمد بن يحيى  
 النيسابوري ابو الحسن الرازى احمد بن محمد بن على الفقيه ابو خاتم النيسابوري و يعرف  
 بالسحرى ، احمد بن محمد بن ابو حامد الغازى ، احمد بن محمد بن رنحويه الموازىنى ، احمد بن

محمد بن ادم الساسی، احمد بن محمد بن عبد الرحمن بن سر الحکیم العبدی، احمد بن محمد بن  
 الحسین النیسابوری ابو الحسن الحداسی، احمد بن محمد بن عمر بن جعفر بن حفص  
 محمد النیسابوری ابو عمرو السمسار و كان من المتعصبين لاهل السنة الباذلين للمال و  
 الجاه و كان ابو مجاب الدعوة، احمد بن محمد بن موسى النیسابوری ابو حامد القلاسی،  
 احمد بن محمد بن یحیی بن بلال البزاز ابو حامد المعروف بالخشاب النیسابوری مدفون  
 فی باب معمر، احمد بن محمد بن اسحق بن ابرهیم بن عماد الخرجی ابو عمرو المزکی  
 احمد بن محمد بن الحسین بن قریش الماهیانی ابو نصر المروزی الغازی سکن نیشابور  
 حتی مات بها، احمد بن محمد بن حمدان المؤدب ابو حامد النیسابوری، احمد بن  
 محمد بن صالح النیسابوری، احمد بن محمد بن عبدالله النیسابوری ابو عبدالله العمری،  
 احمد بن منصور المروزی الاحول، احمد بن محمد بن معروف النیسابوری، احمد بن  
 نصر بن محمد بن اشکات التجاری ابو نصر الزعفرانی، احمد بن یونس بن ابرهیم بن  
 النصر النیسابوری ابو العباس، احمد بن یوسف الصابونی الفقیه ابو الحسن المناظر،  
 احمد بن یحیی بن سعید النیسابوری ابو حامد الکردی، ابرهیم بن محمد بن نصر النیسابوری  
 ابو اسحق الکرامیسی، ابرهیم بن الحسین بن محمد ابو اسحق المقری، ابرهیم بن  
 محمد بن ابرهیم ابو اسحق النیسابوری الفقیه و كان يعرف بالخدامی من باب عروده سکه  
 خدام و هو من اجلة الفقها لاهل الراى، ابرهیم بن احمد بن محمد النیسابوری ابو اسحق  
 السختیانی، ابرهیم بن اسحق بن ابرهیم الادیب النیسابوری ابو اسحق المروزی، ابرهیم  
 بن محمد بن مرشد النیسابوری ابو اسحق المعدل النیشابوری، ابرهیم بن ابی مطیع  
 ابو اسحق النیسابوری القطان، ابرهیم بن محمد بن قمیصه ابو اسحق النیسابوری،  
 ابرهیم بن محمد ابو اسحق النیسابوری المعروف بالایوردی، ابرهیم بن احمد بن  
 الحسن ابو اسحق النیسابوری المعروف بالبغدادی، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم بن شداد

النيسابوري ابواسحق الشدادى الحاكم ، ابراهيم بن على بالويه ابواسحق البلخى ،  
 ابراهيم بن محمد ابواسحق الرئيس البسطامى سكن بنسابور بباغ الدارس وبهامدرسته  
 وداره اللتى بناها لاهل الحديث ابراهيم بن سيمجور ابواسحق الامير بن الامير العادل بن  
 العادل ولى بنسابور سبع ستين فصارت ايامه تاريخا فى العدل و توفى ببخارا فى سنه  
 خمس وثلثين وثلاثمائة ابراهيم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر  
 الحرش ابواسحق العدل النيسابورى من محلة الحيره ، اسمعيل بن ابراهيم بن عمال  
 الخرزجى الانصارى ابو محمد النيسابورى ، اسمعيل بن ابراهيم بن عبد الرحمن النيسابورى  
 اسمعيل بن مطرب بن بحر بن سنان النيسابورى ابو عبدالله الزمجارى ، اسحق بن ابراهيم  
 بن عبد الملك النيسابورى ابو يعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره اسحق بن عيسى  
 بن يونس ابو يعقوب المرجانى ، اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابو يعقوب  
 الجنابدى ، اسمعيل بن محمد ابو يعقوب الوراق النيسابورى وكان من الصالحين ،  
 الياس بن محمد بن يوسف بن حفص ابو يحيى الطوسى ، احمد بن على بن الحين القاضى  
 الترمذى ، بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمة ابو نصر النيسابورى قال الطاهر محمد بن  
 الفضل بن اسحق توفى عمى ابو النصر سنه ثلاث وعشرين وثلاثمائة يروى عنه هذا البيت ،

لسان الفتى نصب و نصف فؤاده      فلم يبق الا صورة اللحم والدم

وكاين ترى من ساكت لك معجب      زيادته او نقصه فى التكلم

بكر بن عبدالله بن محمد القاضى ابو على بن ابو بكر الحنالى الرازى وقدروى وحدث  
 بالمناكير بكر بن محمد بن عبدالله النجارى ، بشر بن العباس بن الاشعث المروزى ، جعفر بن  
 محمد بن احمد بن بحر بن التميمى ابو محمد النيسابورى جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد  
 النيسابورى جعفر بن الغازى ، الحسين بن محمد بن الحسن بن ابراهيم القاضى ابو على الجنابدى  
 ولى قضا بنسابور ، الحسن بن محمد بن ابراهيم ابو طاهر الجنابدى النيسابورى ، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادى السمسار وكان من العباد الحسن بن محمد بن  
 بكر النيسابورى ابو على بن خان يحيى بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النيسابورى  
 ابو على الشعيرى المعروف بحسن الوكيل، الحسن بن على بن الحسين جعفر النيسابورى  
 ابو على من محله عمر آباد، الحسن بن محمد بن سنان النيسابورى ابو على السواق  
 القنطرى، الحسن بن محمد بن ياسين بن النصر الباهلى النيسابورى، الحسن بن محمد  
 بن قيس بن صالح النيسابورى ابو على البراز، الحسين بن محمد بن احمد بن يونس بن  
 جندل النيسابورى ابو على القهستانى نزل ابو بنسا بور، الحسين بن محمد بن هارون  
 ابو على النيسابورى، الحسين بن محمد بن موسى بن محمود النيسابورى ابو على -  
 السمسار وكان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحديث والرحلة، الحسين بن فوران  
 النيسابورى، الحسين بن محمد بن بشر النيسابورى ابو على الانماطى، الحسين بن نصر -  
 النيسابورى ابو على البارى وبارقرية من قرى بنسا بور، الحسين بن هارون ابو على -  
 المراغى من الرحاله فى طلب الحديث و توفى بنيسابور سنة خمس عشرة و ثلثمائة،  
 الحسين بن اسمعيل بن يحيى النيسابورى ابو على الصفار، الحسين بن بحر بن عبد الله -  
 المعلم النيسابورى ابو على المعروف بالصوفى، الحسين بن محمد بن محمد مام التميمى  
 ابو على الحاكم البلخى، حميد بن محمد بن على الشيبانى ابو عمر و النيسابورى يعرف  
 بحميد الصبى، حامد بن محمود بن معقل النيسابورى ابو محمد القطان حامد بن محمود  
 محمد النيسابورى ابو العباس المشهور بابى العباس بن كلثم الشاهد و مسكنه مكة  
 سكش، حامد بن احمد بن محمد بن حبيب ابو احمد المروزى، حامد بن ابي حامد  
 الاشروسنى حدث بنيسابور، حوتره بن محمد النيسابورى ابو محمد البرنودى خلف بن  
 حنظلة بن خاقان السرخسى ابو محمد، زكريا بن محمد بن اكار المعدل النيسابورى،  
 ابو يحيى الميدانى من ميدان زياد، زيد بن يحيى بن الحسين العامرى النيسابورى

ابوالحسين من محله دروان كوس ، سلمين بن داود بن عبدالله النيسابورى ابوايوب و  
 يعرف بابن داود النسوى و كان ابوه نزل بنسبور ، سهل بن عبدالله ابو حاتم السجستاني ،  
 سفيان بن محمد بن حاجب بن محمود النيسابورى ابوالفضل الجوهري و كان من  
 المشهور بطلب الحديث بخراسان والعراق ومن اهل الثروة والافضل على اهل العلم  
 رحمه الله ، سلمه بن النصر بن سواده بن عقيل القشيري ابوالنصر النيسابورى من باب -  
 الدير ، صالح بن نوح بن منصور النيسابورى ابوالفضل الفرهاد جردى ، صديق بن عبدالله  
 الرادساني النيسابورى ، طاهر بن يحيى بن قبيصة النيسابورى ابوالطيب البلخي ، عبدالله بن  
 محمد بن عمر النيسابورى ابو محمد العطري ، عبدالله بن محمد بن ابراهيم النيسابورى  
 ابو محمد الزوزني ، عبدالله بن محمد صبيح بن عبدالعزيز و هو ابوبكر بن سالم بن  
 عبدالله عمر بن الخطاب العدوي ابو محمد الجوهري و منزله في سكه حمدان  
 قال الحاكم رحمه الله و منزل ابي ايضا سكه حمدان و مسجده و مسجد ابي الذي كان  
 عليه الميذنة قديما و قال ابي توفي عبدالله اخي من الرضا ع سنة خمس عشر و ثلثمائة ، عبدالله  
 بن الفضل بن محمد بن عقيل بن خويلد الخزاعي ابوبكر النيسابورى عبدالله بن الحسين بن  
 محمد النيسابورى ابوبكر المؤدب ، عبدالله بن محمد بن داود القشيري النيسابورى ابو محمد  
 الدهان ، عبدالله بن محمد بن زياد بن فاضل الفقيه النيسابورى ابوبكر الشافعي سكن  
 بغداد و كان امام الشافعيين في عصره ، عبدالله بن محمد بن مسلم النيسابورى ابوبكر  
 عبدالله بن محمد بن هاشم بن طرمناخ الطوسي ابو محمد و كان من اعيان المحدثين في -  
 عصره ، محمد بن علي بن طرخان الباهلي ابوبكر البلخي محدث بلخ في عصره ، عبدالله بن  
 محمد بن منازل النيسابورى ابو محمد الصوفي المجرى على الصحة والحقيقة لاعلى  
 مجرى العادة و توفي رضي الله عنه ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنة احدى و  
 ثلاثين و ثلثمائة و دفن في مقبره شاهنبر و حالات عجيبة قال ابو عبدالله الملقب ادى

عالت عبدالله بن منازل في طريق الحج و معنا ابو علي الثقفي و كنا نجتمع و يذكر -  
 فضل الحنيد بن محمد فنزير ناشوقا الى لقائه و عبدالله بن منازل ساكت فلما دخلنا بغداد  
 فقامت انا و ابو علي الثقفي و قلنا لعبدالله قم بنا ترورا بالقاسم فقال اذهبنا الله ما قلنا لا نتجى  
 فقال لا فتعجبنا و ذهبنا اليه فزادت مشاهدته على ما كان عندنا من اخباره فقال لنا هل  
 صبحكما غير كما قلنا بلى هل من اصحابنا يعرف بعبدالله بن منازل قال كيف لم يحضرنا  
 قلنا لعله فقال اذا انصرفتما الى فاستلاه ان يصبحكما قلنا نعم انصرفنا اليه و قصصنا عليه  
 ما سمعنا و وصفنا فلم يتكلم بشئ الى ان اصبحتنا اليوم الثاني و عرضنا عليه زيارة ابي القاسم  
 فامتنع قلنا اذا امتنعت فاخبرنا الذي منعك عن زيارة هذا الشيخ فقال لا بد ان اخبركم  
 قلنا لا قال ان كان امر ابي القاسم على ما وصفتموه فما مثل ما سمعوه منه الا مثلا لطعام  
 الطيب تيناوله الرجل ثم يخرج فضله على ما ترون و كذلك علم المعرفة انما يلتقى الحق  
 الى من شاء من خلقه له طيبه ثم لا يخرج بلسانه و لا ينطقه الحق الا بارداء فلان اكون  
 منحوس الخطه بالكلية من ابي القاسم اخب الى من ان اكون مغبونا آخذ منه اردي  
 ما التقي و يبقى طيبه عنده فاعجبنا كلامه و قمنا من عنده حتى دخلنا ابي القاسم و رجب  
 بنا و سالنا عنه فقصصنا عليه القصة فبكى ابو القاسم حتى كاد ان يغشى عليه و سكوت ذلك  
 اليوم ولم ينطق الى ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النيسابوري ابو محمد الرلعي ،  
 عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النيسابوري ابو محمد العابد ، عبدالله بن محمد بن  
 ابراهيم البحاري ابو محمد الداعوني ، عبدالله بن حماد بن حنبل بن عمران بن حماد  
 ابو عبد الرحمن المطوعي من سكة نوند ، عبدالله بن حميد بن معقل القنطري ، عبدالله  
 بن سعيد النسوي ، عبدالله بن احمد النيسابوري ابو محمد الوبري ، عبدالله ابن  
 عبد الرحمن بن الحسين القاضي بن القاضي ابو القاسم الحاكم ، عبدالله بن سلمه المودب  
 ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن سعيد مغلطوسي نزيل نيسابور ، عبدالله بن محمد بن

سلمه النيسابوري ابو محمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن يعقوب البخاري ابو-  
محمد الفقيه الكلابادي المعروف بعبدالله الاستاذ، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين  
الماسرخسي ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن اسحق بن يعقوب الكرمانى وغيره ،  
عبدالله بن محمد بن الحسين بن الشرقي ابو محمد النيسابوري اخو ابى حامد وكان  
اسن منه واسند منه ، عبدالله ابن فارس بن محمد بن على الباهلي ابو ظهير العمري ، عبدالله بن  
ابى صالح المذكر ابو عبد الرحمن الزاهد المتكلم وكان من المجتهدين فى العباده  
ولكن انه راي ، راي القدر ، عبيد الله ابراهيم بن بابويه النيسابوري ابو القاسم مزكى  
عصره ومن اعيان المشايخ ومسجده المعروف فى سكه معقل ، عبيد الله بن محمد النيسابوري  
المعروف بعبد الوراق ، عبيد الله بن يعقوب بن يوسف الرازي ابو القاسم الواعظ وتوفى  
بنيسابور ودفن فى مقبره باب معمر ، عبد الرحمن بن محمد بن الحسين بن على بن احمد  
النيسابوري ابو القاسم المذكر الواعظ الاديب الاوحد فى عصره فى صنعته بسلامدافعه  
وله كرامات مشهوره رضى الله عنه ، عبد الرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السرخسي  
المذكر ابو بكر سكن بنسبور الى ان توفى بها ، عبد الرحمن بن محمد بن سليمان  
النيسابوري ابو محمد من قرية بغوحك ، عبد الرحمن بن محمد بن علويه الابهري  
ابو بكر القاضي ولى قضاء طوس وايه رد ، عبد الواحد بن سعيد النيسابوري ابو احمد-  
الارغمانى ، عبد العزيز بن الحسن ابو بكر البردعى العابد ، عبد العزيز بن محمد الخشاب  
ابو عمر النيسابوري وكان من الزهاد يسكن سكه تنكش ، عبد الملك بن محمد بن عدى  
الجرجاني ابو نعيم الفقيه الاسترآبادنى ، عبد الواحد بن محمد بن احمد بن بابويه النيسابوري  
ابو الحسن البالوى الحيرى ، عبد الواحد بن محمد النيسابوري ، عبد الواحد بن محمد  
النيسابوري ، عبد الواحد بن محمد بن هانى ابو حاتم شيخ ال هانى و اشتغل بالفتوة  
فصار اوحد اهل بلدنا فيها ، عمر بن على بن عبد الرحمن الجوهرى ابو حفص المروزي  
المعروف بابن على ، عقيل بن اسحق ابو حاتم النيسابوري المعروف بعقيل القنارزي

على الوراق وهو ابن محمد بن احمد بن علي بن عبدالله بن نور النيسابوري ابو محمد من سكه عاصم ، علي بن ابي علي النيسابوري ابو الحسن الزبقي ، علي بن نصر بن عماد الخزر جي ابو الحسن المعروف بابن الحسنك ، علي بن ابراهيم بن معاوية النيسابوري ابو الحسن المعدل وكان من الصالحين ، علي بن محمد بن محمود النيسابوري ابو الحسن الضريع ، علي بن محمد بن احمد النيسابوري ابو الحسن القاضي من راس جوض ابي الغنبر ، علي بن الفضل بن طاهر البجلي ابو الحسن الحافظ ، علي بن الحسين بن محمد بن حمدويه السنجا بي المروزي ، علي بن قاسم بن علي النيسابوري ابو الحسن الخوافي الاديب الشاعر . علي بن العباس بن سهل النيسابوري ابو الحسن المذكر ، علي بن الحسين الانماطي ابو الحسين النيسابوري ، علي بن محمد الطلحي الكوفي ابو الحسين نزيل بنسبور ، علي بن محمد بن اسحق المروزي ، علي بن سهل بن مصلح النيسابوري ابو الحسين ، عبدوس بن الحسين بن منصور ابو الفضل النصر آبادي ، عمرو بن عبدالله بن درهم النيسابوري المطوعي الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصري ، عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوي ابو القاسم نزيل بنسبور ، العباس بن الفضل بن الحسن النيسابوري ابو الفضل المحمد آبادي ، العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن داود النيسابوري ابو الفضل الفريد آبادي وهي قرية بباب البلد ، العباس بن محمد موهار النيسابوري ابو الفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابو الفضل الاصهباني نزيل بنسبور ، العباس بن ابراهيم بن العباس النيسابوري ابو الفضل هذا شيخ من اسفراين من قرية كوران ، عمران بن موسى بن حصين السنجري نزيل بنسبور ، عباس بن حمويه بن احمد بن نصر بن زياد القاضي ابو الفضل المستملي ، فضل بن محمد بن عقيل بن خويلد النيسابوري ابو العباس و يلقب بفضلان الخزاعي و خطتهم برأس سكته حرب مشهوره ، الفضل بن محمد بن احمد بن مطرف النيسابوري ابو العباس الكراميسي ،



الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النيسابوري أبو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمة  
أبو العباس السلمي وهي أكبر ولد الإمام أبي بكر ، القاسم بن عمر بن سلمين أبو محمد  
النيسابوري أخو أبي العباس الكوكبي ، القسم بن محمد بن الحسين بن زياد بن الحسين  
بن أسلم النيسابوري أبو محمد الأسلمي من باب معمر من سكة أبي ذر ، ليث بن محمد بن ليث  
بن عبد الرحمن المروزي أبو نصر الكاتب ، محمد بن علي بن أبي طالب بن زياد أبو جعفر  
القزويني ، أحمد بن الحسين النيسابوري أبو أحمد بن أبي العباس الماسرخسي ،  
محمد بن عبد الوهاب الثقفي أبو علي الإمام المتقدم به في الفقه والكلام والوعظ والورع  
والعقل والدين

قال الحاكم سألت أبا محمد عبد الله بن محمد الثقفي عن نسبة جده قال  
سمعت جدي أبا علي ينتسب أبا محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن  
عبد الوهاب بن عبد الواحد بن أبي بن كعب وهو محمد بن الحجاج بن يوسف  
بن الحكم و ينتسب إلى مصر وقال كان أبي عبد الوهاب أمير قهستان في عهد عبد الله  
طاهر فولدت بقهستان سنة أربع وأربعين ومائتين وقال أبو محمد توفي جدي أبو علي  
رحمة الله ليلة الجمعة و دفن يوم الجمعة الثالث والعشرين من جماد الأولى  
سنة ثمان وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة قز، وهي ابن تسع وثمانين سنة رضي الله  
عنه وأرضاه وحالاته مشهورة ، محمد بن جعفر بن ورثة النيسابوري أبو عبد الله المازني  
محمد بن محمد بن سعيد النيسابوري أبو العباس البختری ، محمد بن زكريا  
النيسابوري أبو بكر الكاغذي من مصنفی الحديث ، محمد بن الحسن بن الجليل  
أبو بكر القطان أسند أهل نيسابور في مشايخ النيسابور بين في عصره ، محمد بن  
حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري أبو بكر بن أبي حاتم السلي من إعيان  
المحدثين وتوفي رحمة الله ربيع الآخر سنة عشرين وثلثمائة ودفن في مقبره الحيرة،  
محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابوري أبو أحمد البراز مسجده وداره في ميدان

زياد، محمد بن سعيد بن اسمعيل النيسابوري الفقيه ابوبكر بن ابي عثمان الزاهد،  
محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبري ابو عبد الله النيسابوري وكان من اعيان  
وجوه نيسابور، محمد بن عبد الرحمن الاصهاني ابو جعفر الارزقاني من الحفاظ الاثبات،  
محمد بن محمد بن يوسف قاضي القضاة بخراسان ابو ذر البخاري محمد بن خالد بن احمد  
الذهلي الامير، محمد بن علي بن زياد النيسابوري ابو الفضل السمدي، محمد بن حمويه بن  
عباد النيسابوري ابوبكر طهمان محمد بن الرومي ابو عبد الله الزمجارى، محمد بن ابراهيم  
بن عبدويه بن سدوس بن علي بن عبد الله الهذلي ابو عبد الله العددي النيسابوري المعروف  
بكثرة السماع والرحله والتصنيف، محمد بن حمدويه بن سهل الغازي ابو نصر المطوعي  
المزوري، محمد بن الحسن بن اسحق النيسابوري ابو جعفر الصوفي ويقال له الاصهاني لان  
اباه من اصبهان، محمد بن احمد بن ابراهيم الوراق ابوبكر الخياط الهروي، محمد بن  
شريك بن محمد ابوبكر الاسفرايني، محمد بن سعد بن حمدويه النسوي ابو عبد الله، محمد  
بن عمران بن موسى النسوي ابو جعفر الشرمغولي قريه نيسابور، محمد بن عبدوس بن  
العلان النيسابوري ابوبكر الاهاري محمد بن احمد بن قريش بن يحيى النيسابوري ابوبكر  
الكاتب ويعرف بالابرص ومسكنه محلة باب الديرو هو من اهل الصدق، محمد بن شعيب  
بن ابراهيم بن شعيب النيسابوري الفقيه ابو الحسن ابو الحسن العجلي الشيبقي، محمد بن  
هرون بن منصور النيسابوري ابو سعيد المسكي وكان من الاعيان في الحديث والعقل  
والثروة والسخا، محمد بن علي بن الحسين البلخي ابو عبد الله الختائي، محمد بن احمد بن  
ابراهيم ابوبكر النيسابوري الصوفي، محمد بن جعفر بن سليمان النيسابوري ابوبكر  
الصيرفي محمد بن همام بن معوية النيسابوري ابو عبد الله المهالي، محمد بن الحسين  
بن اسحق المقرئ النيسابوري ابو عبد الله، محمد بن محمد بن صديق النيسابوري ابو حامد  
محمد بن يحيى ابوبكر النيسابوري، محمد بن حسن بن عمرو بن عروة النيسابوري

ابو عمرو الزمجارى ، محمد بن ابرهیم بن عبدالله النيسابورى ابوبكر الخاررنجى ،  
 محمد بن الفضل بن عبدالله النيسابورى ابوالفضل ، محمد بن اسمعيل بن عيسى الجرجاني  
 ابو عبدالله المستملى ، محمد بن يعقوب بن اسحق الجوهرى ابوبكر النيسابورى ،  
 محمد بن عمرو بن سلمة بن هشام النيسابورى ابوبكر البزاز ، محمد بن ابرهیم بن شاذان  
 بن عقيل النيسابورى المذكر ابوبكر الاكارعى الشعرانى ، محمد بن احمد بن الحسن  
 بن زياد القيمى ابوالفضل النيسابورى الزورابدى وخطه تم باب معاذ سكة الرشنه ،  
 محمد بن احمد بن فوران النيسابورى ابوبكر الدهان ، محمد بن ابراهيم بن فوران  
 النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن اسحق بن محمد بن ابوتراب الموصلى ، محمد بن  
 اسحق بن عبدالله النيسابورى ابواحمد الشاد ياخى ، محمد بن احمد بن زهير  
 بن طهمان القيسى ابوالحسن الطوسى محدث كثير الحديث و التصنيف ، محمد بن  
 الحسن بن حميد بن معقل النيسابورى ابوبكر الصوام ، محمد بن على بن حمويه  
 النيسابورى ابوالعباس العطار ، محمد بن حسنويه بن على النيسابورى الشيخ الصالح  
 ابوبكر ، محمد بن منصور بن عبدالله الزاهد النيسابورى ابو عبدالله وكان دجاب الدعوة  
 رحمة الله محمد بن حمدان بن سهل بن دوسى النيسابورى ابوبكر الصانع ، محمد بن عبدوس  
 النيسابورى ابو عبدالله السيسر آبادى ، محمد بن على بن الحسن النيسابورى ابو جعفر  
 النحترى ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب النيسابورى ابو عبد الله التاجر ، محمد بن  
 هارون بن مطرف بن اسحق النيسابورى ابو جعفر و يعرف بابى المطرفى ، محمد  
 بن حسنويه بن اسمعيل النيسابورى ابوبكر الفانى ، محمد بن احمد بن الفضل النيسابورى  
 ابواحمد الشخنانى ، محمد بن احمد بن اسمعيل الحثعمى و كان قاضى الرى ، محمد بن  
 احمد بن عمرويه النيسابورى ابو عبدالله اليبلى الشاهد ، محمد بن سلوان الكرايسى  
 ابوبكر النيسابورى ، محمد بن سهل بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله المؤدب ، محمد بن

احمد بن الحسن النيسابوري ابوبكر الكاتب ، محمد بن احمد بن اسد بن مشكان  
 النيسابوري ابو عبدالله المروزي ، محمد بن موسى بن معاوية النيسابوري ، محمد بن  
 ابراهيم بن اسمعيل الطوسي نزيل نيسابور ، محمد بن موسى بن محمد بن زهير النيسابوري  
 ابو حاتم السخستاني ، محمد بن عقيل بن فضالة النيسابوري ابوبكر ، محمد بن علي بن  
 الحسن ابو عبدالله البخاري ، محمد بن الحسين بن الهيثم ابوبكر الخزاعي البصري ،  
 محمد بن عبدالله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروي المزني ، محمد بن جعفر ابو  
 عبدالله القصاب النيسابوري ، محمد بن جعفر بن محمد بن نصر بن النيسابوري ، محمد بن  
 الحسين بن محمود ابوبكر العابد النيسابوري ، محمد بن عبدالله ابو الفضل السخستاني  
 النيسابوري ، محمد بن الحسين ابو عبدالله الباغي النيسابوري من محلة باغك ، محمد بن  
 الحسن بن ابي سعد يحيى بن منصور ابو الفضل الشهيد الحافظ الهروي ، محمد بن  
 احمد بن حمويه ابو عبدالله المزوري ، محمد بن احمد بن هارون بن حنان النيسابوري  
 ابو عبدالله القرشي ، محمد بن ابي سهل الرباطي المزوري محمد بن الحسين بن معاذ  
 النيسابوري ابو الحسين المازلي ، محمد بن يعقوب بن داود الفارسي ابو عبدالله الموسد خابى ،  
 محمد بن احمد بن هلال ابو النصر السمرقندي ، محمد بن يعقوب ابو جعفر الواغظ  
 الطبري ، محمد بن عبد الرحيم الشاشي ، محمد بن حمويه النيسابوري ابو عبدالله الحزكي ،  
 محمد بن محمد بن ابراهيم النيسابوري ابوبكر النسوي ، محمد بن الطمعون ابوبكر  
 بن محتاج الامير صاحب جيوش خراسان ، محمد بن عبد الرحمن بن محمد الفقيه ابو العباس  
 الدعولي امام عصره بخراسان اقام بنيسابور مستقيماً ، علي بن محمد بن يحيى الذهلي  
 وعبد الرحمن بن بشر واقرا نهماسنين وبعده محمد بن اسحق وابو العباس السراج ما كان احمد  
 مثله ، محمد بن احمد بن يوسف السلمى ابوبكر النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد  
 بن السيب الشعرائي النيسابوري ابوبكر البيهقي ، محمد بن نصر بن عمار الانصاري ابوبكر  
 النيساري ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عمار الخزرجي الانصاري ابو الحسن النيسابوري

روى عن فضيل بن عياض وكنا نستطاب اذا مرضنا فصار هلاكنا بيد الطيب فكيف  
 نجز غصتنا بشئ ونحن نقص بالماء الشريب، محمد بن يحيى بن سعيد النيسابورى  
 ابوبكر الجلودى، محمد بن احمد بن على الرئيس ابوالحسن ابن ابي عبدالرحمن  
 النيسابورى المعروف كان ابوه بابى عبدالرحمن العاتخدى وكان ابي الحسن رئيس  
 بنيسابور فضايله كثيره رحمه له، محمد بن عبدالله بن محمد بن رجا بن سعيد بن علوان  
 الوديز ابوالفضل البلعمى رضى الله عنه واحد عصره فى الراى والعقل و اجلال العلم و  
 اهله، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نى الطوسى سكن بنيسابور،  
 محمد بن محمد ابوعلى القصاب الهروى، محمد بن على ابوبكر النيسابورى ابن اخت  
 مسلم بن الحجاج، محمد بن احمد بن محمد بن زياد النيسابورى ابواحمد الملقب وكان  
 وجوه البلد، محمد بن يونس بن ابراهيم بن النصر بن عبدالله النيسابورى ابوعبدالله  
 المقرئ الشعرانى، محمد بن عثمان ابوالطيب القطان النيسابورى و كثر المقام  
 ببغداد محمد بن محمد بن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابي الطيب، محمد بن عمر-  
 بن جميل ابوالا حرز الطوسى الاصم، محمد بن احمد بن دلويه النيسابورى  
 ابوالحسن الصيدلانى، محمد بن الحسين بن علا ابوالعباس الزيرى النيسابورى من  
 المدينة الداخلة، محمد بن احمد بن على النيسابورى الاديب ابوبكر العجلي، محمد  
 بن على بن محمد ادريس النيسابورى ابوعمر والمزكى، محمد بن قرش ابواحمد  
 المروروى شيخ بلده، محمد بن الحسين بن يزيد بن عبدالرحمن ابواحمد الوراى  
 المعروف بالحافظ وكان اهل طوس يسمونه النيسابورى و اهل نيسابور الطوسى و  
 كان من نيسابورى من محله الحيرة، محمد بن احمد بن محمد بن معقل ابوعلى  
 الميدانى من ميدان زياد، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبكر وكان من  
 المجتهدين لا يشغل الا بالصلوة والقراءة ولما توفى رغب الخلائق فى الصلوة

عليه اكثر من الاعياد ، محمد بن الطيب ابوالنصر الكشتي الزاهد ، محمد بن علي بن الحسن بن مهران بن عفان النيسابوري الحافظ ابوبكر التجار ، موسى بن العباس بن محمد النيسابوري ابو عمران الجويني من ازادوار و هو صنف على كتاب مسلم الحجاج ، مكى بن عيدان بن محمد بن بكر بن مسلم بن راشد النيسابوري ابو حاتم التميمي ، مسعود بن علي بن الحسن المروعي ابوالقاسم الجوال في طلب الحديث بمصر والحجاز ، معتز بن احمد بن يحيى الزمي من زم جيحون ابو احمد الحاجي ، محمود بن احمد بن عطا القهستاني تزيل نيسابور ، يحيى بن محمود بن عبدالله بن اسد النيسابوري ابو زكريا البرنودي ، يحيى بن عبدالرحمن النيسابوري ابو زكريا التيممي المعادي ، يعقوب بن محمد بن ماهان النيسابوري ابو يوسف الصيدلاني ، يعقوب بن اسحق بن الجعد النيسابوري ابو يوسف الجعدي شيخ من المشهورين يعقوب بن يوسف بن عاصم ابو الفضل العاصمي البخاري شيخ اهل بلدة في عصره ، يعقوب بن محمود المقرئ ابو يوسف النيسابوري من كبار القراء ، يعقوب بن يوسف بن يوسف ابو يعقوب المكاتب مرتع بشسفرش يوسف بن جميع النيسابوري .

قال الحاكم رضي الله عنه هذه اسامي المشايخ الذين مارزقت المماع منهم من هذه الطبقة فنشرع الان في اسامي الذين ادركتهم ورزقت المماع منهم بنسبور من هذه الطبقة ايضا على الترتيب المذكور .

احمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد بن عبدالرحمن بن نوح النيسابوري الفقيه ابوبكر ، الامام ، المفتي ، المتكلم ، الغازي ، الرئيس ، الزكي واحد عصره ، رضي الله عنه وتوفي شعبان سنة اثني و اربعين و ثلثمائة وهو ابن اربع و ثمانين و اشهر و مناقبه كثيرة من الفقه والاصول والحديث الفروسيه مقدم في عصره في جمعها بلا مدافعه ، احمد بن ابراهيم المغنل الصيدلاني ابوبكر النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن اسمعيل الامام اسماعيل النيسابوري

واحد عصره و شيخ الفقها والمحدثين و مات بجرجان، احمد بن اسحق بن عبدويه  
 ابونصر العبدوى النيسابورى رئيس نيسابور، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد  
 الرازى ابوسعيد الصوفى نزىل خانقاه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم  
 بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسى ابوحامد المقرئ نزىل بنسابور، احمد بن  
 اسمعيل بن يحيى خادم الارزى ابوالفضل الاسماعيلى من وجوه نيسابور و اولاد  
 العرب، احمد بن ابراهيم احمد بن عبدالله الرقى النيسابورى وردجده من الرقه جاء ايام  
 الطاهرية، احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلى ابوالحسن العبدوى  
 النيسابورى الزاهد اخو ابى عبدالله العبدوى .

احمد بن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الاصبهاني و كان مولده بنسابور، احمد  
 بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوحامد المزكى النيسابورى، احمد بن اسحق بن  
 ابراهيم بن يزيد العدل ابوالحسن النيسابورى والد ابى عمرو الصغير، احمد بن بالويه  
 ابوحامد العصفى النيسابورى، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترابادى اقام بنسابور  
 مدة، احمد بن بسام ابوالحسن البغدادى. احمد بن جعفر بن سليمان ابوحامد البزاز  
 النيسابورى من اذا بجرد، احمد بن الحسن بن منده ابو عمرو والاصبهاني نزىل بنسابور، احمد  
 بن حسنويه على اللباد ابوالحسن النيسابورى التاجر، احمد بن الحسن بن الحسين بن  
 منصور ابوالحسن النصر آبادى النيسابورى، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان  
 الاصبهاني القاضى ابوبكر الطوسى وتوفى بنسابور، احمد بن الحسين بن محمد بن  
 على البلخى ابوحامد الفقيه الشافعى، احمد بن الحسين بن احمد بن عبيد بن الحسين بن  
 الضبى ابونصر المروزي، احمد بن الحسين بن مهران الزاهد ابوبكر المقرئ النيسابورى  
 امام عصره فى القرات و كان اعبد من رأينا من الفقرا و كان مجاب الدعوة، احمد بن  
 الحسن بن احمد بن حفص بن مسلم بن يزيد بن على الخرسى النيسابورى ابو بكر

القاضی، احمد بن الحسین بن احمد ابونصر الفقیه النیسابوری وهو ابن ابی علی الفامی، احمد بن الحسین بن محمد حمویہ النیسابوری والحسین یلقب محکومہ ابونصر الوراق احمد بن الحسین بن علی قاضی القضاة بخراسان ابو حامد المزوری وكان ابوه همدانیا احمد بن الحسین الحافظ ابو الفضل الادیب الشاعر، احمد بن الحسین ابوبکر السروری المقرئ، احمد بن الحسین التاجر ابو العباس الرازی من اعیان کتبه الحدیث، احمد بن الخضر بن احمد بن محمد بن عبد الله نهبك الشافعی ابو الحسن الفقیه النیسابوری، احمد بن داود بن عیسی الهاشمی ابو العباس الطبری، احمد بن رافع بن الحسین ابو یوسف المزوری، احمد بن زید بن محمد الطوسی ابونصر التاجر، احمد بن سلیمان بن اسمعیل ابو السین بن نوح ابوسعید الحیری النیسابوری وكان من الصالحین، احمد بن سعید بن اسماعیل ابو الحسین بن ابی عثمان الزاهد النیسابوری، احمد بن سعید بن نصر بن بکاد الزاهد ابوبکر الواعظ البخاری، احمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل الانصاری ابو حامد النیسابوری، احمد بن صالح بن علی المزوری، احمد بن طاهر بن عبد الله بن یزید ابو علی بن طاهر النیسابوری، احمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله بن محمد بن بشر بن معقل بن حسان بن عبد الله بن معقل المزنی صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم رضی الله عنه وكان امام اهل العلم والجود فی عصره بلا مدافعه وكان من اولیاء السلطان . وقال الحاكم انه هروی ولكن مات رضی الله عنه بیخارا و يعرف بابی محمد المزنی . احمد بن عبد الله بن زکریا بن عبد الکرم بن عبد الله بن عبد العزیز ابو الحسین بن زکریا الفقیه الشافعی الجرجانی، احمد بن عبد الله بن سعید ابو العباس الذهلی، احمد بن عبد الله بن سرمد ابو الحسین الکراییسی النیسابوری، احمد بن عبد الله بن محمد بن اسمعیل الفقیه الشاهد ابو الحسین الطوائفی النیسابوری، احمد بن عبد الله بن احمد بن محمد بن الحسین ابونصر بن ابی محمد بن ابی العباس الماسرخسی النیسابوری، احمد



بن علي بن محمد بن ابراهيم بن احمدويه الاصمهاني نزيل بنسابور، احمد بن علي بن عبد الرحيم التاجر ابو حامد الصفار النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الفامي ختن - الحاكم ابي علي الجنابدي ابوبكر النيسابوري، احمد بن علي بن الحسن بن شاذان المقرئ ابو حامد التاجر العابد النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الوراق ابو عمرو النيسابوري، احمد بن علي بن عمرو بن سليمق الزاهد البخاري ابو الفضل السلمين، احمد بن عبدوش بن سلمويه الصرام ابو حامد النيسابوري، احمد بن العباس بن عبيد الله المقرئ ابوبكر الامام البغدادي، احمد بن عبدالعزيز بن محمد بن اسحق بن ابراهيم - اسحق بن ابراهيم الوراق ابو حامد النيسابوري عم ولد ابي عمرو الصغير، احمد بن عبد الله بن حمشاد بن محمد الغازي ابو نصر التاجر النيسابوري وعاشرا كابر الشيوخ من - المتصوفة، احمد بن عمر بن سيبويه المزوري، احمد بن عبد الله بن محمد ابو صابر الفقيه من اصحاب ابي العباس احمد بن هارون، احمد بن الفضل بن محمد ابو بكر البراز - النيسابوري، احمد بن القسم ابو نصر الكاتب، احمد بن القاسم ابو نصر النيسابوري - الكاتب وكان من اعقاب الحسين الفامي، احمد بن كوفي بن ايوب بن ابراهيم الاصمهاني التاجر ابوبكر، احمد بن الايث بن الحسين بن علي الزاهد الخياط ابو احمد النيسابوري مجاور الجامع، احمد بن محمد بن عبدوس العبدى ابو الحسن الطرائفي النيسابوري وكان من اصحاب الصدق و المحدثين، احمد بن احمد بن سليمان الحافظ الحنفي ابو الطيب الصعلوكي النيسابوري عم استاد ابي سهل رضي الله عنه ومدفون في مقبرة باغك، احمد بن محمد بن عبد الله القاضي ابو الحسين النيسابوري قاضي الحرمين وامام الكوفين في عصره بلا مدافعه، احمد بن محمد بن يحيى المعدل ابو الحسن بن يحيويه النيسابوري واقام ببغداد مدة ثم رجع احمد بن ابراهيم الفقيه الاديب ابو جعفر الجرجاني نزيل بنسابور، احمد بن محمد القاسم المذكر السرخسي اقام بنسابور، احمد بن محمد بن

سهل الفقيه البارع ابو الحسين الطبسى الشافعى، احمد بن نصر بن اشكاب البخارى، احمد بن محمد بن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من محله جلاباد وكان من الصالحين العباد، احمد بن محمد بن محمد بن ابراهيم بن عبده النيسابورى التميمى ابو الحسين السليطى، احمد بن محمد بن ايوب الواعظ المفسر ابو بكر الفارسى نزىل بنسابور، احمد بن محمد بن ابراهيم بن هاشم الحافظ ابو محمد البلاذرى الطوسى، احمد بن محمد بن اسمعيل بن مهران ابو الحسن بن ابي بكر الاسماعيلى الشاهد النيسابورى احمد بن محمد بن الحسين الواعظ ابو العباس النصر الدارى، احمد بن محمد بن سهل ابو الحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمد بن محمد بن الحسين الخطيب ابو حامد الخسرو جردى شيخ كبير، احمد بن محمد بن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ ابو سعيد قد جمع الحديث وصنف فى الابواب وهو نيسابورى ومات بطرسوس، احمد بن محمد بن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام فى عصره بنسابور، احمد بن محمد بن موسى بن كعب الشاهد ابو سعيد الكعبى النيسابورى وكان يقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقيه، احمد بن محمد بن الحسين الطوسى ابو تراب الواعظ النوقانى، احمد بن محمد بن عيسى بن الجراح الحافظ ابو العباس النحاس المصرى، احمد بن محمد بن ابراهيم الواعظ ابو حامد المقرئ النيسابورى ويعطى لكل علم حقه، احمد بن محمد بن مهران بن عبدالله الاصبهاني ابو العباس الكافورى، احمد بن محمد بن الحسين بن على ابو طاهر الطاهرى النيسابورى من محله جودى، احمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابي- الحسين المعروف بالصندوقى النيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن بالويه ابو حامد النيسابورى، احمد بن محمد بن عبدالله الاديب اللغوى العلامة ابو عمرو الرزدى النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمد بن ابو حامد الحازرنجى

امام اهل الادب بخراسان في عصره بلامدافعه ، احمد بن محمد بن ابراهيم ابو عمرو -  
 الزوزني الكاتب ، احمد بن محمد بن الحسين البخاري ابونصر الطال آبادي الكاتب  
 احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم الفقيه ابو الحسن اللحاتمي ابو حاتم الفقيه -  
 المزكي المزوري ، احمد بن محمد بن الحسن الفقيه ابونصر الطرائفي النيسابوري  
 احمد بن محمد بن اسحق المعدل ابو علي البراز النيسابوري ، احمد بن محمد بن احمد  
 بن محمد بن يحيى الانماطي النيسابوري ابن بنت ابي الحسين البزاز ، احمد بن محمد  
 بن ابراهيم ابونصر الطبسي التاجر نزيل نيسابور ، احمد بن محمد بن جعفر محمد بن يحيى  
 بن نوح ابو الحسين البحتري النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبد الله العنبري ابو منصور  
 الصوفي النيسابوري ، احمد بن محمد بن صالح القاضي المنصوري من اهل منصوره ،  
 احمد بن محمد بن المومل بن الحسن بن عيسى الحافظ ابو حامد الفقيه الاديب المزكي  
 الطوسي ، احمد بن المنصور بن محمد الحافظ ابو العباس الصوفي الشيرازي ، احمد بن  
 موسى بن حماد ابو حامد النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن محمد الفقيه الزاهد ابو حامد  
 البغولي النيسابوري ، احمد بن محمد بن معتقل السرخسي ابو عمرو الكاتب نزيل مزينان ،  
 احمد بن محمد بن مسيح بن وكيلى النجفي ابو سعيد الحافظ النسوي ، احمد بن محمد  
 بن الحسن ابو عمرو بن ابي طاهر المحمد آبادي محلة خارج البلد ، احمد بن محمد بن  
 شيرك الفقيه ابو حامد الشافعي الهروي مفتي هراة في عصره ، احمد بن محمد بن ابوب  
 بن سليمان القامي ابو حاتم الجوبقي النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن  
 عبد الله بن محمد عبد الوهاب الصايغ ابو حامد النيسابوري ، احمد بن محمد بن اسمعيل  
 البغدادي ابو الحسن الخلال ، احمد بن محمد بن ابراهيم بن جازم البخاري ابو نصر -  
 الحازمي المؤذن ، احمد بن محمد بن حسويه العابد ابو بشر الحسنوي النيسابوري ،  
 احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابو الحسين بن ابي نصر الخفاف المجاب الدعوة

احمد بن نصر بن محمد الزهرى ابو الحسن البغدادى الحنودى ، احمد بن هرون بن ابراهيم  
 الفقيه ابو العباس الحاكم المزكى شيخ اهل الراى فى عصره النيسابورى ، احمد بن يعقوب  
 بن احمد بن مهران بن عبدالله ابوسعيد الثقفى النيسابورى ، احمد بن يعقوب بن ناصح  
 الاصبهاني الاديب ابوبكر النحوى ، احمد بن يوسف بن عبدالرحمن الصوفى ابو حامد  
 المعروف بالاشقر ممن صحب المشايخ القدا بخراسان والعراق ، احمد بن يعقوب بن  
 عفر بن الجنيد بن موسى التميمى ابو الفضل الخجندى ، احمد بن يعقوب بن العاطر عبد  
 الجبار القرشى الجرجاني ، ابراهيم بن اسمعيل بن ابراهيم العابد ابو اسحق المعروف  
 بابو هتمك النيسابورى كان على رأس سكة خشاوزه وتوفى رحمة الله سنة ثمان وثلاثين وثلاثمائة  
 وكان احد ودب حتى رداوه فوق العمام ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن رجا الفرارى  
 النيسابورى ابو اسحق الوراق ، ابراهيم بن احمد بن عبيد الله المستملى ابو اسحق الهمداني  
 الاعور ، ابراهيم بن اسحق بن حمويه البزاز ابو اسحق الرازى ، ابراهيم بن احمد الزاهد  
 ابو اسحق السلماني النيسابورى ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن عبدالله الترنومدى ، ابراهيم  
 بن اسحق الاديب اللغوى ابو اسحق الضير ، ابراهيم بن جعفر السختياني ابو اسحق النيسابورى  
 ابراهيم بن الحسن الفقيه ابو الحسن النيسابورى ، ابراهيم بن سيمجور الامير بن الامير ابو  
 اسحق بن ابي عمران الاديب والى اماره بخارا و هراة ومرو و نيسابور فاما بلاد قهستان  
 فلم نزل برسمه ، ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى ، ابراهيم بن على بن بالويه  
 البلخي ابو اسحق ، ابراهيم بن عبدالله بن اسحق العدل ابو اسحق الاصبهاني ، ابراهيم بن  
 الفضل الهاشمى اللغوى ، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم ابو اسحق الحرى المعروف بابى  
 الحامك الزاهد النيسابورى ، ابراهيم بن محمد بن احمد الفقيه ابو اسحق النجارى ،  
 ابراهيم بن محمد بن يحيى المزكى النيسابورى ابو اسحق شيخ نيسابور ، فى عصره توفى رحمة  
 الله سنة اثني وستين وثلاثمائة ، ابراهيم بن محمد بن الحسين بن الحسن بن الخليل القطان

ابو اسحق العابد النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن مكتوم المستملى ابو اسحق المكتومى -  
النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن احمد بن محمود الصوفى العارف ابو القاسم النصر -  
آبادى النيسابورى الراعظ لسان اهل الحقايق، ابراهيم بن محمد بن محفوظ بن معقل  
ابو اسحق المحموظى النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق -  
الهاسمى المعدل ابو اسحق بن ابي الفضل بن فضلو به المزكى النيسابورى، ابراهيم بن محمد  
بن عبد الله بن ابي بكر الخباز المذكر الرازى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم الفقيه الاصولى  
ابو اسحق الاسفرائينى، ابراهيم بن محب بن ابراهيم بن سليمان بن خالد العبدى ابو اسحق  
النيسابورى، ابراهيم بن مضارب بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى، ابراهيم بن نصر  
ابو اسحق المزورى، ابراهيم بن يوسف بن لقمان الفقيه البخارى، اسمعيل بن عبد الله بن محمد  
بن ميكال ابو العباس الاديب الشريف النيسابورى شيخ خراسان ووجهها وعينها فى  
عصره رضى الله عنه وميكال كان ابن الواحد بن جبرئيل بن اتق بن بكر بن ديوشى  
وهو شور الملك بن سور بن شور بن سورا بعة من الملوك بن فيروز بن يزجرد بن بهرام  
جور بن محمد بن احمد بن يوسف بن سالم بن خالد السلمى ابو عمرو الزاهد  
العابد شيخ عصره فى التصوف توفى الشيخ ابو عمرو النيسابورى رضى الله عنه ليلة السبت  
الثالث عشر من ربيع الاول سنة خمس وستين وثلاثمائة ودفن بشاخنبر، اسمعيل بن محمد  
بن الفضل بن محمد بن المسيب ابو الحسن النيسابورى الشعرانى وكان جده شيخ عصره  
بخراسان وتوفى بقرية يهوق، اسمعيل بن احمد بن محمد التاجر ابو سعيد الهلال الجرجانى  
سكن نيسابور وتوفى بها، اسمعيل بن عبد الله بن عمر سليمان ابو منصور بن ابي الياس  
الكوكبى النيسابورى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن اسمعيل ابو محمد بن ابي الحامد  
الا سماعلى الطوسى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن يوسف ابو ابراهيم الاسترابادى،  
اسمعيل بن ابراهيم بن محمد الفقيه اسحق بن ابراهيم بن محمد بن محمد ابراهيم الحترجى

ابو يعقوب العماري النيسابوري، اسحق بن ابراهيم بن عمرويه البخاري ابو ابراهيم الفقيه، اسحق  
 بن سعيد بن الحسن بن سفيان الشيباني ابو يعقوب النسوي، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد  
 قبيصة المعدل النيسابوري، اسحق بن محمد شاد الزاهد ابو يعقوب الكرامى شيخهم وامامهم  
 ذكر الحاكم رحمته الله سمع من الثقه انه اسلم على يد ابو يعقوب  
 الكرامى من اهل الكتاب والمجوس بنيسابور ما يزيد على خمسة آلاف  
 رجل و امرأة، اسحق بن احمد بن شيب بن الحكم ابو نصر الفقيه البخاري الصغار  
 احمد بن احمد بن خير ابو احمد البخاري، اسد بن الهيثم بن عبيد الله المصري  
 ابو الهيثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبد الله ابو سعيد الرستمى الهروى، اسامة بن على  
 الهمداني نزىل بنيسابور، بكر بن محمد بن حمدان المروزي الصيرفي المعروف بالدمحيسى  
 بكر بن احمد بن زكريا ابو عمرو والشاهد المعروف بالعدي، بالوية بن محمد بن بالويه ابو العباس  
 المزنياني، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرف الاسفراينى، بشر بن محمد بن ياسين بن  
 النصر بن سليمان النيسابورى القاضى القضاة بنيسابور، بشر بن عبد الله البصرى ابو احمد  
 نزىل بنيسابور، جعفر بن محمد بن الحارث المراءى نزىل بنيسابور، جعفر بن احمد بن  
 محمد الصوفى العابد ابو القاسم بن المقرئ الرازى شيخ عصره فى التصوف والتوكل، جعفر بن  
 نعيم بن شادان بن قنبر ابو محمد النيسابورى، جعفر بن محمد بن جعفر ابو محمد بن ابي بكر بن  
 جعفر البشتى النيسابورى، جعفر بن الفضل بن عيسى الفقيه ابو محمد الشاشى، جميل بن محمد  
 بن جميل ابو الحسين الرازى سمعه بنت احمد بن محمد بن عبيد الله الرئيس النيسابوريه  
 من ولد عثمان بن عفان رضى الله عنه، الحسن بن ابراهيم بن يزيد الاسلمى ابو محمد  
 الفارس القطان نزىل بنيسابور، الحسين بن احمد بن موسى ابو على الفارسى، الحسن  
 بن احمد بن الحسن بن موسى القاضى ابو على البيهقى، الحسن بن احمد بن الحسن  
 بن محمد ابو منصور بن ابي الحسن المعاذى المزكى النيسابورى، الحسن بن احمد  
 عبيد الله ابو الغازى الصوفى البغدادى، الحسن بن احمد بن يعقوب بن موسى بن  
 امير المؤمنين ابو محمد المامونى، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسى

النيسابوري، الحسن بن محمد بن عبدالله الدينوري ابو محمد، الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل ابو الفضل البخاري، الحسن بن يعقوب بن يوسف الصوفي النيسابوري الزاهد صاحب الخاقية مجمع الزاهد والصوفية توفي رحمه الله في رجب سنة ست وثلاثين وثلاثمائة وهو في سن النبي صلى الله عليه وسلم و شهدت جنازته بالحيرة ودفن بقرب المشايخ الستة، الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن السحري ابو محمد الاديب، الحسن بن احمد بن موسى ابو علي القامي النيسابوري، الحسن بن احمد بن الحسن القاضي ابو علي البيهقي الاديب الفقيه، الحسن بن محمد بن علي ابو علي بن ابي الحسن بن ابي عبدالله الطوسي الرودباري، الحسين بن علي بن يزيد بن داود بن يزيد بن الحافظ ابو علي النيسابوري واحد عصره في الفتح والايقان والورع والرحلة ذكره في الشرق كذكره في الغرب مقدم مذاكير الائمة وكثرة التصنيف توفي رضي الله عنه الخامس عشر من جمادى الاولى سنة تسع واربعين وثلاثمائة ودفن في مقبره باب معمر، الحسين بن داود بن علي بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب ابو عبدالله العلوي رضي الله عنهم، الحسين بن الحسن بن ايوب الاديب ابو عبدالله الطوسي، الحسين بن علي بن محمد بن يحيى بن عبد الرحمن ابو محمد الحسينك بن ابو الحسن التميمي النيسابوري، من بيت الثروة والمروءة قريب حسين بن معاذ، الحسين بن سختويه ابو محمد البزاز، الحسين بن محمد بن احمد بن ابو علي الماسر حسني النيسابوري الحسين بن احمد بن جعفر ابو علي الكرامي النيسابوري، الحسين بن محمد بن علي بن محمد الزبير القرشي ابو علي النيسابوري الحسين بن حميد سيويه المعدل ابو عبدالله النيسابوري، الحسين بن احمد بن عبد الرحمن ابو الصغار الهروي، الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه ابو الطيب الشيرازي، الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواعظ ابو سعيد البسطامي، الحسين بن جعفر بن محمد الجرجاني ابو عبدالله الحسين بن جعفر بن يزيد ابو عبيد الله الرازي، الحسين بن عبد الحميد بن

عبدالرحمن ابوعبدالرحمن الاديب النحوى النيسابورى، الحسين بن احمد بن جعفر -  
 الصوفى ابوعبدالله الرازى، الحسين بن يحيى بن زكريا بن يحيى الواعظ ابو على الشافعى  
 رضى الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسين بن الحسن القاضى ابوعبدالله الحكيمى، الحسين  
 بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز ابوعبدالله النيسابورى، الحسين بن على بن محمد الحسين  
 العلوى رضى الله عنه . الحسين بن على بن بندار ابو القسم بن ابي الحسن الصوفى ،  
 حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرئى ابو الوليد الفقيه امام اهل الحديث  
 بخراسان فى عصره توفى رضى الله عنه ليلة الجمعة الخامس من ربيع الاول سنة تسع  
 واربعين و ثلثمائة و دفن فى مقبرة نصر بن زياد القاضى المدفون فيها ثلثة من الصحابة  
 و قد قال بعض العلماء فى الصيده التى يرئى له بها و قد بقى ربيه و مصرفه امام هذا  
 الدهور و الاعصار ابو الوليد الفقيه و السيد القوم و فخر الخلاق الاكبر معدن  
 كنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزيدى الحسينى العلوى  
 ابو على نجم اهل بيت النبوة فى زمانه الشريف حسبا و نسباً ، حمزة بن احمد بن  
 محمد بن حمزة الفقيه ابو على الشاعر الزوزنى ، حمزة بن عبدالعزيز بن محمد ابو على  
 المهلبى الصيدلانى النيسابورى ، حاجب بن احمد بن جم بن مقيان ابو محمد الطوسى  
 حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروى ابو على الواعظ المعروف بالوفا، حامد بن  
 محمد بن عبدالله الخياط النيسابورى ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفى  
 ابو احمد الكاغذى النيسابورى و توفى بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد  
 الفقيه ابو احمد المناشكى النيسابورى ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقيه  
 ابو منصور الجرجانى مات بنيسابور حيدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشى  
 النيسابورى ، حمد بن محمد بن الحظاب الفقيه الاديب البشتى ابوسلمن الخطاى،  
 خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامير بن الامير و من بيت دولة خراسان الجليل



بن احمد بن الجليل القاصي شيخ اهل الرأي في عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القرويني ابو علي ، الخضر بن محمد بن يحيى البلخي و كان ابوه بنيسابور ، خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البجلي النيسابوري ، خلف بن محمد الواسطي ابو محمد ، خطاب بن علي بن الخطاب ابو محمد القرويني ، خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضي النيسابوريه و كان ابوها ابورجاء قاضي القضاة و كانت تحسن العربية و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه ابو محمد السجزي شيخ اهل الحديث في عصره ، داود بن محمد بن نصير الاسفرايني ، داود بن محمد بن الحسين بن داود الحسين العلوي ، رشيق بن عبدالله الرومي ابو نصر يسكين طابران من قرى طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودي : رافع بن عصم بن العباس الصبي الهروي ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زبير بن عبدالواحد بن احمد بن زكريا ابو عبدالله الاسترابادي ، زيد بن الحسين داود بن علي الحسيني العلوي ، زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدي الكوفي الزبير بن عبدالله بن موسى بن الحارث الثوري ابو علي البغدادي ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسي ابو علي المقرئ شيخ عصره ، سليمان بن محمد بن ناجيه ابو القسم ابي بكر بن ناجيه النيسابوري ، سليمان بن محمد بن سليمان بن خالد العبدى النيسابوري من ميدان هاني ، سليمان بن محمد بن داود الفقيه ابو علي الفقيه الداودي الهروي ، سليمان بن محمد بن علي ابو القاسم المناشكي النيسابوري ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابو عثمان السمرقندي سكن بنيسابور من صباه الى ان مات بها ، سعيد بن نصر ابو عثمان الاندلسي ، سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشيعي ابو سعد ، سعيد بن القسم بن العلا بن الخالد البروعي ابو عمر المطوعي ، سعيد بن محسن الفقيه ابو عثمان الكشي ، سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابو احمد المطوعي ، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

ابو عثمان الزاهد المغربي ولادته بالقيروان في قرية يقال لها كركنت، كان واحد عصره في الورع والزهد والصبر وجار ممكة فوق العشرة وكان لا يظهر في الموسم و توفي بنيسابور رضي الله عنه سنة ثلاث وسبعين وثلاثمائة ودفن بجانب ابي حفص و ابي عثمان في الحيرة رضي الله عنهم، سعيد بن المسيب ابو عثمان الشيرازي، سعيد بن مشكان ابو عثمان الفارابي، سعيد بن محمد بن الفضل الفقيه ابو سهل بن ابي سعيد النيسابوري، سعيد بن عبد الله بن سعيد بن اسماعيل بن ابو عمرو بن ابي عثمان النيسابوري، سعيد بن محمد بن احمد بن سعيد الصوفي ابو عثمان النيسابوري، سهل بن محمد بن سليمان بن محمد سليمان العجلي نقيب ابو الطيب بن ابي سهل الحنفي الصعلوكي النيسابوري اي منقبتها، سهل بن احمد بن سهل الديوتدي ابو سعيد المركر، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل ابو محمد بن ابي سلمة البخاري، سلمة بن احمد بن سلمة بن مسلم الذهلي ابو نصر المعادي الارب النيسابوري، سلمة بن محمد الفقيه ابو نصر الصيدلاني النيسابوري، سيما بن عبد الله مولى الحارثية ويعرف عندنا بابي علي شداد بن احمد البوزجاني ابو عبد الرحمن قريب ابي الفضل شافع بن محمد بن يعقوب الاسفرايني ابو النصر، شجاع بن الحسن ابو مقاتل الكاتب شعيب بن محمد بن شعيب بن محمد بن العجلي ابو صالح الليثي، سيبه بن محمد بن شعيب بن هارون ابو محمد الشعبي النيسابوري، صالح بن محمد بن داود ابو محمد الترمذي ضمرة بن يحيى الدمشقي، طاهر بن محمد بن يوسف البوشنجي ابو الحسن الفقيه، طاهر بن محمد بن سهلويه بن الحارث العدل ابو الحسين النيسابوري، طاهر بن محمد بن عبد الله بن ابراهيم ابو عبد الله البغدادي نزيل نيسابور، طاهر بن محمد بن عبدان الناجر المعروف بابي الطيب بن عبدان وكان من الامناء الصالحين

قال الحافظ ابو عبد الله: و كنت اتبرك بدعائه طاهر بن علي العماني، طاهر بن احمد بن عبد الله تميمي ابو الطيب، طاهر بن احمد بن محمد بن طاهر الوراق ابو القاسم المولق ابادي النيسابوري،

ابو القاسم البخاري؛ عبدالله بن علي بن جمشاد بن شختوية بن مبرويه ابو محمد بن  
ابي الحسن التميمي النيسابوري، عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر ابو محمد النيسابوري  
عبدالله بن عالم بن حموية بن الحسين الصيدلاني ابو محمد، عبدالله بن فارس بن محمد  
علي ابو ظهير البلخي، عبدالله بن الفضل بن الحسين البخاري، عبدالله بن القسم الكراميني.  
عبدالله بن محمود بن حمدويه بن يعيم بن الحكم الموفن ابو محمد والد الحاكم

ابو عبدالله الحافظ النيسابوري مصنف هذا التاريخ، عبدالله بن محمد بن موسى بن كعب  
ابو محمد الكعبي النيسابوري، عبدالله بن محمد بن علي بن زياد ابو محمد العدل النيسابوري  
عبدالله بن محمد بن بديل ابو بكر البديلي البخاري المعروف بالاشتر، عبدالله بن محمد  
ابن عمر الفقيه ابو محمد البخاري، عبدالله بن محمد بن محمد بن حموية بن عباد  
ابو القاسم بن ابي بكر الططائي، عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن الصوفي ابو محمد  
الحيري النيسابوري المعروف بالرازي، عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابو طاهر  
الحويني النيسابوري، عبدالله بن محمد بن عصام الرحي ابو القاسم الحيري النيسابوري  
عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضي ابو الطيب بن فورس النيسابوري، عبدالله  
ابن محمد بن عبد الوهاب بن عطا القرشي الصوفي الرازي، عبدالله بن محمد بن عبدالله  
الحيرازي الرازي، عبدالله بن محمد بن عبدالله الشيباني الذهلي النيسابوري، عبدالله  
ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابو بشر الخياط النيسابوري وكان مجاب  
الدعوة رضي الله عنه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن علي بن زياد انسدي النيسابوري،  
عبدالله بن محمد بن محمد بن عيوس العدل ابو محمد الحيري النيسابوري  
عبدالله بن محمد بن مهيمن اليزدي ابو محمد التاجر وكان من اعيان خراسان، عبدالله بن  
احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه ابو محمد البالوني النيسابوري، عبدالله بن محمد  
ابن عبدالله بن دينار ابو محمد بن ابي عبدالله النيسابوري، عبدالله بن محمد بن فضلوويه

الصوفي الزاهد ابو محمد المعروف بالمعلم النيسابوري ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد  
 بن السري بن الصباح الكرمانى ابو محمد القبانى، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد  
 ابن عبدالله المحمى النيسابوري، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابو محمد الانماطى  
 الزمجارى النيسابوري ودفن رضى الله عنه فى مقبرة ابي على الثقفى، عبدالله بن محمد بن  
 احمد بن محبوب التاجر ابي العباس المحبوبي المروزي، عبدالله بن محمد ابو القاسم  
 الاصهباني، عبدالله بن محمد الساعري ابو محمد المستملى، عبدالله بن محمد بن احمد بن  
 حبيب الفقيه ابو ذر بن ابي جعفر الكرايسى النيسابوري، عبدالله بن محمد بن برز  
 التاجر ابو محمد التاجر الرازي تزيل بنسابور، عبدالله بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن  
 اسحق الراشدى ابو محمد بن ابي الفضل النيسابوري، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن  
 محمد حمزويه بن نعيم ابو الحسن الضمى النيسابوري، عبدالله بن موسى بن راحك  
 النيسابوري ابو القاسم تزيل ببغداد، عبدالله بن موسى بن الحسين بن ابراهيم السلامى  
 ابو الحسن البغدادى، عبدالله بن مضارب بن ابراهيم ابو القاسم المقرئ  
 انيسابوري وكان من العباد المجتهدين، عبدالله بن مفلح ابو محمد البغدادى تزيل  
 بنسابور، عبدالله بن يحيى بن محمد بن عبدالله بن العنبرى ابو محمد بن ابي زكريا العنبرى  
 النيسابوري، عبيد الله بن احمد بن محمد بن عبيد الله بن النصر بن محمد الرئيس بن الرئيس  
 النيسابوري، عبيد الله بن احمد القاضى الكلابادى ابو القاسم البخارى، عبيد الله بن محمد بن  
 نافع بن مكرم بن حفص الزاهد ابو العباس العابد البشتى وكان من الابدال و جرب  
 مرة بعد اخرى انه كان مجاب الدعوة وتوفى رضى الله عنه سنة اربع وثمانين وثلثمائه  
 ودفن فى بيته، عبيد الله بن على بن عبيد الله بن داود القاضى ابو القاسم الداودى المصرى  
 سكن بنسابور، عبيد الله بن محمد بن ابراهيم بن جبرئيل ابوبكر النيسابوري،  
 عبيد الله بن ابي ذرين بن ابي رجا النيسابوري، عبيد الله بن محمد بن عبد الرحمن بن مخلد

الدهان الباخى ، عبيد الله بن منصور بن عبدالله الكلاخى المصرى الشاعر ، عبيد الله بن محمد المتكلم النيسابورى ابونصر ، عبيد الله بن محمد بن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهد الباخى ، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعيد ابو محمد بن ابى بكر الجرجاني ولكن ابوه جرجانيا وهو نيسابورى ، عبد الرحمن بن احمد بن حمدويه المؤذن ابوسعيد بن ابى حامد النيسابورى ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهد البغدادي ، عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهيم التميمي النيسابورى الدهان ، عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضي ابو محمد الجرجاني عبدالرحمن بن على بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن ابوالفضل التميمي النيسابورى و كان من وجوه نيسابور ثروة وشهامة ومروءة ، عبدالرحمن بن محمد بن حسبكا ابوسعيد الحاكم العري ، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ ابونصر العتيلى النيسابورى ، عبدالرحمن الحسن بن يعقوب الصوفى ابوالقاسم بن الحسن الحداد النيسابورى ، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقيه ابوالوليد النيسابورى ، عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوالحسن بن اسحق المزكى النيسابورى ، عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمعويه ابوسعيد النيسابورى ، عبدالرحمن بن احمد بن جعفر ابوالقاسم الشيباني النيسابورى عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفى النيسابورى ابوالقاسم الحجاج حجاج بن ثلثين حجة مدفون في مقبرة الحسين بن معاذ وهو مات بنساحم تابوته الى نيسابور ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزي ابو محمد النيسابورى ، عبدالرحمن بن على بن محمد الترمذي ابوالقاسم صاحب الترمذ ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ ابو بكر السرخسى عبدالرحمن بن محمد بن الحسن ابو محمد النصر آبادى النيسابورى ، عبدالرحمن بن حمدان الصيدلانى الزمجارى النيسابورى ، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اسحق وجده امام اهل ابوبكر محمد بن اسحق وهو نيسابورى ، عبدالرحمن بن محمد بن

احمد بن بالويه ابو محمد المزكى النيسابورى ، عبد الرحمن بن احمد بن محمد بن  
 ابراهيم من اولاد سعد بن عباده الخزرجى الانصارى رضى الله عنه ابو محمد بن ابي عمرو  
 العمارى النيسابورى ، عبد الرحمن بن الحسن بن على ابو سعيد بن احمد بن على الصفار  
 النيسابورى ، عبد الواحد بن احمد بن عمر بن عبد الرحمن القرشى ابو عمر والكندرى ،  
 عبد الواحد بن محمد بن الشاه ابوالحسن الصوفى الشيرازى ، عبد الواحد بن احمد بن  
 القسم من ولد عبد الرحمن بن عوف وهو ابن ابي الفضل المعتكلم الاشعرى ، عبد الواحد بن  
 محمد بن عبد الرحمن ابوالحسن النيسابورى ، عبد الواحد بن على بن عبد الله ابواليسار  
 المروزى عبد الواحد بن عبد العزيز بن الحارث التميمى ابوالحسن الواعظ الحنبلى ،  
 عبد الصمد بن احمد بن الحسين بن على الزيرى ابو ذر القارى النيسابورى ، عبد الصمد بن  
 محمد البخارى ابو محمد الحافظ النيسابورى ، عبد الحميد بن عبد الرحمن بن  
 الحسين القاضى بن القاضى ابوالحسن بن ابي سعيد النيسابورى وكان من افراد زمانه و  
 من الدين به افتخار الاهل زمانه لاهل نيسابور خاصة توفى ببخارا رضى الله عنه حمل  
 تابوته الى نيسابور ، عبد العزيز بن احمد بن محمد اسحق ابو احمد الوراق النيسابورى ،  
 عبد العزيز بن عبد الملك بن نصر الاموى ابو الاصبع الاندلسى ، عبد الصمد بن محمد بن  
 محمد بن اسحق الزاهد الصوفى ابو نصر بن احمد الصفار النيسابورى ، عبد العزيز بن الحسن  
 بن احمد بن الدار كى الاصبهانى ابوالقاسم الفقيه ، عبد العزيز بن محمد بن الحسن الفقيه  
 ابو الفضل البصرى ، عبد العزيز بن محمد بن الجترى الدامغانى ابو محمد التاجر ، عبد العزيز بن  
 محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النيسابورى ، عبد المؤمن بن  
 عبد الملك ابو نصر الدهستانى ، عبد الرحيم بن محمد بن يحيى القاضى النيسابورى ،  
 عبد الوهاب بن حمزه بن نصر ابو ابراهيم الجرجانى عبد الجليل بن مذكور بن ثابت ابو  
 محمد السعدى ، عبد الملك بن محمد بن ابراهيم ابو سعيد بن ابي عثمان السواعظ

ابوذر النيسابوري وكان شيخ بنشابور في عصره ، قيس بن طلحه بن احمد الفارسي  
ابومازن ، قاسم بن عبدالله بن محمد العدوي ابو نصر الجوهري النيسابوري ، قناده بن  
محمد بن احمد بن عمر النيسابوري ، كثير بن احمد الوزير ابو منصور العميد القائني  
يتولى بنشابور نيفا وثلاثين سنة ومات بهامخمل الى قايين ، كامل بن احمد بن محمد  
ابن جعفر المفيد النيسابوري ، ليث بن طاهر بن الليث ابو نصر النيسابوري ، ليث بن  
نصر بن جبرئيل البخاري ابو نصر الفقيه ، محمد بن احمد بن محمد بن زيد المعدل  
ابو علي بن حيكان النيسابوري ، محمد بن احمد بن بالويه الجلاب ابو محمد  
المحدث النيسابوري ، محمد بن احمد بن طه الاصميهاني ابو عبدالله ، محمد بن  
احمد بن سعيد ابو جعفر الرازي ، محمد بن احمد بن محمد بن عقبه القاضي ابو احمد  
الحنفي المروزي ، محمد بن احمد بن عبدالله ابو الحسن الصفار النيسابوري ، محمد بن  
احمد بن زكريا ابو الحسن بن زكريا كان من افاضل شيوخنا و هونيسابوري و  
مدفون بمقبره شاهنير ، محمد بن احمد بن الحسن الحيري النيسابوري ابو الطيب  
المنادلي ، محمد بن عبدالله بن محمد الفقيه ابوبكر البخاري ثم الاودمي ، محمد بن  
احمد بن محمد بن ابو الحسين المعادي الحسن الاريب النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
محمد بن ابي الحيري ابوبكر بن ابي الحسين الغازي النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
شعيب بن هارون ابو احمد الشيبني العدل النيسابوري ، محمد بن احمد بن اسحق بن  
ابراهيم الصيدلاني ابو عمرو بن ابي بكر العدل المتطيب النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
حمدون بن الحسن بن يزيد ابو بكر الطيب المذكر النيسابوري ، محمد بن  
احمد بن اسحق ابو عمرو الصغير و لقد كان كبيراً في العلوم و العدالة و هونيسابوري ،  
محمد بن احمد بن بشر الصوفي ابو منصور الحيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
حمدان ابو عمرو بن ابي جعفر الحيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن موسى

النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابو عمرو بن ابي الحسين السحري  
 النيسابوري ، محمد بن احمد بن حاض الطوسي ابو بشر الحاضري ، محمد بن احمد الخالدي  
 النيسابوري ، محمد بن احمد بن الحسن ابو الفضل الصابع النيسابوري ، محمد بن  
 احمد بن ثابت البزاز ابو الحسين البغدادي ، محمد بن احمد بن جعفر ابو نصر الطوسي ،  
 محمد بن احمد بن عبدوس ابو الحسن الحاتمي النيسابوري ، محمد بن احمد بن  
 عبد الاعلى ابو عبدالله المغربي ، محمد بن احمد الفقيه ابو بشر الاديب الشرطي ،  
 محمد بن احمد بن ابي الفوارس ابو الفتح البغدادي ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب  
 الواعظ ابو بكر الاسفرائيني ، محمد بن احمد بن يزيد ابو بكر الاصبهاني ولكن ابو بكر  
 النيسابوري و ابو ه كان اصفهانيا ، محمد بن احمد بن الحسين السمسار النيسابوري  
 ابو طاهر الطاهري ، محمد بن احمد بن محمد بن محمد بن خاقان ابو عبدالله البخاري  
 محمد بن احمد بن يحيى الفقيه ابو الفضل الترمذي ، محمد بن احمد بن محمد التميمي  
 ابو العباس بن ابي الحسن السايطي النيسابوري ، محمد بن احمد بن عبدالله السكري  
 ابو احمد المسكي النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد حفص الحرشي ابو نصر النيسابوري  
 محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومي النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد  
 الطوسي ابي بكر بن ابي تراب المسافري النوقاني ، محمد بن احمد بن علي ابو بكر  
 القاضي الفارسي ، محمد بن احمد بن حسويه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوي  
 النيسابوري من كبار مشايخ التصوف مدفون في مقبره شاهنير ، محمد بن احمد بن محمد  
 محمود ابو الحسن المراجمي النيسابوري نفقه عند الاستاد ابو الوليد ، محمد بن احمد بن  
 عمر الخفاف ابو نصر النيسابوري ، محمد بن احمد بن الحامد ابو الحسن العطار النيساري  
 محمد بن احمد بن سهل ابو سهل الوراق الزوزني ، محمد بن احمد بن عمرويه النيسابوري  
 محمد بن احمد بن علي ابو الحسن الصنعى الخنجرودي النيسابوري ، محمد بن احمد بن



محمد الفقيه ابو بكر بن ابي سعيد النسوي، محمد بن احمد بن علي بن عبدالرحيم  
 ابوالحسن بن ابي احمد الصفار النيسابوري، محمد بن احمد بن سعيد ابونصر بن  
 ابي سعيد الوالي النيسابوري، محمد بن احمد بن علي بن شعيب ابوبكر انكريسي النيسابوري  
 من خاندان الدستي، محمد بن احمد بن عبد الله الاردبيلي ابوالعباس الوراق، محمد بن  
 الحسن بن سعيد الجرجاني ابوبكر الوراق، محمد بن احمد بن محمد بن عقيل ابوبكر  
 القطان النيسابوري، محمد بن احمد بن سعيد الانماطي البخاري ابو محمد، محمد بن  
 احمد بن موسى القاضي ابو عبد الله الحازني الداري، محمد بن احمد بن يحيى الفقيه  
 ابونصر السرخي، محمد بن احمد بن بالويه ابو منصور الكسايني النيسابوري، محمد بن  
 احمد بن يعقوب المذكي ابو عبد الله الاديب، محمد بن احمد بن علي بن نصير المعدل  
 ابو عبد الله النصيري النيسابوري، محمد بن احمد بن عبدوس ابوبكر بن ابو علي بن عبدوس  
 النيسابوري المذكي، محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمي ابو الفضل المذكي  
 النيسابوري و اكثر شيوخ نيشابور في العدالة، محمد بن ابراهيم بن عمران بن موسى  
 الجوزي ابوبكر النحوي من جور فارس، محمد بن ابراهيم بن علي حسويه الزاهد  
 ابوبكر الوراق النيسابوري وكان من البكاين من خشية الله تعالى حتى لقب بالبكاء  
 محمد بن ابراهيم بن الحسن موسى المناشكي النيسابوري ابو العباس المحاملي،  
 محمد بن ابراهيم الفامي ابوبكر النيسابوري، محمد بن ابراهيم بن نصر ابو عبد الله الاربندی  
 محمد بن ابراهيم بن اسحق ابوبكر الصانع، محمد بن ابراهيم بن ابي عمران الامير بن  
 الامير ناصر الدولة ابي الحسن النيسابوري، محمد بن ابراهيم بن حمش ابو عبد الله  
 النيسابوري نزيل نسا، محمد بن ابراهيم بن يحيى الاديب ابو عمرو البشتي وانشد  
 في ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضها هذا

ودع فكر جرجان فان شيو خنا      ببلدة نيسابورا على فما الحزن

فيحيى بن يحيى لا يقاس بغيره  
 و تابعهم اسحق لله درة نعم  
 ابوالاظهر المفضل ثم ابن هاشم  
 فمن مثلهم في حفظهم ومحلهم  
 ومنا ابن اسحق الخزيمي شيخنا  
 ولقد كان للاسلام ركنا ومركزاً  
 و منا ابو عمر بن نصر رئيسنا  
 و نفخر بالسراج فخراً مواظباً  
 حسين و جاور دنيا و مسدد  
 ولم اطمأن الا بذكر مفضل  
 و بعدهم الشوقي ثم مؤمل  
 ومنا ابو عثمان ثم محمد  
 ومنا الاديب الاريجي الذي مضى  
 ومنا الفقيه البيهقي محمد  
 و منا الرئيس الفاضل ايسد  
 اقول له والعقول منى تحيت  
 و منا من الاحياء طال بقاءهم  
 كمثل ابي بكر بن اسحق صدرنا  
 ومنا من الاصحاب قامومنه  
 لقد بلغوا في الدين اشرف خطبه  
 و حسان ميف الله و الصارم الذي

كلاك به عزا اذ اكنت ممتحن  
 و الر باطى فضلمهم غير مكتمن  
 ومسلم ارباب الحديث فلا تبجن  
 فانارهم يسعى و تدفع في المحن  
 ومفخرنا شيخ قوم المشايخ والزمن  
 فبقى الله قبراً فيه ذا شيخ مندفن  
 به عرف العز الذي اهله سكن  
 و با لحيى من او ضحو السنن  
 وعن جعفر بن العام بالحفظ مقرر  
 ابي طالب كن بذكره مطمئن  
 اثلت با لمكى يا حيد القران  
 غيب ابا بكر افردياة اذن  
 ابوالقاسم الشيخ المذكور وامن  
 فكيف الطبارى وموفى اللحد والكفن  
 الذى بنصرته لم ترتفع راس  
 سلام على الرئيس ابي الحسن  
 دوام لهم فضل و عبر بلا شحن  
 امام الا سباب الفرائض والسنن  
 هو البقى الطالب الحمد بالثمن  
 ويحيى بن منصور و هم سادة الزمن  
 بدين به ولم يقر والم يدن

عليهم صلوة الله ما در سارق      رياساح قمرى على شعبالن  
وكل فقيه حاكم و مذكر      فمنا ابراهيم المداين والفظن

محمد بن ابراهيم بن على النيسابورى ابوالعباس من رستق باخرز ، محمد بن  
ابراهيم بن سعيد ابوجعفر البوشنجى ، محمد بن ابراهيم بن ابو عثمان الزاهد النيسابورى  
وكان من الصوفيد العباد رحمة الله عليه ، محمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد الصنعى  
ابوالعباس اخو شيخ ابوبكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن يحيى ابوبكر الكسامى  
النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن نصر الوكيل ابوبكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم  
ابو سعيد الاديب النيسابورى ، محمد بن اسحق بن محمد بن يحيى الاصفهاني ،  
محمد بن اسحق بن محمد المعدل ابوالحسن المولقا بادي النيسابورى ، محمد بن  
اسحق بن بشرويه الزاهد من قرية ازاء ابوجعفر الزائى ، محمد بن اسحق بن محمد  
السجستاني ابوالحسن النيسابورى ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعيد الكرايسى  
النيسابورى المعروف بالبصرى ، محمد بن بكر بن بشر البونى ابو عبدالله الفقيه ،  
محمد بن بسطام الحسن ابوجعفر الاستوائى ،

محمد بن جعفر بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب رضى الله  
عنهم السيد ابوجعفر الموسوى وكان اوحد الاشراف فى عصره ، محمد بن جعفر احمد بن  
موسى الفقيه الاديب ، ابوبكر بن ابي جعفر المزكى البشتى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم بن  
يوسف ابوبكر القامى النيسابورى ، محمد بن جعفر بن محمد بن مضر العدل ابو عمر و  
الزاهد النيسابورى محمد بن جعفر بن محمود ابو سعيد الهروى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم  
النسوى ابوجعفر ، محمد بن جعفر بن الحسين بن محمد بن المفيد ابوبكر البغدادي ،  
محمد بن الحسن بن ابوطاهر المحدث آبادى النيسابورى ، محمد بن الحسن بن  
على بن بكر العدل ابوالحسن النيسابورى ، محمد بن الحسن بن الحسين التاجر العدل

ابو الحسن من اجل مشايخ العالم النيسابورى ؛ محمد بن الحسن بن احمد بن اسمعيل  
 ابو الحسن المقرئ السراج النيسابورى ، محمد بن الحسن المولقبادى ، محمد بن  
 محمد الصوفى ابو العباس البغدادى ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابو عبد الله  
 الجرجانى الحسين ، محمد بن الحسن بن فواك ابو بكر الاصبهاني ، محمد بن  
 الحسن بن ثابت ابوبكر النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمى  
 ابو الحسن الكرايسى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن الجرجانى  
 محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن المادى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن  
 يحيى ابوجعفر المؤدب البشتى ، محمد بن الحسين الجرجانى ابو الحسين الخياطى  
 النيسابورى الوراق امام نيشابور ، محمد بن الحسن بن زيد ابو احمد الوراق الطوسى  
 محمد بن الحسين ابو عبد الله الانبارى الموضحى ، محمد بن الحسين بن داود الحسينى  
 العلوى ابو الحسن النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن داود بن على ابو  
 على الحسينى النيسابورى العلوى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن موسى السمسار  
 النيسابورى ابو سعيد ، محمد بن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسابورى  
 محمد بن الحسين بن موسى السلمى ابو عبد الرحمن النيسابورى ، محمد بن الحسين بن  
 محمد ابو الفضل قاضى المعروف بالحدادى النيسابورى ، محمد بن الحسين الفقيه  
 ابو عمرو البسطامى ، محمد بن حاتم الكشى ، محمد بن حيان التميمى ابو حاتم البشتى  
 القاضى ، محمد بن حبيكان ابو الحسن السحورى النيسابورى ، محمد بن حفص بن عمر  
 ابو العباس النيسابورى المعروف بالهروى ، محمد بن حيان الصوفى ابوبكر صاحب  
 الاحوال مدفون فى مقبرة الحسين رضى الله عنه ، محمد بن محمد بن حامد بن محمود  
 القطان ابو العباس السامانى النيسابورى ، محمد بن حامد بن امة النيسابورى ، محمد بن  
 حامد بن على ابوبكر النجارى ، محمد بن حام بن متك النيسابورى ابو عبد الله الحمال

ظفر بن محمد العلوي الحسيني المصنف العالم النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن  
 عبدالله بن احمد ابو عبدالله الصفار الاصبهاني محدث عصره بخراسان و كان مجاب  
 الدعوة لم يرفع الاكما بلغنا اربعين سنة توفي رضي الله عنه في سنة تسع وثلثين  
 ثلثمائة و دفن في داره في سلمة الغنبي ، محمد بن عبدالله التاجر ابو عبد الرحمن  
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن دينار العدل ابو عبدالله النيسابوري ، محمد بن عبدالله  
 بالويه ابو جعفر الساعاني النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابوبكر النيسابوري  
 محمد بن عبدالله بن محمد ابو عبدالله المزني اخو الشيخ المزني توفي بنيسابور ،  
 محمد بن عبدالله بن محمد بن صبيح العمري النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن عبدالله  
 بن محمد الرازي ابو الحسين ، محمد بن عبدالله بن جمشاد الغازي ابوبكر النيسابوري ،  
 محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر المزني ابو الحسين الهروري ، محمد بن عبدالله بن  
 عبدالعزيز ابوبكر الرازي ، محمد بن عبدالله بن قریش الوراق الريديجي النيسابوري ، محمد  
 بن عبدالله بن ابراهيم ابو الحسن السليطي النيسابوري ، محمد بن عبدالله محمد  
 الاسقرايني ، محمد بن عبدالله بن ابراهيم ابوسعيد الزاهد المروزي ، محمد بن عبدالله  
 ابن ابو جمشاد ابو منصور النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن الحسن السميري النيسابوري  
 محمد بن عبدالله الشيباني ابوبكر بن الحسن المعدل النيسابوري ، محمد بن عبدالله  
 البزازی البخاري ، محمد بن عبدالله بن يعقوب ابوبكر النيسابوري ويعرف بالنسال ،  
 محمد بن عبدالله بن شويه الهمداني ، محمد بن عبدالله بن الحسين الفقيه ابوبكر الصنعی  
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن احمد البوشنجي ابوبكر الواعظ الصوفي ، محمد بن  
 عبدالله الفضل الفارسي ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعيل ابو جعفر  
 الاديب الرئيس النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابوبكر الفارسي محمد وعلي  
 انباء عبدالله بن محمد الدورقي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن ادريس ابو عبدالله ، محمد بن

عبدالله بن جمشاد ابو سعید الحاسب النيسابوري، محمد بن عبدالله بن حمدون  
 ابو سعید النيسابوري، محمد بن علي بن الحسن الحسيني مولده بهمدان و منشأؤه  
 بمراق رضي الله عنه، محمد بن علي بن الحسين ابو علي الاسفرائيني، محمد بن علي بن  
 الخليل الزمجارى ابوبكر التاجر النيسابوري، محمد بن علي بن علي ابو علي البرنودي  
 النيسابوري، محمد بن علي بن احمد الجلاب ابو منصور الفرسى، محمد بن علي بن  
 محمد بن الحسن الطوسى، محمد بن علي بن الحسن ابو الخياط النيسابوري  
 وكان معجب الدعوة، محمد بن علي الدمشقى ابوبكر، محمد بن عبدالله الكلاتى ابو  
 احمد النيسابوري، محمد بن علي الاديب ابو العباس الكرخى، محمد بن علي بن اسمعيل  
 ابوبكر القفال الشاشى امام عصره بماوراء النهر، محمد بن علي بن الحسين ابوبكر  
 المودل النيسابوري، محمد بن علي عبدالله الزوزنى، محمد بن علي بن محمد بن يحيى  
 النيسابوري، محمد بن علي بن مومل النيسابوري، محمد بن علي العلوى ابو جعفر  
 اليماني، محمد بن علي بن عمرو الاصهباني ابو سعيد، محمد بن علي بن الحسن ابوبكر  
 المروزي، محمد بن علي سهل ابو الحسن الماسرخسى، محمد بن علي بن بكر  
 النيسابوري، محمد بن علي بن محمد ابو علي المودن النيسابوري، محمد بن علي بن  
 الزراد ابو عبدالله البصرى، محمد بن علي بن محمد الرازى ابو الحسن القامى النيسابوري  
 محمد بن عبيدالله بن محمد ابوبكر بن عبيد النيسابوري، محمد بن عبيدالله ابراهيم  
 بالويه ابو القاسم النيسابوري، محمد بن عبد الرحمن بن محمد ابو الحسين بن ابي  
 القاسم النيسابوري، محمد بن عبد الرحمن بن محمد ابو العباس مامله ابي العباس  
 الذئولى السرخسى، محمد بن العباس بن احمد الصنى ابو عبدالله الهروى الوجيه  
 الرئيس العالم رضي الله عنه، محمد بن العباس بن حمويه ابوبكر الصيدلانى النيسابوري  
 محمد بن العباس احب محمد بن جرير ابوبكر الاديب الخوارزمى، محمد بن العباس بن

محمد بن قوهنارا بوبكر الكساسى النيسابورى، محمد بن عيسى بن محمد ابوصالح بن  
 عيسى. احمد مشايخ خراسان، محمد بن على بن عبدل ابواحمد الجرجاني، محمد بن  
 عيسى بن محمد بن عبد الرحمن ابو احمد الحلوى النيسابورى من كبار عباد الصوفيه،  
 محمد بن عبدالعزيز بن عبدالله بن ابراهيم ابو على الزعوزى النيسابورى، محمد بن  
 عبدالعزيز بن على الحشتاب ابو الحسين، محمد بن عبدالعزيز بن على ابوبكر الجرجاني  
 محمد بن عبدوس المقرئ ابوبكر المفسر، محمد بن عمر بن قتادة بن نظر ابو الحسن  
 الزميجارى النيسابورى، محمد بن عبدان ابو عبدالله خادم الجامع بنيسابور النيسابورى  
 محمد بن عمر بن محمد الاسفرائينى ابوبكر الفقيه، محمد بن عبدوس بن الحسين  
 ابو عبدالله السمسار النيسابورى، محمد بن عون بن اسحق المروزى ابوسعيد الزاهد،  
 محمد بن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد  
 الكرايسى ابو احمد الوراق النيسابورى وكان من المعروفين بطلب الحديث فى الشرق  
 والغرب، محمد بن الفضل بن محمد اسحق المذكر ابوسعيد المقرئ النيسابورى، محمد بن  
 الفضل بن العباس الشافعى ابو الفضل النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق  
 خزيمه ابوطاهر النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد الاديب البلخى الريعى، محمد بن  
 الفضل بن محمد الفقيه ابوبكر اهل بخارا، محمد بن الفضل بن لولو الحلوانى ابو الحسين،  
 محمد الفتح الانماطى ابو العباس المعلى، محمد بن القسم بن عبد الرحمن ابو منصور  
 الصنعى النيسابورى، محمد بن القسم بن محمد بن الحسين الكرايسى النيسابورى،  
 محمد بن القاسم محمد بن بشر بن سالم الفارسى ابوبكر، محمد بن كافور بن كافور مولى  
 احمد بن خديقه، محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغدادى ابو جعفر التاجر  
 محدث خراسان فى عصره، محمد بن محمد بن يوسف ابونصر الامام الطوسى، محمد بن  
 محمد بن الحسن الشيبانى ابواحمد النيسابورى، محمد بن محمد بن يوسف المقرئ

ابوبكر البخاري اللجاني ، محمد بن محمد بن مجمش ابو عهر الزناطي النيسابوري ،  
 محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمي الحنفي ابو الفضل الوزير عالم مرو رحمة الله  
 محمد بن محمد بن علي العطار ابو سعيد النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد ابوبكر  
 البلخي ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق ابو الحسن الحرابي النيسابوري ، محمد بن  
 محمد بن جعفر ابوبكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن جعفر بن مطر ابو احمد بن ابي  
 عمر والمعدل النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق القاضي ابو احمد الحافظ  
 امام عصره وصنف على كتاب مسلم البخاري وعلى كتاب ابي عيسى الترمذي وصنف  
 كتاب الاسامي والكنى والعلل والمخرج على كتاب المزني وكتاب الشروط وصنف  
 النسوح والابواب توفي رحمة الله يوم الخميس الرابع والعشرين من الربيع الاول سنة  
 ثمان وسبعين وثلاث مائة وهو ابن ثلث وتسعين سنة وصلى عليه الرئيس في ديوان الجين  
 ودفن في داره ، محمد بن محمد بن حامد الترمذي ، محمد بن محمد بن عبدان ابو سهل بن  
 ابي عبدالله النيسابوري ، محمد بن محمد بن الحسن الكندي وهي قرية على فرسخ  
 من البلد ، محمد بن محمد بن اسحق بن النعمان العدل ابو احمد الصفار النيسابوري ،  
 محمد بن محمد بن عبدوس المقرئ ابو عمر والزاهد الانماطي النيسابوري ، محمد بن  
 محمد بن الحسين الترمذي ابو سهل ، محمد بن محمد بن يعقوب الحافظ المقرئ ابو الحسين  
 الحجاجي النيسابوري ، محمد بن محمد بن اسمعيل بن منصور النخعي ابوبكر النيسابوري  
 محمد بن محمد بن عبدالله بن عمرو الجرجاني ، محمد بن محمد بن علي النسوي ابو احمد  
 المعروف بالبغدادى ، محمد بن محمد بن يحيى بن عامر الفقيه ابو الحسين الاسفرائني ،  
 محمد بن محمد بن داود السجري العدل ابوبكر ، محمد بن محمد بن عبدالله ابو الحسين  
 بن ابي عبدالله المزني النهروني ، محمد بن محمد بن اسحق الثقفي ابو عمرو ابي العباس  
 السراج النيشابوري ، محمد بن محمد بن ابو زرعة الكشي ، محمد بن محمد بن الحسن بن



علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سیبویه بن شاپور الذی بنا بنسابور الفقیه  
 الحاکم ابوالحسین الصفار النیسابوری، محمد بن محمد بن شاده الزاهد ابوالخیر  
 الکرایمی النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد ابوعمر والفامی النیسابوری، محمد بن  
 محمد بن علی بن الحسن بن قتیبه، محمد بن محمد بن احمد الفقیه ابوسعید المظوعی النسابوری  
 محمد بن محمد بن سمعان الحیری ابومنصور المذکر النسابوری، محمد بن محمد بن  
 احمد بن عثمان البغدادی ابوبکر الطرازی، محمد بن محمد بن سعید المعدل ابوطاهر  
 بن الکسکری النیسابوری، محمد بن محمد بن سعد الانماطی النیسابوری و يعرف بابی  
 الحسین المدني، محمد بن محمد بن اسحق السعدی ابواحمد الهروی، محمد بن محمد بن  
 رجا الامین ابونصر الزمام علی الغنی النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد المعدل  
 السراج ابوبکر النیسابوری، محمد بن محمد بن عبداللہ بن محمد بن صبیح العمری  
 النیسابوری، محمد بن محمد بن الحسین الکرایمی ابوعبداللہ الخالیدی، محمد بن  
 محمد بن عبداللہ المظوعی ابومنصور النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن انس  
 ابونصر بن ابی الفضل المصرام النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن عبداللہ السلمی  
 النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن احمد بن اسحق الکرایمی النیسابوری، محمد بن  
 محمد بن اسمعیل الزاهد ابونصر الکرایمی النیسابوری، محمد بن محمد بن سهل بن  
 ابرهیم النیسابوری ابونصر امام اهل الراى بخراسان، محمد بن محمد بن احمد الفروزی  
 ابوالفضل الروحی، محمد بن محمد بن الفضل الخفاف ابوعمر والقهندری النیسابوری  
 محمد بن محمد بن ابراهیم بن سیمجور، محمد بن محمد بن عزیز بن محمد ابوالحسن  
 درست محمد بن محمد بن عبداللہ بن ادیس ابوعبداللہ الاسترآبادی، محمد بن محمد بن  
 ابو عمرو الرازی، محمد بن عبدالرحمن النیسابوری ابوبکر، محمد بن المومل بن  
 الحسین الماسرخسی النیسابوری وكان احدا وجوه خراسان رضی الله عنه

وما حالنا الا نلث شباب ثم شيب ثم موت ومن انساده في وقت دخوله على بعض الوزراء  
 الم تى انى ازور الوزير وامدحه ثم استغفر واثنى عليه ونثنى على وكل لصاحبه فسخر،  
 محمد بن موسى بن عمران الفقيه ابو الحسن الصيدلانى ، محمد بن محمد بن موسى  
 الحسين بن الثعلبى ابو الحسن الكوفى ، محمد بن موسى بن عمران ابو جعفر المودن  
 الطوسى ، محمد بن موسى بن القاسم ابو سعيد الدباس النيسابورى ، محمد بن نصر بن  
 البغدادى ابو عبدالله البراز ، محمد بن نصر الطبرى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن الوليد  
 ابو العباس الزوزنى ، محمد بن هشام ابو عبدالله المروزى ، محمد بن يعقوب بن يوسف  
 الاموى مولا هم ابو العباس الاصم النيسابورى رضى الله عنه وارضاه مدفون فى مقبره  
 شاهنبر ، محمد بن يعقوب بن يوسف القشيبانى ابو عبدالله الاحرم الحافظ وكان يعرف بن  
 الكرمان ولكن هو نيسابورى وله تصانيف كثيرة وهو صدر اهل الحديث فى زمانه  
 رضى الله عنه وارضاه ، محمد بن يعقوب النحوى الاصهبانى ، محمد بن يعقوب بن اسحق  
 ابو مصعب الاسفرائينى ، محمد بن يوسف بن حمدان ابو جعفر التاجر النيسابورى ، محمد بن  
 يوسف ربحان التجارى الامير ابو الفضل ، محمد بن يوسف بن ابراهيم المودن ابو عبدالله  
 الدقاق النيسابورى ، محمد بن يوسف بن يعقوب ابو سعيد السوسى ، محمد بن يحيى  
 ابن محمد بن عبدالله العنبرى ابو العباس بن ابي زكريا النيسابورى ، محمد بن يزيد بن  
 محمد العدل اخو عبدالله الزاهد النيسابورى ، منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى  
 ابو صادق نيسابورى ، منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى ابو نصر البخارى ، منصور  
 بن عبدالله خالدهلى ابو على ، منصور بن عبد الرحمن بن الحسين ابو احمد النيسابورى مكى  
 بن احمد بن سعدويه البردعى ابو بكر ، مسيب بن محمد بن مسيب ابو عمر و ابي عبدالله الارغيانى  
 موسى بن محمد بن موسى ابو المعشر المالينى ، سعيد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى  
 الطبرى ، موفق بن محمد بن الجراح الاديب ابو سعيد الهرورى ، محمود بن الحسين بن

محمود ابو حامد القطان النيسابوري ، محمود بن محمد بن محمود ابو محمد  
المطوعي من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابو منصور الدهقان القندشني النيسابوري  
منصور بن عبدالله بن حمزه ابو نصر بن ابو نصر النيسابوري ، معاذ بن محمد الحسين المعدل  
ابو الحسن الانماطي المعروف بالمعادي النيسابوري منه المثنان بن محمد بن سلمويه  
ابو رشيد العدل النيسابوري ، مطهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،  
مسلم بن عبدالعزيز اليماني ابو عبدالله الخصيب نوح بن قلع بن احمد بن ابو حاتم  
النيسابوري ، نصر بن محمد بن احمد بن يعقوب ابو الفضل الطوسي ، نصر بن حاتم بن  
بكر بن ابو الليث الشاشي ، النصر بن محمد بن احمد بن محمد ابو القاسم المحمي  
النيسابوري ، نصر بن محمد بن عبد الملك الصوفي الاندلسي ، النعمان بن محمد بن  
محمود بن احمد بن الحسن الطوسي ابو الحسن الروغندي ، النعمان الجرجاني ابو نصر ،  
ناصر بن محمد بن ابي المعالي المروزي ، نعيم بن الحسين الجرجاني ابو الحسين التاجر  
ناصر بن عبد الرحمن بن ناصر ابو نعيم الجرجاني ، وليد بن احمد بن محمد الوليد  
ابو العباس الزوزني ، وليد بن بكر بن مخلد بن ابي زياد العمري ابو العباس الفقيه المالكي  
الاندلسي ، هارون بن احمد بن هارون ابو سهل الاسترابادي ، هارون بن محمد هارون  
الصوفي ابو سهل الحياطي النيسابوري ، هارون بن محمد الازواري الجويني ابو موسى  
هبة الله بن الحسن الاديب النحوي العلامة ابو بكر الفارسي ، هشام بن محمد بن بكر  
ابو نصر السرخسي ، لاحق بن الحسن بن عمران ابو عمرو والوراق البغدادي ، يحيى بن  
منصور بن يحيى عبد الملك ابو محمد الحاكم العالم الدين النيسابوري الجروذي ،  
يحيى بن محمد بن عبدالله بن العتير بن عطا مولا ابي خرقا السلمي ابو زكريا العنبري  
النيسابوري ، يحيى بن محمد بن احمد بن محمد الحسيني العلوي ابو محمد ابي الحسين  
بن ابي زياره النيسابوري رضي الله عنه ، يحيى بن محمد بن سهل الاسفرائيني ابو زكريا

يحيى بن محمد بن احمد المقرئ ابو بشر القطان النيسابوري قريب محمد بن اسحق،  
يحيى بن عمرو بن صالح بن محمد بن يحيى ابو زكريا البشتي، يحيى بن احمد بن ابو  
عمرو المخلدي النيسابوري، يحيى بن اسمعيل بن يحيى المزكي ابو زكريا الحرابي  
النيسابوري، يحيى بن يحيى بن عبدالله ابو زكريا المحسودي اثخاري، يحيى بن  
محمد بن احمد بن المذكر الطوسي ابو زكريا، يحيى بن محمد يحيى المعدل ابو القاسم  
الصدلاني النيسابوري، يحيى بن زكريا بن الشاه السرخسي ابو منصور، يحيى بن  
احمد بن ابو زكريا بن ابي طاهر السكر، النيسابوري، يحيى بن عبد الرحيم بن يحيى  
ابو زكريا الحيري النيسابوري، يحيى بن عثمان الواعظ السجستاني ابو زكريا، يوسف بن  
يعقوب بن اسحق، يوسف بن احمد بن سليمان الديري عالي، يوسف بن يعقوب بن ابراهيم  
البغوي ابو يعقوب، يوسف بن اسحق الققيه ابو الحسين الجرجاني، يوسف بن اسمعيل بن  
يوسف ابو يعقوب الساوي، يوسف بن محمد بن محمد بن يوسف ابو الجراح الطوسي  
يعقوب بن احمد بن محمد بن يعقوب الخسر وجردي ابو يوسف السبيعي، يعقوب بن محمد  
بن اسحق بن يزيد ابو يوسف المذكر النيسابوري، ياسين بن محمد بن محمد بن  
ياسين ابو يوسف النيسابوري

قال الحاكم الامام ابو عبد الله الجايف النيسابوري وقع الفراغ

بعون الله وحسن تقديره شهر رمضان سنة ثمان وثلاثمائة

فذكرت بعد الاربعين سنة منها شيوخى واخوانى الذين استعدت عنهم حديثاً  
او حكاية او انشاداً وخررت من العلوم الى هذا الشهر فعلقت وفاة من توفي من هذا الوقت،  
عبيد الله بن محمد بن عبدالله ابو الفضل القامي النيسابوري ابو علي بن ابي الصامت بن ابي  
محمد النيسابوري، محمد بن احمد بن محمد السجستاني النيسابوري، العباس بن

ابي القاسم الرمكى الوزير النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد ابو الوفاء البزاز النيسابورى  
 محمد بن محمد بن على بن سهل بن مصلح القتيه ابوبكر الماسر خسى النيسابورى ، ابوبكر  
 بن محمد بن محمد بن على بن بكر النيسابورى ، عبد العزيز بن عبدالله محمد بن عبد العزيز  
 ابو عمرو النيسابورى المعروف بابى عبدالله الهررى ، يحيى بن يحيى بن احمد بن ابوزكر ياعمر و  
 الخلدى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن الحسن الاصبهاني المقرئ ، مهدي بن محمد بن  
 محمد ابوسلمة الصيدلانى النيسابورى محمد بن عبدالله ابو العباس الزاهد السخيتاني  
 النيسابورى عبدالرحمن بن محمد بن احمد ابو القاسم بن ابي بكر المسكى التاجر النيسابورى  
 عبدالله بن احمد بن محمد الماسر خسى النيسابورى ابو محمد ، محمد بن احمد بن عبدالله بن  
 سليمان السليطى ابو عمرو والنيسابورى ، ختن ابي بكر بن اسحق محمد بن عبد الاعلى بن  
 محمد بن ابوبكر الشاهد النيسابورى ، محمد بن احمد بن حبيب ابوسهل المقرئ النيسابورى  
 ابراهيم بن محمد الاصبهاني ابواسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابو حاتم القهندري ،  
 فاطمة ام على بنت ابي جعفر النيسابورى ، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد ابوسهل بن  
 اخو الحاكم المصنف النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن ابراهيم ابو الحسين النيسابورى  
 ابو على ، الحسين بن شيخ الرئيس ابي الحسين النيسابورى ، علي بن عبدالله محمد بن  
 جعفر ابو الحسن اليبسكى احمد بن عبد الحميد بن عبدالرحمن النيسابورى ، محمد بن  
 احمد ابوبكر الفرائضى البطحى النيسابورى ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الرومى ابو  
 محمد الحيرى النيسابورى ابو عبدالله ، سعيد بن محمد بن سعيد ابو عثمان السكرى  
 النيسابورى ابو القاسم على بن محمد بن على الجرجاني ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد  
 بن حمد ابوسعيد النيسابورى ، الحسن بن داود رضوان ابو على القتيه السمرقندى ، عبدالله  
 بن احمد المذكر ابو الحسين الحنبلى وهو ابن بنت على الجنابدي ، محمد بن على بن الفضل  
 بن محمد الخزاعى ابو نصر النيسابورى ، محمد بن على بن الحسين الخلقاني المعروف بابى

نصير القصار ، محمد بن القاسم ابو منصور المنادي النيسابوري ؛ محمد بن احمد بن محمد  
 ابوبكر المقرئ النيسابوري ، عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن احمد ابو القاسم المزكي  
 النيسابوري الحسين بن محمد بن ابراهيم ابو علي النسوي ، ابوسهل بن ابي بشر بن محمد  
 هارون النيسابوري ابوسهل بن ابي القاسم النيسابوري ابوبكر ، محمد بن محمد بن  
 جمش النيسابوري ، محمد بن ابي اسحق الكيال المطوعي الجرجاني ، محمد بن محمد بن  
 احمد المعدل ابو عبد الله شيخ اهل الرأي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن عبد الرحمن ابو احمد  
 النيسابوري ، عبد الله بن محمد بن احمد الصوفي الزاهد ابو العباس السخستاني النيسابوري ،  
 يحيى بن عبد الرحمن ابوزكريا العاصمي النيسابوري طغرل الترك مولى الشيخ العميد  
 محمد ابو عمرو السليطي النيسابوري ، السيد ابو الفضل احمد بن محمد الحسيني العلوي  
 النيسابوري ، محمد بن عبد الاعلى بن محمد ابوبكر الفقيه النيسابوري ابو اسحق  
 محمود التاجر الاصهباني ابوسهل بن حبيب المقرئ ابو عمرو بن علي الانماطي ،  
 عبد الرحمن بن عبد الله بن حمدون ابوسعيد ابونصر العجلي العارضي ، محمد بن احمد  
 بن سهل ابوسهل الدستي علي بن محمد المذكر ابو الحسين المهراني ، عبد الله بن محمد  
 بن علي ابو محمد النيسابوري ، عبد الله بن محمد بن عبد الله ابو القاسم المطوعي النيسابوري  
 المعروف بالحرضي ، محمد بن عبد الله بن محمد ابونصر الصوفي الانماطي النيسابوري ،  
 علي بن محمد بن احمد ابو الحسن السليطي النيسابوري ، علي بن محمد بن احمد بن  
 الحسن ابو الحسن المعادي النيسابوري ، ابراهيم بن احمد بن حمزة ابواسحق الوزير  
 الحسين بن علي بن الحسين الجوري النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد بن يعقوب  
 النيسابوري ؛ شيبه بن محمد بن احمد بن ابو محمد الشعبي النيسابوري ، عاصم بن يحيى  
 النيسابوري ، ابراهيم بن محمد بن ايوب الفقيه ابواسحق الطراحي النيسابوري ، محمد بن  
 احمد بن حاتم ابو خاتم الطوسي ابو عمرو الحموسي احمد بن ابي القراقى الاستوائي ، احمد

بن منصور بن عبد الله أخو المعتز النيسابوري، عبد الرحمن بن محمد أبو سعيد الشريفي  
 الصوفي النيسابوري، محمد بن عبد الله بن أحمد بن محمد أبو الفضل بن الرئيس النيسابوري،  
 محمد بن أحمد أبو بكر الحموي الفقيه النيسابوري، محمد بن أحمد بن حمويه أبو الحسن  
 الرئيس بانيورد، الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد أبو محمد النيسابوري، محمد بن  
 أحمد بن معاد أبو بكر القامي النيسابوري، عبد الرحمن بن عبد الله بن الشيخ أبي بكر  
 علي بن محمد الفارزي أبو الحسن القطان الجرجاني، عبد الحميد بن محمد المذكر الخاتقاهي  
 أبو القاسم أبو سهل البقال الواعظ، اسمعيل بن الشيخ أبي علي العبدوي النيسابوري،  
 علي بن محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله أبو الحسن الحداد النيسابوري، علي بن محمد  
 أبو الحسين بن غلكان الخياط النيسابوري، عبد الله بن محمد بن علي الصفار أبو محمد الشاهد  
 محمد بن أحمد المولي أبو نصر النيسابوري، محمد بن علي بن الفضل الخزاعي أبو بكر  
 النيسابوري، محمد بن علي الطبري أبو جعفر البيلادري الشريف، أبو جعفر بن أبي محمد  
 العلوي العباس بن محمد بن علي بن معدويه أبو جعفر بن أبي الحسن صهر الحاكم المصنف  
 النيسابوري أبو سهل بن أبي بشر، محمد بن هارون التاجر عبد الرحمن عبد الله بن علي بن  
 محمد بن مستخرقة النيسابوري، محمد بن علي المذكر أبو جعفر الجوردي أبو سهل بن  
 مهران العدل النيسابوري أبو سعد الفلاح الفقيه وتوفي سنة أربع مائة، محمد بن يعقوب  
 الفقيه الزاهد أبو بكر بن مخلد بن بنت أبي بكر بن أبي عثمان الزاهد النيسابوري، أحمد  
 بن محمد أبو نصر البالوي النيسابوري، يحيى بن يحيى بن محمد بن عبد الله الغنبري  
 النيسابوري أبو أحمد، عبد الله بن محمد بن الحسن المهر سنان بن عمرو بن محمد بن أبو  
 منصور فاطمه بنت بكر بن محمد بن إسحق بن خزيمة سمعت أباها وحديثه وتوفت  
 رحمها الله في رجب سنة اثنين أربع مائة والله تعالى أعلم.

قال الحاكم الامام ابو عبدالله النيسابوري سألني جماعة من اخواني ان اذكر بعض ما انتهى  
الي من بناء المسجد القديمه بنسابور وقهندز والمدينة الداخلة وذكر الوديه والمحال  
والرساتيق والارباع فلم اجد السيل الي الاستقضاء فيه بالاسانيد فقد اجبتهم ان اذكر  
بعض ما يمكن ذكره بالاسانيد وهذا كلامه الامام الفقير محمد بن الحسين الخليفة  
النيسابوري فترك الاسانيد اعتماداً على صحة قوله رضي الله عنه و اجتناباً من الاطالة

ذكر بناء قهندز وشهر قديم ومفاخر و اوضاع ومجالات و بارو و واديهما ومجولات  
نيسابور و آنچه تعلق بامثال ايراهه دارد

امام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنیاد انوش بن شیت بن آدم بود  
علیه السلام اساس آن بر سنگی بزرگ سقید مدور اعلی نهاد و از اینجهت در افواه  
خلق بود که آنرا قلعه حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند  
گاه مانند قزوایکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و تازمان ایرج بن  
افریدون مهمل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر بالشکر عظیم بر ملک ایران غلبه  
کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در ساحره حاضر بود دفع او متعذر  
بود در اثناء اینکه در ملک ایران میگشت بصحراء قهندز رسید نزول کرد شهری نبود  
بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید از اینطرف کوهی قوی خوش منظر از آنطرف  
کوهی مقابل از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال وادیه را روان چشمه جاری اشجار  
مشمره ثمار لذیذه میدانی مستدیر جبال محیط در شکفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنسای  
کرد و دیوارها احکام کرد و بنی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در  
زمان ایرج افریدون عمارت آن بیشتر و تمامتر شد



## ذکر حفر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبه حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بمعاذ و رفع دیوار و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که بیچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند پس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیداشد و درون قلعه مسکون گشت و اجتماع مردم دست داد.

## ذکر بناء شهر قندیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد و ملک او را مسخر گشت منجمان و فال گویان او را خبر کردند که فرزندی او را متوقع است که همه زوی زمین را مسخر کند و فرزند در راه بود هرمز بود مادرش را از حال پسرش خبر کردند و در محافظه آن بسر قوی جدی مینمود و وزراء پدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج پدرش می فرستادند و مادرش تکیه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پسر است و آنج مصاحبت میدیدند در مملکت جهت آن پسر حکم میکردند و احکام می نوشتند و بسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند و او را شاپور نام نهادند بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر یعنی پسر پادشاه بقصد آنک چون پیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد و نیشابور شهر یافت یعنی شاهزاده و بحسب دنیا عالی همت بود و رأی صائب داشت ملک شرق و غرب او را مسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور در حوالی قهندز بنیاد نهاد و معماران و عمله تعیین کرد و گفت که بر جوانب شهر خندق حفر کنید و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد و مداین است و آن جوانب بودرفت و ایوان مدائن  
 بساخت و در دیار شام شهر انبار بنا کرد و شهر کرخ و سجستان در اطراف بصره ساخت  
 و شهری ساخت فیروز شاپور نام نهاد و بعد ما بنیساپور عود کرد و بر حوالی شهر خراج  
 خندق عمارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات  
 شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران را امر کرد که هر روز بیش از آفتاب بسر  
 کارها روند و هر که از رعایا پیش از آفتاب حاضر نشود زندۀ ذمیان خشت و گل  
 دیوار گیرند و چنان کردند و خاق بر آن رنج قرار گرفتند و بعد از سنین کثیره که بچندان  
 و بنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم از سر تا قدم از میان گل بر خاک  
 میافتاد و آن انبار ده از سده بنا بود تا قریب زمان سلطان محمود عمر و بن لیث که  
 والی نساپور بود خراب بود و از خاک آن بازاری مقابل جامع شهر بنا نهاد چه شهر  
 قوی و وسیع بود و اسباب عمارت بغایت متعذر

#### ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

امام چاکم فرمود که چون شاپور بمملکت در رفته بود لشکر ترک بار دیگر  
 بر ملک ایران غلبه کردند چون شاپور باز آمد خلق از آن فتنه فریاد بر می آوردند تا  
 بشکر چلار بسر آن اترک رفت و بمحاربه و مقاتله ایشانرا از ملک ایران اخراج  
 کرد و باز بنیساپور آمد بوقت طیب هوا و وینۀ فضا و کثرت غذا و وسعۀ معاش و رتبه  
 ارتباش و سکون غبار و ثمار بسیار و غدوبه میاه و اسطامه جایگاه فارغ البال منتظم  
 الحال مملکت مسخر و مهمات میسر دشمن مقهور و لشکر منصور اینجا مقام نمود  
 و بناء شهر متصل بپهنند و اقامه شهرستان و اخراج ابراج و تشییه اساس فرمود و محلات  
 و عمارات بهم واصل کرد و خندق شهر و پهنند بهم متصل کرد و بر جارجانب شهر چلار

دروازه مرتب داشت شرقی و غربی و جنوبی و شمالی و مهندسان را فرمودد طریق بنای  
بایشان نمود تا چنان بنانهدند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن از هر چهار دروازه  
در درون شهر سطوع کردی و آن از عجایب بناها بود و بوقت غروب از هر چهار دروازه  
آفتاب در نظر بودی که پوشیده شدی همچنین ساختند و بسی زحمان بنیان بر آن سالن  
بود و بنام خود شهر را نام نهاد.

امام حاکم فرمود و آن بناست که تا غایب اثر آن پیدا و علامه آن هویدا است  
و در وقت حفر خندق بوی خبر آوردند که گنجی پیدا شد اندک اهمی نمود و ضبط  
آن یکی از نواب فرمود گفتند هشتاد و نه هزار بود از آن اهتمام بشیمان و از آن التفات  
بریشان شد چه آن مقدار را کم داشت و اندک پنداشت و ترسید که بر قصور همه او  
فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه را نفعه کنید و دیگر ذکر آن نکرد.

#### ذکر ارتفاع زمین نیشابور نسبت با بلاد دیگر

امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نیشابور ارفع  
مقام مسکون است و یک دلیل آنست که در دو این قدیمه نام این شهر ابر شهر نوشتندی یعنی  
شهریکه بابر نژاد یکست از کمال ارتفاع خصوصیه دارد بابر او را بابر اضافت کنند  
و دیگر دلیل آنکه معتدل الهواست نه حار و نه سرد نه باران و نه طوفان و نه سموم و نه مملک  
بخلاف باقی ممالک

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهند ز بود باز دیاد عمارات در شهر و سور  
داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه با اسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهر است  
و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوچها و محلهاء شهر معدود از بنیان بلده اما :  
آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

وان نیل مکرمت که شنیدی سراب شد  
ونا میاء دیهها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این  
است .

الزریق بویاباد ، خانائے خشک ، شحنه علیا ، شحنه سفلی ، ماهکباد ، سورین  
کوی ، دزدان ، زمجارسفلی ، زمجا علیا ، باغ کبار ، وینکباد ، عارکباد ، دودیه یهود  
باغک و شهر ستانه ، شاپور و این را نصر آباد گفتندی ، لعانچی سفلی ، بشماناباد ، داربجرد  
حیره طبرانه و این را کوی دزکان گفتندی ، وافکر سلیط ، وافکر معاد ، مناسک سفلی  
مناسک علیا ، خرقن علیاباد ، حافظ محفوظ ، باغ بهله ، برزگر آباد ، محمد آباد ، خول ،  
خندرون ، کنار سفلی ، راقعه ، سیمجرد علیا ، سیمجرد سفلی ، حفص آباد ، تلاجرد علیا ،  
تلاجرد سفلی ، حنجرود علیا ، حنجرود سفلی ، سهیل تاشیش ، قناده ، خشانه قناده حمزه علیا ،  
خرکباد ، عمرویاباد ، قناده علیا از جودی ، بساطاق ، و مسجد قریه بود ، جوری علیا ،  
جوری سفلی ، حوسق ، سیسنویه ، حایط ، سلمه ، سوانقادر علیا ، سوانقادر سفلی ،  
ورودهای و فرات آباد ، و دستجرد ، سهرامقان ، قناده جهم از دستجرد مانعین ، کرم بکر ،  
فازرشک و رقاب فارس ، این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر بکثرت عمارات همه محلات

و کوچها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت و بقضاء ازلیه  
در سنه خمس و خمسين و خمس مائه دور و قصور خارجها و داخلها  
توقیع اذالزلت الارضش کرد در يك دوسه دم عالیها سافلهها

### ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

و تمامی محلات جل و هفت بود و يك محله متوسطه را که نه بزرگ و نه  
خرد محله جولاهکان گفتندی سیصد کوچه زیادت داشت: محله حیره، محله جاهه،  
فایده بود: اشرف محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق شهر بود و اول بازار  
از سر حیره بود و مقطع او قریبی روضه سلطان حسین و يك فرسخ هست تقریباً  
و تمام پوشیده بود

محله بویاباد در عمارة و رتبه و جلاله اهل محله مـواضع را بآن مثل زدندی  
ابو مسلم مروزی رحمه الله بیش از ظهور سلطنت در آن محله فرود آمد در کاروان  
سرائی بر زبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی  
جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند چون دید بر رسید که نام این محله چیست  
گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را کند آباد گردانم و برفت دیگر  
بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد و همچنان خراب ماند دیگر معمر نشد

محله مولقا باد پیوسته اعلاء حیره است

محله میدان زیاد بغایه بزرگ بود.

محله نصر آباد اعلاء شهر بود بزرگ و عریض محله علما و تجار بود

امام حاکم فرمود جل بازار گان بود در آن محله بوقت عبدالله طاهر بهر عیدی  
یکی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلائق شهر را فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده ترست و طریق تر گفتند  
 حسین بن محمد نصر آبادی او را حاضر کرد و از رسوم دعوت و عادة ایشان  
 پرسید قضا بگفت در ترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد و جاه و مال و حشمة  
 و دعوه و سخاوه نفس او بیش از اندك نمود گفت خراب مباد شهری که دروچنین  
 ارباب مروءه باشد.

محلّه دیگر بود بزرگ درو مسجدی بود متبرک و حوضی که بآب آن تبرک  
 جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محلّه و حوض مستوقاً ذکر خواهد شد  
 بطریق اوضح.

محلّه الزریق، محلّه مناسک علیا و سفلی گوید اعلى حده شهری بود

محلّه دینز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارک طایفه دینز  
 و اهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت.

محلّه نمد آباد بزرگ بود

محلّه باب ابی الاسود محلّه قباب محلّه خواست متصل شادیاخ است

محلّه شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد  
 از آن شهر شد

محلّه جلا باد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلّه تلاجرد محلّه قوی بزرگ بود یکطرف بجلاباد دیگر طرف متصل  
 بجنجرو و محلّه حفصا باد

محلّه خمز کا باد محلّه بزرگ بود

محلّه محمد آباد درو ریاض و حیاض است

محلّه قزمحلّه بزرگ معمور بود بعلم وهدی وعمارّه وارفیع محلّها بود و آب  
وهوای او خوشتر بود ووصف او بیاید

محلّه درباغ و آن باغ ابومسلم بود صاحب دوله

محلّه باب عقیل محلّه باب عسگر همه بازارباش بزان و طعام فروشان بودی و بازار  
علافان

محلّه باب عردمحلّه حرب، محلّه باب معاذ، محلّه بیدستان درخت بید بسیار بود درو،  
محلّه سرترعه محلّه سریل، محلّه دزدان موضع کنار نك بود و او در جاهلیه ملك  
خراسان بود

اما بعبدالله بن عامر او کاف و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد  
محلّه باب معمر، محلّه در باغ ملاجرّد، محلّه میدان حسین و او صاف بسیار  
دارد محلّه سمیجرّد، محلّه الرقیما، محلّه جولاهگان محلّه جودی علیا عیدگاه آنجا بود  
و در و بساتین و انبار بسیار بود

محلّه جوری سفلی محلّه سرکوی محلّه سنجید ستانه،

محلّه باغ رازیان اهل علم و تجاره آنجا بسیار بودی

محلّه باغك متصل بود بمحلّه قز عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او  
آنجا است

محلّه زمجارج محلّه خر کلایاد متصل بزمجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودندی

محلّه سر داقه طرف مغرب بود محلّه کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات

معمور بوده و اوصاف بسیار هر يك را فی الجمله نوشته بود چون حالا نیست نبشته نشد

یا قومی را ابو مسلم از شهر بیرون کرد محلّه داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.  
 اسماء حاکم رحمه الله و رضوانه علیه فرمود که بنقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد که  
 بوقت حکومت عبدالله بن عامر بن کریر بن حبیب بن ربیع بن عبدالشمس در بصره  
 و حکومت سعید بن عاص در کوفه در خلافت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه کنارت  
 که والی خراسان بود و او مجوسی بود نامه فرستاد بایشان و ایشانرا بخراسان خواند  
 و بفتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مروت در مرو کشته گشته و مقصود نامه این بود  
 که اشاره بساره ظیور نور اسلام و سطوع طلوع شمس هدایه و احکام سید انام و  
 شفیع روز قیام ماحی ظلام و هادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة والسلام باستماع جموع  
 این اماکن و مقام رسیده بیماران ضالان فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء  
 هدایه تشنگان شربت عنایه دلزندان عهدازل کمر بستگان عبودیه ابد چشم برداد و  
 گوش بر آواز منتظرند.

گریاک نظر بسوی من خسته میکنی      هم چون مسیح مرده بدم زنده میکنی  
 ایشان این خبر بامیر المؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد و وعده  
 خلعة جنة داد که هر کدام سبقه گیرند و در نشر نور اسلام جدد نمایند و بوالد و حافد و  
 ولد و جد باز نمایند حکومت درین جهان و درجه جنان در آن جهان او را باشد  
 فرمان مدینه را ز جابر جستم      احکام حمی گفت کمر می بستم  
 عبدالله بن عامر سرعه نمود و سعی فرمود و عن قریب یزادوار جوین نزول کرد  
 و سعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید و هر يك از راهی دنیوی بطلب  
 جاهی اخروی می شتافتند خبر سبقه عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود و اهل ازاد وار



کرمان، و باجیشی همه موافق، و در استان بناحیه قهستان، نزول کرد و قلاع آنرا  
 بعده بسیار، و مدت اندک، فتح فرمود و بدست هدایه، بپراة، مکتوبات فرستاد، و ایشانرا  
 باتباع طریق رشاد، و شداد، و سرعت خروج بسوی او و اداء خراج باو دلالت کرد جواب  
 فرستادند که همآل حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، بر شهر مشهور  
 یعنی نیشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، و طوس و اینیورد، و نسا دران  
 تاریخ توابع نسابور بود پس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و  
 اعلام مجامعه فی سبیل الله برافراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره  
 پوشیدند برزان جاه طاعی و باغی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولة  
 وصوله، بدیدند او نیز باحمران دیگر از میدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز  
 دویدند، بکره و اجبار دستار چون افسار بر گردن زیردستان کرده بر بالای دیوار حصار  
 و دژ قهندز کشیدند، و یکماه تمام از صبح تا شام و از اول شام تا بانگ خروس آواز  
 خروش جنگ بود، ناگاهی شبانگهی هوا متغیر و حرکه متعذر گشت و غمام بر تمام  
 جوانب ابر شهر احاطه کرد، و از میغ بی دریغ برفها چون تگرگ باران شد، و غموم بر  
 دلهای مؤمنان عهوم یافت، اقربا از زبان ضعفا بیش عبدالله عامر گفتند که ما غریم و از  
 غریم در برف سرما، بسرما فرود آمد: الحریوذی والبردیقتل لعن الله العیجیم موتون  
 من البرد و یقولون خنک گرما گریبان چاک کند اما سرما ابدان هلاک کند

نیروی سفر کردن و نی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و اواء کوچ برافراشت  
 و آن لشکر را بملاطنه و مکالمه اجلی از قند بمرغزار غند برد چه از دید که  
 آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون چند روزی نجح و فیروزی در آن

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف برطرف جویباران مرغزار  
متراکم شد که از تلوج بروج آن: اشد البلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان  
دست بردی نمود که از خسوف شراد شرر آتش را از جوف آهن و سنگ قوه  
حرکت نماید.

سرماست چنانکه بینی گوش و فسرده سرماست چنانکه دیاک در جوش فسرده

کر آتشکی مانده بدور دوزخ آن نیز پریرودینه و دوش فسرده

ضعفا دلها از غم بختند و سرما و هوا نسابور باز جستند،  
معتق که یکی از مقربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم،  
و هر آینه نصرت ما راست، دل اعداء مامقهورست، بیرون در خانها با جامها زمستان  
بگذرانیم، چون ربیع بدیع و روزگار بهار آید بصلح یا بجنک آن شهر بچنگ آوریم  
و هر جا فرمایی برویم صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلیمه لشگر کردند و عبدالله  
عامر در آن زمستان بنسابور باز عبور فرمود، و بر زبان جاء مذکور ضال مضل نسابور  
را از آن معاد و مخافة تمام مراجعه کرد، وقوی ضعیف و سخت سست و حال او تنک  
بدشد. و آن قلعهها و حصارها بتأید خدای در زمان قریب همه فتح شد، و کنار تنک  
باستانه عبدالله عامر آمد، و خراج ابر شهر یعنی نسابور و طوس هفتصد هزار درم که  
قریب پیاصد هزار مثقال نقره باشد بایساری از انواع اشیاء ذکر قبول کرد، و چون این  
فتح دست داد ملوک خراسان از هراه و بلخ و مرو و غیر آن دیدند، جاء نصر الله و الفتح و  
رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا و اموال کثیره از انواع زر و نقره و ثیاب و افراش

و مواشی آوردند و باضعاف قبول کردند

آن فوج مسلمان شد تا باد چنین بادا کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا

و عبدالله عامر درون شهر ببقعه مجاهد شاهنیر فرود آمد، و آنجا مسجد ساخت و سرائی برای خود بنا نهاد، و خراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود در بیان کرامه و شرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی

ان عامر بن کرزاتی با بنده عبدالله الی النبی صلوٰة الله و سلامه علیه و هو ابن خمس اوست

سنین فقبل النبی صلوٰة الله و سلامه علیه ان ابنک لم یسمّ قال فکن قال لو ان عبدالله قدح

حجر اماه یعنی یخرج الماء من الحجر من یر کثه ترجمه و انعم عند الله آنست که عبدالله

بسر خود عامر را بحضورت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه یرد و او پنج ساله بود یا

شش ساله پس بوسه دادند حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه در دهن او آن سعادتمند ازل

و ابد بس شروع کرد یعنی عبدالله فرامیبرد آب دهان حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه

بس فرمود حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه بدرستی که بستر تو این هر

آینه آب داده شده است

بس چنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سرباتی بر سنک زدی و خواستی

انفجرت منه اثنتا عشرة عیناً روان شدی از یک سنک ده سنک آب از برکت آن تربیت.

امام حاکم فرمود رحمه الله: که چون عبدالله نسابور فتح کرد عبدالله بن طاهر

را در نسابور بگذاشت و خود ببصره رفت و بدر خود را بنزیافت بعد ها باز به

نسابور باز گشت و در همان حوالی و سرای خود که بشاهنیر ساخته بود نزول فرمود

و از نسابور بهمه بلاد و اماکن امر افرستاد و نسابور دارا ماره و سلطانه کرد و اموال این

ممالک همه بنی نسابور آوردندی آنج بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نسابور بچنگ مسخر شد واضح آنست و بیشتر

مشایخ بر آنند که نسابور بصلح فتح شد

و تقاضاست که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نیشابور خواجگان شهر را جمع کرد و مال خراج برایشان الزام میکرد و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند و زمینها بحیاط موات را ضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چهار ربع و همه ولایاتی که تعلق بنیشابور داشت چنین کنند

احمد بن حاج بکر از کبار نیشابور بود گفت تو امیر مایی نه شریک مایی و این شهر ما بصلح فتح شد نه بقتل و جنگ آنج بقتل و جنگ فتح کنند در آن خراج است و آنج بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنج حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم و مع هذا خراجی نیز بتو بدیم اما مساحتی در این ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا و سلطان سلیمان بن مطر و در دواوین ثابت است اگر بآن رضا دادی فیهما و نعم، و اگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم از شهر بیرون رو و ما را یکسال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و بحصار ببریم و آنج خواهیم ذخیره کنیم پس بیا و جنگ کن اگر بقتل و غلبه بگیری و مستخر کنی مساحت تو کن و خرج خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد و تأمل نمود و بر مساحت سلیمان بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل ابر شهر یعنی نیشابور برد و باز هزار هزار دوم و دویست هزار درم کنه تسلیم نمایند مجموع هزار هزار و پانصد هزار و جل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمه الله فرمود که باین روایات معلوم شد که نیشابور بصلح فتح شده نه بقتل و آنک نیشابور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره و سلطنت و مال کبار اما کن و بلاد حفظت عن الفتور الی يوم النشور

مفاخر نیشابور قدیم که بر که آن تا ابد بر سکان این بلد

فایض و باقی است

از جمله انک چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار

رب العالمین ولی الله صلی الله علیه و آله فلذة کبد رسول الله غوث الامد و کشف الغمة يوم الاخذ بالتواضع و

اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازين الاخلاص حین النجات والاستبانت

يوم البعث کما و عدفی المواقف الثلث عند المیزان و بطر الصیغ و الصراط یسط

بساط الشفاعة و السری بالانبساط سلطان المقربین يوم الحشر و الجزا الامام ابو الحسن

علی بن موسی الرضا صلوة الله علیه و آله و سلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم

اجمعین الی يوم الدين

در مدینه در شهر عثمان و اربعین و مائه نور متدیس ایشان ظهور یافت

و در شهر اربع و تسعین و مائه ببصره بدرس حدیث و نشر علم بنصرة دین آفتاب

هدایة ایشان برامة تافت و بتدوین نسخه مبارک صحیفه تقوید علیه حنیفه فرمودند بس

بمقتضای قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند و در سنه

مائین من الهجرة نیشابور بمقدم حضرت ایشان روضات جنت شد و چون بشارة سطوات

شعشعه اشعه آن نور بر قطر نیشابور میان سکان شهر مشهود شد قطب الانام کبیر العلماء

برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه مروزی

قدس سره شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایة بود در کبر سن آن شیخ مسن زمین منن

باقدام بر اشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیة تا قریه مویدیة چند هزار صدیق رفیق در

پی بيشوا رفتند

و نقلست که حضرت سلطان صلوة الله علیه و آله و علی آلهم در محفه بر

ناقه عضباء خود سوار بودند و قد و اهل انس و انیاس شیخ محمد بن اسلم طوسی را قدس سره در محفّه دیگر اجلاس فرموده بودند فایده فبر این دو بزگوار در نیشابور بر کناره خندق شادیاخ بر طرف راه روضه تاجرو در بناء يك صناعه قوی بهم قریب است و ان اسوه احرار کمر بندگی بسته و بحکم من اغبرت قدما فی سبیل الله حرّم الله تعالی علی النار دامن تاتمه ساق بر کشید و شربت و عدّه کمال قربت چشید و زمام خطام مر کب حضرت انلم اولیا ملک علام بر دوش احترام گرفته

و تقاسمت که متوجه بآن ابرار ذره وارد رهواه دلاء از دراء قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میکرد و بزبان فصیح و عبارة صریح میگفت که بروز قیام ملک علام جل جلاله وسیله نجات و وصیله فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم و همراه کش مر کب حضرت سلطان خود بوده ام و چون بنسایور ورود فرمودند در محله قز در کوجه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواه و استماع فقراء مشهور بود که جار سال در نیشابور توطن فرمودند و العلم عند الله

و آن استانه منزل مبارک که مهبطه ارواح مقربین و مطاف ملائکه علیین بود مانده بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابۀ دعا اشراف آن شهر بود و بخدم آن آستانه ولایت مرتب و بسانواع اعزاز و اکرام موظف میبودند و بعضی از کرامه که در آن محله واقع شد آن بود که بر سر آن کویچه حمامی خراب و قناتی بایر و محوطه بود که آنرا حمام و قنات و محوطه کهلان گفتندی اهل محله بعماره حمام اهتمام کردند تا بوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات نباشد و قصد میداشتند که چون عماره تمام شود اسان آب از چاه یاغیر آن پیدا کنند و چون حمام تمام شد بی خرج و خرج و سعی مقنی از قنات کهلان بشتاب آب روان شد و حضرت سلطان صلو الله علی رسول الله و علی اله الاممه المعصومین اجمعین بآن

حمام در آمدند و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرک شد و آن حمام بنام مبارک ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی ..

وامام حاکم از زبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست و متبرک خاق است ، يك كرامه دیگر آن بود که روزی يك بادم بیکى از خدایم دادند و فرمودند که در طرفی از محوطه کهلان غرس نماید خدام چنان کرد غرس الفردوس بیده سبز شد و در همان تابستان بادم بسیار بار آورد و برگ و شکوفه و بوست و عیوه آن درخت سبب برگ و نوا و صحت و شفاء مرضی آن زمان بودی تا چون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهنگر حاکم شد و از قصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل قصر او می بود و درخت را نضاره بدبول بدل رفته بود و بعضی اجرا و معمارو نجار را گفت تا آنرا قطع کنند عماره تمام نشده آن ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و بر آن منصوب بود هم در زمان اندک مردند بعد از چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعمار همان قصر قصد کرد چون بناء دیوار می کنند اصل آن درخت در زمین نمود تمام قصه گذشته با او گفتند چون دلش سیاه و قصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد و چون درخت نیست و این در زیر خاک پنهان بوده سهل بند است و آن بی اصل آن اصل را بر داشت عماره ناساخته او و همه آن اقوام در اندکی از ایام هلاک شدند.

#### واز فواید مقام خدام ایشان بنابور

یکی دیگر آنست که روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلوة الله و سلامه على رسول الله و على آله الاثمه المعصومین التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوت بیشتر طغیان را بنشاندی پس آنرا که اول مقصود بود آخر حاضر کردی تا آنکه نظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا و اعظم و علما و اشراف آن شهر را جمع کرد و عاده دیگران بود که در مجامع ایشان صفها صادر بودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی و خدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلوات الله علی رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف ایشان صفها صفا بانیل سعادت و اقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکا و نمارق مصفوفه ایشان صفه التفات فرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تا قیام قیامت درین دیار و سایر اقطار کنارها صفها صدور و منازل افاضل شد و منبعدان يك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمه و تفرز برداشت.

#### و از منفاخر نیشابور

دیگر آنست که روزی حضرة سلطان صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی اله المعصومین در مجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که میحراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند و بانگشت مبارک اشاره فرمودند باب کعبه در مواجهه نموده شد و آن محل باغایه متعین است بر طرف قبله شارع عام از امام قهندز میگذرد و واقع است.

#### و از منفاخر نیشابور

دیگر آنست که حضرة سلطان صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم روزی فرمودند که عبارتی که فی الجملة حکایت آن اینست



## واژه‌فاخر شهر قدیمی

این قصه کریم در السنه مذکور و در اقوام مشهور است که حضرت سلطان صلوٰۃ  
 الله و سلامه علی رسول الله و علی آله و سلم در نسا بور به منبر بر آمدند و نقلست که چند  
 هزار دوات و قلم اعیان و امم مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افاده ایشان میکردند  
 حضرت سلطان این حدیث معنعن از ابناء اولیا اصفیا خود با حضرت خواجه کائنات صلوٰۃ  
 الله و سلامه علیهم و علی الهمم الاتمه المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند :  
التعظیم لامر الله و الشفقه علی خلق الله

## دیگر از فاخر نیشابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت  
 وائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیهم اجمعین  
 درین اجزا و اوراق سابقه ذکر شده و هر يك را از کرامات و مقامات بسیار بود که این  
 نسخه قابل بیان آن نبود.

## واژه فاخر نیشابور

امام حاکم رحمه الله فرمود کی از دلائل ارتفاع بقاع نیشابور بر بلدان و اماکن  
 قریب و دور آنستکه: شمارد و هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الا نیشابور کی  
 مثل امرو و سیب و بی در دوازده ماه هر گاه که خواهید فی الجملة موجود است و  
 در قریب نه ماه و دهماء انگور و خربزه تر و تازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و  
 در یوزه توان یافت و از آن شمار شربتهای نافع توان گرفت و در بلاد شرق این مذکورات  
 اگر باشد زود متعص شود و نیشابور بر کمال خود باقی ماند مگر در محافظه مساهله  
 نموده باشند.

امام حاکم فرمود که نسابورشت، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری از وبا و اکثر بلایا، مصر انصار حلیه مقدار، عروس بلدان، خزانه خراسان، داراماره بطیف، عماره معدن فتوه مخزن مروه، رموطن ادیان، مقر سلطان موضع اعلام هدی، مطلع انوار بقی، رحمت دروی نازل، برکت باو واصل در نسابور زنبور کند و جهان پرانگین کند، زیره او فیر و زده، و حصول آن نجر هر روزه، حجر او جوهر کمر او تفسره و زر، نبات او بر اطراف عیون و جالسان زیبایش در و مخافه سموم نی مرض او را عموم نی سلاخین با ماره ان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کبرا، مناهل عظماء، ماوی اشراف، مثنوی عدل و انصاف، همه چیز از موصوف، سکان از بسجا وجود موصوف اهل کمال را درو مقام همه کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم شد.

#### ذکر وادیهای نسابور

امام حاکم فرمود که میان یکی از نسابور و دیگری از شهری دور معارضه شد غریب گفت در شهر شما مسافر را باب نیست و در صحرا راهگذری را آب نیست در بلاد دیگر مثل دجله و جیحون و در اطراف این شهر همه مأمون است. نسابوری گفت این سخن هر نادانست و مرا بر صدق خود درو شن صد برهان است از دیر باد که طرف ولایت ما کالکا باد که آن کنف ناحیه است وادیها و جویها و چشمها که بر دیده عیان است زیاده از سیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر از جیحون و سیحون شدی و نزد همه عقلا معقول است که از متفرق بودن آن بیش محصول است و از عین اخضر و آب انبوه آن که در کوه است

جهت مجال مقال است و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناره است غیر قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و بلك تر از آب بلاد دیگری است که بسیار قاذورات در آن واقع شود تا بخانهها رسد

و اول کسیکه کاریز و بهندیس آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسابور آزاد شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کنند و آبها بر بلندیا بردن بدولاب و مثل آن ابی الریحان حکیم خوارزمی اخراج و اما آن وادیا که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یاد داخل شهر است شغاندیر و وادی بوشتقان و حر و اسب و آنج داخل نمی شود چارست : و عطی رود و وادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

#### اما از باغ نسابور چارست

ریوند، مازل، شامات، بشفروش و کیفیه قسمت و مساحت آنست که از چار طرف مسجد جامع بهر طرفی رفتند و ما کتب زمین ولایت قری و قنوات را با آن ربع نسبت دادند و بقریه که در آن جانب معمور و میسر بود اضافه کردند اما ربع ریوند از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمد آباد

اول حدود بیبق طول او سیزده فرسخ از حدود ولایت طوس تا حدود پشت پانزده فرسخ مشتمل بر زیاده از پانصد دبه که بعضی را يك قنار بود یا دو یا سه یا چهار پنج و ریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره معموره بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منبع رفیع و خانقاهای بسیار و در اول اسلام حکام ماوراء النهر سه برادر بسودند محمد و عطریف و مسیب هر سه از ریوند هریک در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود بشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ جارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است.

ربع مازل از همه ارباع، قری بیشتر دارد، متزهات و موضع تفرج و تنزه اهل بلده قرای این ربع است و اکثر قرای این متصل است.  
فرهنگ و موسنقان و باغ فسرک در ربع و خریف مطاف هر خریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است و دیهپایزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کی از نواحی واقطار خراسان بنسب

نسبه دادندی اشراف و اکابر آنرا نیشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول و عرض یعنی آن از سی فرسخ و بیست و پنج کمتر نباشد بهر یکی از آن قری و قنوات و باغات و عمارات مالا بعد و لایحسی منها

ولایه بیهق من حدود ریوند تا ولایه دامغان بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این

ولایه جوین منشأ اولیاء و علما، قری و قنوات در عمارات بحد غایات بیکدیگر قریب چنانچ همه را بمنابه یک ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین و دیانت و خداوندان باهوس و همه ایوان خانها رفیع و مهمان خانها وسیع اصناف اشراف و عوام ایشانرا همه متعالی و دل اکرام اصناف و اتمام الطاف دلها از ملال خالی

بشرك بيماران و غيرايشان بآن انتفاع يافته بيمن، در درختها ناز و ثوت كه از هر  
يكی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زياده از صد خادم و فراش  
داشت و در موضعی از مثل خانه مبنی بر دوازده ستون بعماره ممتاز شش ستون از  
مرمر و دو ستون از يشه طرف دجله آورده برنگ مهره‌آه شياه و سفيد و چهار ستون  
از گچ و خشت پخته ساخته سقف و ستونهای آن بزرگ تذهيب كرده و قبه مذهب بالای  
آن مرتب مقومان و مبصران بيست هزار مثقال زر را تقدير می كردند  
اما حاكم فرمود كه سقف و ستون و بلها و منابر و صناديق و مصاحف و قناديل  
و حصيرها و فرشها و توابع اينها را قيمه كردند صد هزار مثقال زر رسيد و صد هزار  
مثقال زر طلا را اوقاف مسجد جامع زياده بود و بخراسان مبنی احسن تر از آن منبر نبود كه  
ابو مسلم درين جامع نهاده بود.

#### ذكر دومنار جامع

ابو مسلم در جامع منار ساخت بعد از و ارباب مناصب را آن منار قصير و ان بنا بنسبت  
با جامع حقير نمود چون حكومه بمنصور بن طلحه بن طاهر برادر زاده عبدالله طاهر رسيد آن  
منار را منهدم ساخت و منار ديگر بر افراخت و بسياری از اول بلندتر و قوي تر و عماره  
او بزینت و تذهيب آراسته تر كرد و بطريق هندسه چنان كردند كه در دوره سال از  
ظلال آن انتقال شب و روز معلوم شدی بعد از زمان او بحر كتی در ایامی میلی دروی  
پیداشت چون نوبه بعمر وليث رسيد آنرا نيست كرد و ديگری برداشت و نام و لقب خود  
بر آن بنگاشت بعد از آن چون نوبت بخمار تكين رسيد مناری رفع كرد و صيت آن  
دومنار دفع كرد چنانچه در دنيا ارفع از آن و اعجب و آراسته تر و پيراسته تر و دایر تر

منار در هیچ دیوار پنج نجارندیدار فوق عالی بام جامع تا سرمنار نمود و جار ذراع بود اجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و بهندسه چنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه بآدان منار حرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی و جزئی از وی فاسد نشدی

ذکر مسجدها و متبرک شهر قدیمی

که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنانهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنبر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرگ جمع صحابه بانفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند و برای علامه بگذاشتند  
مسجد مجله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم و عزیز بود

و مسجد باب معمر میان دو مقبره

مسجد رجا بن معاذ بن مسلم

مسجد دروازه قهندز که پیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کردند

مسجد سرا معار مسجد که مصلی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل

سرای بستان ، مسجد ابن حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة

دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

## ذکر مبادین نیشابور

میدان تلاجر د و در صدر این میدان قصر مطبوع مرفوع مرغوب محبوب مزین بود  
 هر و ن رشید چون به نیشابور رسید مده اقامه او آن گوشه مقام او بود .  
 میدان هانی، میدان حسین بن معاذ بن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و  
 میدان زیاد

## ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود

مقابر و قبور اولیا و اصفیا در محلات و قری بیشتر بود از عدد و احصاء تا آنج  
 علی التعمیم زیاده کردند از مقابر و قبور بیشتر آنست  
 مقابر صحابه در بالای مقبره حیره و آنرا مقبره نصر بن زیاد القاضی گفتندی و  
 و سه صحابی در آنجا مدفونند اما آن قبر که سر حلاب است یقین قبر همام بن زید  
 است که از صحابه کبار و قدوة ابرار بود در همین مقبره در حیره روضه شیخ ابی  
 حفص و ابی عثمان و زهاد بسیار است و شیخ ابو جعفر مدنی در بالای مقبره است ،  
 مقبره تلاجر د مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی الله المقتول فلذنه کبد  
 الرسول صلوة الله و سلامه علیه و آله و علی آله المعصومین اجمعین نام و نسب مبارک  
 ایشان بر لوحی مسطور بر سر روضه ایشان باین ترتیب است: هذا قبر الامام محمد بن  
 محمد بن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ایطالب علیه السلام و رضی الله عنهم اجمعین  
 مقبره سر میدان قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم و ابی عبدالله  
 البوشنجی و ابی الولید و ایوب الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح  
 و بشر بن الحکم و عبدالرحمن بشر و محمد بن عبدالوهاب ؛  
 مقبره شاهنیر بسیاری از علماء و اولیاء تابعین آنجا مدفون اند و در آن مقبره

بزرگان که بعد از آن تا ششصد و شصت و شش که خرابی شادیاخ شد و بعد از آن در آن شهر دیگر که عدد و حصر این بزرگان مقدور و میسر نیست یکی از ایشان درین اسامی مذکور نیستند

### فایده

و بعضی از وقایع نیشابور آنست که در حواشی تاریخ یمینی که در جارد و کسری از هجرت نوشته شده آورده که نیشابور از ابتداء بناء آن تا این غایه هیترده بار بزلزله خراب شده و بعد از آن در تاریخ پانصد و پنجاه و پنج از شهر قدیم خرابی کلی یافت و قومی که ماندند بمحله شادیاخ اجتماع کردند و شهر ساختند و صد و ده سال مجال بقاء شهر بود و مجمع افاضل و معدن کرام و عظام ایام بود و در آن ایام بزرگان شادیاخ بر اشراف سایر بلاد فضیله داشتندی خصوصاً سید بزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب عام و عمل لاحق با ولین و سابق بر آخرین بودند و از مکارم حضرت ایشان یکی آنست که امام امة و مقتدای ملة امام فخر الملة و الحق والدین الرازی رضوان الله علیه مکتوبی نوشته اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من هراة ضیئت عن الافات رایت

فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسى يا موسى احب ربك بكل قلبك وانا اخبر سیدی و سندی و مولای الصدر الاجل المنجل السید السند الظاهر الازهر التقی النقی صدر الملة و الدین شمس الاسلام و المسلمین ملک السادات افتخار العترة الطاهرة قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالی من السادات القدسیه و الکرامات العلویه باکمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی و احب ان احبه الی

### آخر المکتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنک فرمود امام که خواندم در سفر پنجم از تورة که



حق سبحانه و تعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر می‌کنم سید خود و سند خود و خواجه خود را که من ایشان را دوست میدارم انک ایشان را دوست میدارد با آنچ ~~چو~~ آن مکتوب است از بر همین برین معنی بعدها در شب جمعه سته سته و ستین و ستمائه این شهر و گیز بزلزله خراب شده افتاد کس بصحراها ماندند از شهر سیم بنانه‌اند آن نیز بجاست یکشنبه آخر جمادی الاولی سته ثمان و ثمانمائیه بزلزله خراب شد

اندر سه زمان سه زلزله واقع گشت بدیناصدواند آنک شد شهر جو دشت  
 شش سال فزون دوم ورده از ششصد و شصت از زلزله بارسیم هشتصد و هشت  
 چون بیان اسامی و کرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء  
 کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر  
 اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات  
 بجرمة النبی، محمد و آله خیر البریات و ادخلهم برحمتک فی روضات الجنات والحمد لله  
 رب العالمین آمین رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر وتمم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على حبيبه و رسوله محمد وآله

اجمعين . قال الله تعالى ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم

يرزقون وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اولياء الله لا يموتون ولكن ينقلون من

دار الى دار وقال صلى الله عليه وسلم كنت نهيتكم عن زيارة القبور الا فزوروها

بر مقتضى آيه وحديث جون زياره دوستان خدای متضمن ثواب بسيار و قوايد

بی شمار بود بعضی از احببه که امثال التماس ایشان واجب بود درخواست کردند از بنده کمینه

احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخليفة النيسابوري تاب الله عليه باسامی بزرگان

که در نيسابور آسوده اند در قلم آورد و ذکر اسامی از جمله بزرگان متعذر بود از

بهر آنکه نيسابور کهنه که محط رجال: رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله بوده چهل

وهفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و

آنرا سيصد كوجه زيارت بودی و هر محله را مقبره بوده و شصت ديه در ربض در آمده

بود و مقابر آن ديهها که مملو باوليا و صالحا بوده در میان شهر نا پيدا گشته و بعد از

خرابی آن شهر بسبب غارات و تاراج مرادات مندرس و قبور منطمس شده و کسی

نمانده که گورستانها را بازشناسد فكيف بالقبور و هر چند جنين بود اما بر موجب ان

لم يدرك الكل لم يترك الكل . اسامی این بزرگان که در طبقات شيخ عبدالرحمن

۱۰۰  
۱۰۱  
۱۰۲  
۱۰۳  
۱۰۴  
۱۰۵  
۱۰۶  
۱۰۷  
۱۰۸  
۱۰۹  
۱۱۰  
۱۱۱  
۱۱۲  
۱۱۳  
۱۱۴  
۱۱۵  
۱۱۶  
۱۱۷  
۱۱۸  
۱۱۹  
۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴  
۱۲۵  
۱۲۶  
۱۲۷  
۱۲۸  
۱۲۹  
۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰

سلمی و رساله استاد ابوالقاسم و تذکره شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری مسطور است که در نیشابور آسوده اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنان را رعایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کند و از برکت و شفاعت ایشان محفوظ گرداند و هو ولی الاجابة و التوفیق

#### اسامی سادات کبار

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب صلوٰه الله علی رسول الله و علی آله العلیین الطاهرین مدفونست بمقبره تاجرد، ابو جعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی ابن ابیطالب، محمد بن احمد بن عبدالله و بسر بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب بزیاده نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرگ و اولاد و احفاد ایشان رضی الله عنہ در مقبره عبدالله طاهر اند و آنرا گورستان سادات گفتندی

#### اسامی صحابه رضی الله عنهم

عامر بن سلیم الاسلامی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان بن حبیب، همام بن زید بن وایسه این سه صحابی و سه صحابه دیگر که نام ایشان معلوم نیست یقین در نیشابور آسوده اند و گفته اند که نیز: ابو بربره اسلمی در نیشابور آسوده است

#### اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیشابوری؛ ابو عثمان حیری نیشابوری، حمدون قصار نیشابوری، محفوظ بن محمود نیشابوری، ابو علی تقی نیشابوری، یحیی بن معاذ رازی ابو الحسن علی الفوشنجی، ابو بکر طمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیشابوری

آنست که هانی آنجاست؛ ابوبکر الزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی طالب  
 ابویعقوب اسحق، ابوعمر و الحیری، ابوعمر و المستملی؛ ابوعمر و الخفاف، ابوعمر و  
 الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصم، ابوالحسن الخفاف، الحسن الحداد،  
 ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل النواظ، زکریا بن ولویه  
 ابرهیم بن محمد بن شعبان، عبدالله بن عمر الریاح؛ یاسر بن نصر الباهلی، حسن بن  
 الفضل الحلّی، بشر بن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب  
 احمد بن سعید داربی، ابوزکریا عنبری، بعضی از این بزرگان موجب الدعوه بوده اند  
 و دعا بر سر خاک هریک از بزرگان مرجو الاجابة است،

ابن بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر  
 آسوده اند از آن جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد  
 میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورك اصهبانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی،  
 شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی  
 ارزقنا الله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضل و کرم و هو اکرم الاکرمین و ارحم

الراحمین صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین

اسامی بزرگانی که در شهر نسا بوز مدفون اند.

نقل از خط خواجه قطب الدین رحمه الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره در مقابر منسوب بنصر بن زیاد القاضی،

سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و هو محمد بن

محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه و رضی الله عنهم،

جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر یشین است، تربة ارحم

اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبر او مشهور است ،  
 جوانمرد نرد باد او نیز از شهداء صدر اول است ، احمد حرب رحمه الله تربت  
 او تربت یحیی معاذرازی که از کبار طبقات است رحمه الله در مقبره معمر است ، شیخ  
 محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تاجرد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام  
 علی بن موسی الرضا را دریافته صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و حدیث از او شنیده  
 امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی تربا باد در شرقی کهن  
 دیر نیشابور قدیم است رحمه الله  
 امام ابوبکر فورك و یحیی بن یحیی در بر حیره هر دو در يك حظیره اند از  
 زاهدان و عباد زمان بوده ،  
 امام الحرمین عبدالماک ابوالمعالی بن الامام ابی محمد یوسف الجوینی  
 رحمه الله تربت او در جوار مزار تاجرد است ،  
 شیخ محمد فنال تربت او در قبله مقبره حیره است ، رحمه الله  
 شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف  
 رحمه الله تربتهاء ایشان در قبله مقبره حیره است  
 امام بیان الحق قاضی محمود نیشابوری مصنف عمل الغرائب و غیره تربت او در  
 جوار نمازگاه عید در شهر شادیاخ ، رحمه الله قنبر امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه  
 تربت او در جوار فرات آباد ،  
 شیخ علی مؤذن رحمه الله تربت او در جوار مقبره حیره است  
 استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی رحمه الله در یک  
 حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،  
 شیخ فریدالدین عطار رحمه الله تربت او در شادیاخ است ،  
 شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمه الله تربت هر دو بهم نزدیک

است در شادیانخ ،

شیخ ابو حفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادک است در غربی علمدار رحمهم الله ؛

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق او را نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیانخ است رحمه الله

شیخ طبسی و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیک است رحمه الله  
 شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جل سر ، مقبره باب عروه فیما حسن بن الولید  
 وجعفر بن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالرحمان و حسن بن الفضل و ابوالعباس السراج و  
 ابرهیم بن ایطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار و ابوعلی تنفی و عبدالله مبارک در  
 جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیما قبره و قبر اولاده و قبر امام الحدیث ،  
 محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهای ایشان در جوار ترخک زرکان نسیب است  
 قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب  
 بشر بن الحکم العبدی استاد ابو الولید مقبره حداد

امیر طاهر میفرمود که علماء و زهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند  
 فیما اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الراقعی القشیری  
 و احمد بن مؤید الروقی و اسحق بن المنصور و ابو زکریا القشیری رحمه الله  
 علیهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحيم رب یر

هذه اسماء المشايخ الذين سماهم السلف مشايخ الطبقات نقلت من الرسالة

التي هي معروفة بطبقات السلمى مما جمع الشيخ العالم الربانى المحقق الصمدانى

عبدالرحمن السلمى رحمه الله عليه

## الطبقة الاولى منهم

فضل بن عياض بخارى الاصل مات في الحرم ووفاته سنة سبع وثمانين و

كنيته ابو علي

و منهم : ابو اسحق ابراهيم بن ادهم بن منصور مات بالجرب فحمل الى

صور ودفن لها في الشام

و منهم : ذوالنون المصري قيل مات سنة ثمان واربعين ومائتين وقيل سنة

خمس واربعين وكنيته ابو الفيص

و منهم : شيخ بشر خافي مات سنة سبع وعشرين ومائتين ببغداد و دفن

فيها وكنيته ابونصر

و منهم : الشيخ سري سقطي رحمه الله مات سنة احدى وخمسين ومائتين

وكنيته ابو الحسن

و منهم : الشيخ ابو عبد الله حارث المجاسبي من بصره مات ببغداد سنة ثلث

واربعين ومائتين

و منهم : الشيخ ابو يزيد البسطامي رحمه الله مات سنة احدى وستين ومائة واسمه طيغور

و منهم : الشيخ ابو سلمان داراني مات سنة خمس عشرة ومائتين واسمه عبد الرحمن

بن عطيه

و منهم : الشيخ معروف الكرخي مات ببغداد سنة مائتين وقيل سنة احدى و

مائتين وكنيته ابو محفوظ

و منهم : الشيخ حاتم الاصم مات سنة اربع عشر ومائتين وكنيته ابو عبد الرحمن

وقيل سنة سبع وثلثين مائتين

## الطبقة الثالثة

ومنهم : الشيخ ابو محمد الحريري مات بسنة احدى عشر وثلاثمائة واسمه

احمد بن محمد الحسين

ومنهم : الشيخ ابو العباس العظامات بسنة تسع وثلاثمائة و قيل سنة احدى

وعشر واسمه احمد بن محمد سهل بن عطا

ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابي حفص النيسابوري مات بسنة ثلاث

ارابع وثلاثمائة بنيسابور ودفن بجانب ابي حفص —

ومنهم : الشيخ ابو عمر والدمشقي مات بسنة عشرين وثلاثمائة هو مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ محمد بن حامد الترمذي من مشايخ خراسان وكنيته ابوبكر

ومنهم : الشيخ طاهر المقدسي من اصل مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد الحرار من مشايخ الرازيين مات

قبل البعد الاربعين وثلاثمائة

ومنهم : الشيخ نعمان بن محمد الحمالي الواسطي ساكن مصر مات ببافى

رمضان سنة ست عشر وثلاثمائة وكنيته ابو الحسن

ومنهم : الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص مات فى جامع الرى بسنة احدى

وتسعين وماتين وكنيته ابواسحق

ومنهم : الشيخ ابو حمزة البغدادي مات قبل الجنيدي سنة تسع وثمانين ومائتين

واسمه محمد بن ابراهيم

ومنهم : الشيخ ابو الحسن الوراق من مشايخ نيسابور مات قبل العشرين

وثلاثمائة واسمه محمد بن سعد



ومنهم: الشيخ ابوبكر الواسطي اصله من خراسان استوطن كورة مرو ومات  
 بها بعد العشرين وثلاثمائة واسمه محمد بن موسى  
 ومنهم: الشيخ ابوالحسن الدينوري من مشايخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنة  
 ثلثين وثلاثمائة اسمه علي بن محمد بن سهل  
 ومنهم: الشيخ ابوالمغيث حسين بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد  
 يوم الثلاثاء من ذي القعدة سنة تسع وثلاثمائة  
 ومنهم: الشيخ خير النساج اصله من سامره اقام ببغداد وكنيته ابوالحسن  
 ومنهم: الشيخ حماد الدينوري من كبار مشايخها مات بسنة تسع وتسعين ومائتين و  
 ومنهم: الشيخ ابو حمزة الخراساني من نيسابور من محل مايقاب ومات بسنة تسعين ومائتين  
 ومنهم: الشيخ الصبحي من اهل البصرة وكنيته ابو عبد الله مات بالسبوس وقبر بها  
 ومنهم: الشيخ ابواسحق ابراهيم بن داود الرومي مات بسنة ست وعشرين ومائتين وقيل ثلاثمائة  
 ومنهم: الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان بن علي بن سنان من مشايخ نيسابور مات  
 في سنة ست عشر وثلاثمائة

## الطبعة الرابعة

ومنهم: الشيخ ابوبكر الشبلي خراساني الاصل عاش سبعا وثمانين سنة ومات  
 في ذي الحجة سنة اربع وثلاثين وثلاثمائة ببغداد واسمه دلف بن مجدر  
 ومنهم: الشيخ المرتضى وهو ابو محمد بن عبد الله بن محمد النيسابوري من  
 محلة حيره مات ببغداد سنة ثمان وعشرين وثلاثمائة وقيل من محلة مايقاب  
 ومنهم: ابو علي الرودباري توفي بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة بمصر واسمه  
 احمد بن محمد بن ابي القاسم

ومنهم: الشيخ ابو الحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنة اربعين وثلاثمائة  
ومنهم: ابو علي الثقفي مات بسنة ثمان و عشرين وثلاثمائة بنسب نيسابور واسمه  
محمد بن عبد الوهاب

ومنهم: ابو محمد عبد الله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها  
بسنة تسع و عشرين او ثلثين وثلاثمائة

ومنهم ابو الحسن المزين واسمه علي بن محمد اصله من بغداد جاور بمكة  
ومات بها سنة ثمان و عشرين وثلاثمائة

ومنهم: الكتاني و هو محمد بن علي بن جعفر الكتاني امام بمكة ومات بها  
بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة وكنيته ابو بكر

ومنهم: النهرجوري و هو ابو يعقوب اسحق بن محمد امم بمكة ومات  
بها سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الخير بن منار من مشايخ مصر مات في البيت  
ومنهم ابو الكاتب من كبار مشايخ المصريين بسنة ست واربعين وثلاثمائة  
واسمه الحسين بن احمد

ومنهم: ابو بكر عبد الله بن طاهر الاهري من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلثين وثلاثمائة  
ومنهم: القرسسي من مشايخ الجبل مات في سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الحسين علي بن هند الفارسي من كبار مشايخ الفرس  
ومنهم: ابو اسحق بن شيبان الفرسيني

ومنهم: الحسين بن علي مردعي اهل ارمينية مات في الصفر سنة ثلاث وثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: محمد بن احمد بن سالم النصري وكنيته ابو عبد الله

ومنهم ابراهيم بن احمد بن مشايخ الرق وكنيته ابو اسحق

وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوالقاسم النصر آبادی نیشابوری الاصل والمؤید خراج آخر عمره الى مكة سنة ست وستين وثلثمائه واسمه ابراهيم بن محمد .

ومنهم : بندار بن الحسين من اهل شيراز مات بسنة ثلث وخمسين وثلثمائه وكنيته ابو الحسين

ومنهم : الحضيري وهو ابو الحسن علي بن ابراهيم بصرى لاصل مات ببغداد يوم الجمعة ذى الحجة سنة احدى وسبعين وثلثمائه

ومنهم : ابوبكر الطمستانى الفارسى ورد نيسابور ومات بها بعد سنة اربعين وثلثمائه

ومنهم : ابو عبد الله البروغندى واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشايخ مات بعد الخمسين وثلثمائه

ومنهم : ابو العباس الدينورى مات بسمرقند بعد الاربعين وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم : محمد بن احمد وكنيته ابوبكر مات قبل الستين وثلثمائه وهو من مشايخ نيسابور

ومنهم : ابو عبد الله الرودبارى واسمه احمد بن عطاء بن احمد مات سنة تسع وستين وثلثمائه

ومنهم : ابو الحسن بن علي بن بندار الحسين الصوفى من مشايخ نيسابور مات بسنة تسع وخمسين وثلثمائه

ومنهم : ابو عبد الله وابو القاسم ابنا احمد بن محمد المقرئ في ما ابو عبد الله مات بسنة ست وثلثمائه واما ابو القاسم مات بنيسابور بسنة ثمان وسبعين وثلثمائه

ومنهم : محمد بن احمد بن حمدون القرار من كبار مشايخ نيسابور مات سنة سبعين وثلثمائه

ومنهم : محمد بن عبد الخالق الدينورى مات بها كنيته ابو عبد الله

ومنهم : ابو عبد الله محمد بن محمد الواسى

پایان

## الف

١٣٠، ١٢٨، ١٢٧، ١٢٠	ابر شهر
١٤٥	ابراهيم بن محمد سفيان
١٥٣، ١٤٥	ابراهيم بن ايظالب
١٥١	ابراهيم بن شعبان
١٥٩	ابراهيم بن احمد
١٦١	ابراهيم بن محمد
١٥٩	ابو اسحق بن الشيبان
١٥١	ابو الحسن الخفاف
١٦٠، ١٤٩	ابو الحسن القوشنجي
١٥٠	ابو الحسن الوراق
١٤٥	ابو الحسن علي البوشنجي
١٦١	ابو الحسن علي بن ابراهيم بصرى
١٥٦	ابو الحسن بن علي
١٥٠	ابو الحسن علي بن بيدار
١٤٥	ابو الحسن علي بن احمد البوشنجي
١٥١	ابو الحسن كوفي
١٥٩	ابو الحسن المزين

١٤٥	ابو الحسن قاضي الحرمين
١٥٩	ابو الحسين علي بن هند
١٥٩	ابو الخير بن منار
١٥١	ابو العباس العابد
١٤٥	ابو العباس الاصم
١٤٥	ابو العباس السراج
١٥٠	ابو العباس مغربي
١٦١	ابو العباس الدينوري
١٦٠	ابو العباس السيار
١٥٠	ابو الفوارس شجاع كرمانى
١٥٠	ابو الفضل الواعظ زكريا بن ولويه
١٦١	ابو القاسم
١٥٩	القريسي
١٥٩	ابو الكاتب
١٥٢	ابو المعالي
١٥٣، ١٥١	ابو الوليد
١٥٣	ابو ايوب بن الحسن
١٤٩	ابو بربره اسلمى
١٥١	ابو بكر الزاهد
١٥٠	ابو بكر السهي
١٥٠	ابو بكر مرار
١٦١، ١٤٩	ابو بكر الطمستاني
١٥٩	ابو بكر بن منار
١٥٩	ابو بكر عبد الله بن طاهر الاهري

۱۶۰	ابوبکر محمد بن احمد
۱۶۰	ابوبکر داود الدینوری
۱۵۷	ابوبکر
۱۲۷	ابیورد
۱۴۹	ابوجعفر الصوفی
۱۴۹	ابوحفص حداد
۱۵۰	ابوحمزہ مدینی علی بن ہانی بن قنبر
۱۵۰	ابوحمزہ خراسانی
۱۵۱، ۱۴۵	ابوزکریا عنبری
۱۵۳، ۱۴۵	ابوزکریا
۱۵۱	ابوسعید الاصم
۱۶۰	ابوسعید الاعرابی
۱۵۱	ابوشختویہ
۱۵۵	ابوعبدالله جلا
۱۵۱	ابوعبدالله الصفار
۱۱۷	ابوعبدالله النیسابوری
۱۳۵	ابوعبدالله داود بن علی
۱۶۰	ابوعبدالله محمد بن حفیف الشیرازی
۱۶۱	ابوعبدالله البروغندی
۱۶۱	ابوعبدالله الرودباری
۱۶۱	ابوعبدالله
۱۶۱	ابوعبدالله محمد بن محمد الواشی
۱۴۹	ابوعثمان جدی
۱۶۰، ۱۵۰	ابوعثمان مغربی

١٥٨	ابو علي الرودي باري
١٥٩، ١٥٣، ١٤٩، ١٤٥	ابو علي الثقفي
١٥١	ابو عمرو والحيري
١٥١	ابو عمرو والخفاف
١٥١	ابو عمرو والزاهد عباس بن حمزة
١٦٠	ابو عمرو والسلمي
١٦٠	ابو عمرو والزجاجي النيسابوري
١٥١	ابو عمرو والمستمل
١٥٠، ١٤٥	ابو عمرو بن جنيد
١٤١	ابو قايوس
١٥٩	ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل
١٤٢، ١٤١، ١٢٤، ١٢٢	ابو مسلم مروزي
١٤١	ابو مهلب
١٥٥	ابو يعقوب
١٥٩، ١٥١	ابو يعقوب اسحق
١٥٥	ابو محمود
١٥٥	ابي الريحان
١٥٧	ابي حفص نيسابوري
١٦٠، ٢٤٩، ١٤٨	احمد
١٣٨	احمد آباد
١٥٥	احمد القصار
١٣١	احمد بن حاج
١٥٠	احمد بن حرب نيسابوري
١٥٢، ١٥٠	احمد بن حرب

١٤٥	احمد بن سعيد
١٤٥	احمد بن مبارك
١٥٧	احمد بن محمد الحسين
١٥٧	احمد بن محمد بن سهل بن عطا
١٦١	احمد بن عطا بن احمد
١٦١	احمد بن محمد المقرئ
١٥٨	احمد بن محمد بن ابي القاسم
١٤٩	احمد بن عبدالله
١٥٣	احمد بن مؤيد الزوقي
١٥٥	احمد بن يحيى
١٥٤	ادهم بن منصور
١٤٠	ارعيان
١٥٢، ١٥١	استاد ابو القاسم قشيري
١٥٢	استاد ابو علي دقاق
١٥٤	اسحق بن ابراهيم
١٥٣	اسحق بن ابراهيم الحنظلي
١٥٣	اسحق بن منصور
١٥٠	اسحق راويه
١٤٠	اسفراين
١٤٠	استوا
١٦٠	اسماعيل بن جنيد بن احمد سلمى
١٥٥	اسماعيل بن سعيد منصور
١١٧	افراسياب
١١٧	افريدون



١٤٦	التورة
١٦٠، ١٥٦	الجنيد
١٥١	الحسن الحداد
١٤٩، ١٤٥	الحسين
١٥٩	الحسين بن علي
١٥٩ .	الحسين بن احمد
١٤٥	الحسين بن الوليد
١٦١	الحضيري
١٢١	الزريق بوياباد
١٥٣، ١٤٥	امام الحديث محمد بن يحيى الذهلي
١١٧	امام الفقيه محمد بن حسين الخليفة النيسابوري
١٥١	امام الحرمين ابو المعالي
١٥٢	امام الحرمين عبد المطلب
١٥١	امام بن فورك اصبهاني
١٥٢	امام بيان الحق قاضي محمود
١٥٢	امام جمال الاسلام
١٤٥	امام جعفر بن زيارة
١٣١، ١٣٠، ١٢٩، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤، ١٢٢، ١٢١، ١٢٠، ١١٩، ١١٨، ١١٧	امام حاكم
١٤٢، ١٤٠، ١٣٧، ١٣٦، ١٣٣	
١٤٥	امام زكريا
١٥١	امام علي واحد
١٥٧	الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص
١٥٨	الشيخ ابو اسحق ابراهيم بن داود
١٥٧	الشيخ ابو الحسن الوراق

١٥٤	الشيخ أبو سلمان داراني
١٥٧	الشيخ أبو محمد عبد الله بن محمد
١٥٧	الشيخ أبو محمد الحريري
١٥٤	الشيخ أبو يزيد بسطامي
١٥٥	الشيخ أحمد بن الخواري
١٥٨	الشيخ الصبحي
١٥٨	الشيخ المرتعش
١٥٤	الشيخ المعروف الكرخي
١٥٤	الشيخ بشر خافي
١٥٤	الشيخ حاتم الاصم
١٥٨	الشيخ حمشاد الدينوري
١٤٥	الشيخ حمدون العصار
١٥٨	الشيخ خير النساج
١٥٦	الشيخ سهل بن عبد الله التستري
١٥٦	الشيخ سمنون بن حمزه
١٥٧	الشيخ طاهر المقدسي
١٥٦	الشيخ محمد بن الفضل البلخي
١٥٧	الشيخ محمد بن محامد الترمذي
١٥٥	الشيخ منصور عمار
١٥٧	الشيخ نعمان بن محمد الحمال الواسطي
١٥٥	الشيخ يوسف بن أحمد
١٥٩	الكتاني
١٥٩	النهرجوري
١٥٠	إمام أبو القاسم الواعظ

١٥٠

١٥٠

١٥٢

١٥٠

١٤٩

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٤٥

١٥٢

١٤٥

١٥٠

١٤٥

١٥١

١٤٥

١٥٢

١٥٠

١٤٥

١٣٥

١٥٠

١٥٠

١٥٠

امام ابو الطيب الصعلوكي

امام ابو العباس الاصم

امام ابوبكر فورك

امام ابو عبدالله السراج

امام ابو عبدالله النيسابوري

امام ابو علي النيسابوري

امام ابو علي الكوفي

امام ابوسهل الصعلوكي

امام ابو محمد حصيري

امام ابو يعقوب الكرمانى

امام ابى جعفر صوفى

امام ابى محمد يوسف الجوينى

امام احمد حرب

امام احمد الكندرى

امام احمد بن سعيد الدارمى

امام احمد ميدانى

امام اسحق بن ابراهيم الحنظلى

امام على بن موسى الرضا

امام قاضى الحرمين

امام محمد بن اسلم العابد

امام محمد بن الامام محمد

امام محمد بن يحيى ذهلى

امام محمد بن اسحق خزيمه

امام محمد بن الهيثم

١٥٠	امام محيي السنه
١٥٢	امام مسلم بن الحجاج القشيري
١٣٥	امام موسى بن الامام جعفر
١٢٦، ١٢٥	امير المؤمنين عثمان
١٥٣	امير طاهر
١١٩	انبار
١١٩	انبارده
١٤٠، ١٣٨	انوشروان
١١٧	انوش بن شيث بن آدم
١١٩، ١١٧	ايران
١١٧	ايرج

ب

١٥٨	باب الطاق
١٢١	باغ بهله
١٣٩	باغ فرك
١٢١	باغك
١٢١	باغ كبار
١٢١	باب طاق
١٣٩، ١٣٨	بشت
١٥٣	بشر بن الحكم العبدى
١٣٩	بشغروش
١٢١	بشمانا باد
١٥٨، ١٥٤، ١٣١، ١٢٩، ١٢٥، ١١٩	بصره

١٦١، ١٦٠، ١٥٩، ١٥٨، ١٥٦، ١٥٥، ١٥٤، ١١٩

بغداد

١٥٦، ١٢٨

بلخ

١٤٠

بلاش

١٢٢

بویاباد

١٣٩، ١٣٨

بیہق

١٢١

بندار بن الحسین

ت

١٢١

تلا جرد علیا

١٢١

تلا جرد سفلی

١٥٢، ١٤٩، ١٣٥، ١٣٢

تلا جرد

١٤٠

ترکستان

١٤٦

تورہ

١٥٢

تر باباد

١٥٣

ترخک زرکان

١٥٦

ترمذ

ج

١٢٢

جامعہ (محلہ)

١٤١

جر جان

١٥٣، ١٤٩، ١٤٥، ١٣٥

جعفر

١٢١

جوری علیا

١٢١

جوری سفلی

١٢٢

جولاهکان (محلہ)

١٤١، ١٣٩، ١٢٦، ١٢٥

جوین

١٣٧

جیحون

١١

۱۵۲	جوانمرد علمدار
۱۵۲	جوانمرد نژد باد
۱۵۶	جبل طور
۱۵۹، ۱۵۸	جبل
۱۵۰	جعفر الخلدی

## ح

۱۲۱	حافظ محفوظ
۱۲۱	حایط
۱۲۵	حبيب
۱۵۳	حدا باد
۱۴۸، ۱۳۵	حسن
۱۵۳، ۱۵۱	حسن بن الفضل
۱۵۳	حسن بن الوليد
۱۴۹، ۱۳۵	حسین
۱۲۳	حسین بن محمد نصر آبادی
۱۲۱	حفصا باد
۱۴۵	حفص بن عبدالرحمن
۱۲۱	حنجرود علیا
۱۲۱	حنجرود سفلی
۱۲۱	خمزه علیا
۱۴۹	خمدون قصار
۱۲۱	خوسق
۱۲۳	خوض کسلان
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۲۲	خیره

خارزنج ۱۴۰

خاقان ترك ۱۴۰

خراسان ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲

۱۵۸

خرقن عليا باد ۱۲۱

خرکاباد ۱۲۱

خشانه قناته ۱۲۱

خمارتکين ۱۴۲

خندرون ۱۲۱

خنجرود ۱۲۳

خوشب ۱۴۱

خول ۱۲۱

خوارزم ۱۵۲

دزدان ۱۲۱

دوديه يهود ۱۲۱

دارا بجر د ۱۲۱

دستجرد ۱۲۱

درقهندز ۱۲۲

داود ۱۳۵

دجله ۱۳۷

دامغان  
دلف بن محدر  
۱۳۹  
۱۵۸

ذ  
ذوالالايله  
ذوالنون المصرى  
۱۱۷  
۱۵۴

ر  
راقعه  
ربيعه  
ريوند  
ربع مازل  
رويم بن احمد  
۱۲۱  
۱۲۵  
۱۳۹، ۱۳۸  
۱۳۹  
۱۵۵

ز  
زمجارعليا  
زمجارسفلى  
زين العابدين  
زيد بن الامام زين العابدين  
زوزن  
زيد  
زكريا بن ولويه  
۱۲۱  
۱۲۱  
۱۳۵  
۱۳۵  
۱۴۱  
۱۵۱، ۱۴۹  
۱۵۱



۱۵۸	سامره
۱۱۹	سجستان
۱۲۲	سر حیره
۱۱۹	سلطان محمود
۱۲۲	سلطان حسین
۱۳۰	سلطان سلیمان بن مطرود
۱۳۰	سلیمان بن مطرود
۱۴۱	سلو مد
۱۲۱	سلمه
۱۲۵	سعید بن عاص
۱۲۵	سمنان
۱۲۵	سوانقادر علیا
۱۲۱	سوانقا در سفلی
۱۲۱	سورین کوی
۱۲۱	سهل تاشیش
۱۲۱	سهرامقان
۱۵۰	سبزجان
۱۴۶	سید صدرالدین الحسینی
۱۲۱	سیمجرد علیا
۱۲۱	سیمجرد سفلی
۱۲۱	سیسنویه
۱۶۱/۱۵۶	سمرقند
۱۵۸	سوس (شوش)

ش

شاپور

شاپور (شهر)

شادیاخ

شام

شاه پسر

شاهنبر

شحنه علیا

شحنه سفلی

شهرستانه

شیخ ابواسحق راهویه مروزی

شیخ فریدالدین عطار

شیخ عبدالرحمن سلمی

شیخ علی مؤذن

شیخ طبسی

شیخ مجدالدین بغدادی

شیخ مجنون اولیاء

شیخ محمد بن اسلم طوسی

شیخ یحیی معاذ

شیخ عبدالرحمن کوف

شیخ محمد قنال

۱۳۲۰-۱۳۲۱

ط

١٤٢	طاهر
١٤٢	طلحه
١٤٠٠١٣٨٠١٢٨٠١٢٧	طوس
١٥٤	طيقور

ع

١٢٧٠١٢٥	عامر
١٤٩	عامر بن سليم الاسلمى
١٥٦	عباس
١٥١	عباس بن حمزه
١٢١	عار كباد
١٤٩٠١٤٢	عبدالله
١٤٥	عبدالله الرماخ
١٥٠	عبدالله النيسابورى
١٥٣٠١٤٩	عبدالله بن مبارك
١٥٣٠١٥١	عبدالله بن عمر الرماح
١٥٣٠١٢٩	عبدالله بن طاهر
١٦٠	عبدالله بن محمد رازى
١٢٩٠١٢٥	عبدالله بن عامر
١٥٣	عبدالله القوشنجى
١٢٥	عبد الشمس
١٤٩٠١٣٠٠١٢٧٠١٢٣٠١٢٢	عبدالله طاهر
١٢٨٠١٢٦	عبدالله حازم

١٤١، ١٢٩، ١٢٨، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤	عبدالله عامر
١٥٤	عبدالرحمن بن عطيه
١٥٣	عبدالرحمن السلمي
١٥١	عبدالرحمن بن بشر
١٥٣	عبدالرحمن
١٢٦، ١٢٥	عثمان
١٤٩، ١٤٥، ١٤٠، ١٣٥	علي
١٥٣	علمدار
١٥٢، ١٣١	علي بن موسى الرضا
١٦٠	علي بن احمد بن سهل
١٦٠	علي بن محمد بن سهل
١٦٠	علي بن محمد
١٤١	عكرمه
١٤٢	عمرو
١١٩	عمرو بن ليث
١٤٥	عمر
١٤٩	عنان بن حبيب
١٣٥	عيسى

## ف

١٥٢	فرات آباد
١٢١	فرات آباد
١٢١	فازرشك
١٤٩	فرهنگ

١٤٠

فیروز

١١٩

فیروز شاپور

١٥٤

فضل بن عیاض

فی

١٦٠

قاسم بن محمد

١٤٠

قباد

١٤٤

قبر الامام محمد بن محمد

١٤٤

قبر امام احمد بن ابراهيم

١٤٤

قبر امام مسلم الحجاج

١٤٤

قبر ابی عبدالله البوشنجی

١٤٤

قبر ابی الولید

١٤٤

قبر ایوب الحسن الزاهد

١٤٤

قبر سرخلاب

١٤٤

قبر همام بن زید

١٤٤

قبر بشر بن الحكم

١٤٤

قبر عبدالرحمن بن بشر

١٤٤

قبر محمد بن عبدالوهاب

١٤٤

قبر نصر بن زیاد القاضي

١٢١

قریه بود

١٣١

قریه مویدیہ

١٤٠

قریه فریمان

١٢١

قناة

١٢١

قناة علیا

۱۲۱  
۱۲۵  
۱۴۱-۱۴۰-۱۳۴-۱۳۳-۱۲۱-۱۱۹-۱۱۸

قناة جهم  
قوس  
قبنذر

ک

۱۱۹  
۱۲۱  
۱۲۷  
۱۴۰  
۱۲۱  
۱۴۱-۱۲۵  
۱۴۰  
۱۲۱  
۱۳۲  
۱۲۵  
۱۳۳-۱۳۲  
۱۵۲

کرخ  
کرم بکر  
کرمان  
کسری  
کنار سفلی  
کنار نك  
کندر  
کوی دزکان  
کوچه بلاس آباد  
کوفه  
کهلان  
کهن دیر

گ

۱۲۲  
۱۲۵

گند آباد  
گزیبر

ل

امانچى سغلى

۱۲۱

م

ماغين

۱۲۱

ماھکاباد

۱۲۱

ما کالکاباد

۱۳۷

ماورالنهر

۱۳۸

مارل

۱۳۹، ۱۳۸

ملقاباد

۱۵۸

محمد آباد

۱۲۱

محمد بن ابراهيم

۱۵۷

محمد بن سعيد

۱۵۷

محمد بن موسى

۱۵۸

محمد بن يحيى

۱۵۲

محمد بن عبد الوهاب

۱۵۹، ۱۵۱

محمد بن على بن جعفر الكنانى

۱۵۹

محمد بن احمد بن سالم النصرى

۱۵۹

محمد بن عليان النسوى

۱۶۰

محمد بن جعفر

۱۶۰

محمد بن محمد بن الحسن

۱۶۱

محمد بن احمد بن محمد

۱۶۱

محمد بن احمد

۱۶۱

١٦١	محمد بن احمد بن حمدون
١٥٦	محمد بن احمد بن ابي الورد
١٦١	محمد بن عبد الخالق دينوري
١٥٦	محمد بن عمر الحكيم
١٥٠	محمد بن اسلم
١٤٩٠١٤٨٠١٤٥٠١٣٨٠١٣٥	محمد
١٥١٠١٣٥	محمد محروق
١٥١	محمد بن زيد
١٥١	محمد بن محمد
١٥٣	محمد بن الرافعي
١٤٥	محمد بن رافع القشيري
١٢٤	محلہ الرتعيہ
١٢٣	محلہ الزيق بوياباد
١٢٣	محلہ باب ابي الاسود
١٢٤	محلہ باغرازيان
١٢٤	محلہ باغاك
١٢٤	محلہ باب عسكر
١٢٦	محلہ باب معمر
١٢٤	محلہ باب عقيل
١٢٤٠١٢٣	محلہ بزرگ
١٢٢	محلہ نوينباد
١٢٤	محلہ شهرستان



۱۲۳	محلہ تالاجرد
۱۲۲	محلہ جامعہ
۱۲۳	محلہ جلاباد
۱۲۴، ۱۲۲	محلہ جولاهکان
۱۲۴	محلہ جودی علیا
۱۲۴	محلہ جودی سفلی
۱۲۲	محلہ حیرہ
۱۲۴	محلہ خر کلاباد
۱۲۳	محلہ خفصا باد
۱۵۸	محلہ خواست
۱۲۳	محلہ خمز کلاباد
۱۲۴	محلہ درباغ
۱۳۴	محلہ درباغ ملا جرد (تالاجرد)
۱۲۳	محلہ دیز
۱۲۴	محلہ ذروان
۱۲۴	محلہ زمجار
۱۲۴	محلہ سنجہ ستانہ
۱۲۴	محلہ سرپل
۱۲۲	محلہ سر حیرہ
۱۲۴	محلہ سیم جرد
۱۲۴	محلہ سر کوی
۱۲۳	محلہ شادیاخ
۱۲۹	محلہ شاہنبر
۱۴۳، ۱۳۲، ۱۲۴	محلہ قز

۱۲۳	محلہ قباب
۱۲۳	محلہ قوی بزرگ
۱۲۲	محلہ گند آباد
۱۲۳	محلہ غد آباد
۱۲۳	محلہ محمد آباد
۱۲۲	محلہ مولقا باد
۱۲۲	محلہ میدان زیاد
۱۲۳	محلہ مناسک علیا
۱۲۳	محلہ مناسک سفلی
۱۲۴	محلہ مرتعد
۱۲۲	محلہ نصر آباد
۱۲۴	محلہ میدان حسین
۱۵۷، ۱۴۹	محفوظ بن محمود نیسابوری
۱۱۹	مداین
۱۳۱	مدینہ
۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۲۸، ۱۲۵	مرو
۱۵۲	مصطفیٰ
۱۲۸	معتق
۱۴۶	موسیٰ
۱۳۹	موسقان
۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹	مکہ
۱۵۳	مسجد ابن حرب
۱۴۳	مسجد امام یحییٰ
۱۴۳	مسجد ایوب بن الحسن

۱۴۳	مسجد باری معمر
۱۴۳	مسجد جمش
۱۴۳	مسجد دروازه قهندز
۱۴۳	مسجد جابن معاذ بن مسلم
۱۴۳	مسجد سر امعاد
۱۴۳	مسجد مصلى جنبان
۱۵۰	مسلم قشیری
۱۳۸	مسیب
۱۵۹، ۱۵۷، ۱۳۷، ۱۲۱	مصر
۱۵۳	مقبره باب عروه
۱۴۵	مقبره باب معمر
۱۴۵	مقبره امیر عبدالله بن طاهر
۱۴۹، ۱۴۴	مقبره تلاجرد
۱۴۵	مقبره جلاباد
۱۵۳	مقبره جل سر
۱۴۴	مقبره حیره
۱۴۴	مقبره سر میدان
۱۴۴	مقبره شاهنبر
۱۴۵	مقبره دقز
۱۴۵	مقبره حسن بن معاذ بن مسلم
۱۵۲	مقبره معمر
۱۴۴	مقبره نصر بن زیاد القاضی
۱۲۱	مناسك سفلی
۱۲۱	مناسك علیا

۱۳۸۰۱۱۸	منوچهر
۱۴۲	منصور
۱۳۵	موسی
۱۴۰	مهر جان
۱۴۴	میدان تلاجر د
۱۴۴	میدان حسین بن معاذ مسلم
۱۴۴	میدان هانی

### ن

۱۴۰۰۱۲۷	نس
۱۲۸ ۱۲۷ ۱۲۶ ۱۲۵ ۱۲۰ ۱۱۹ ۱۱۷	نسابور، نسابور، نسابور، نیشابور
۱۴۶ ۱۴۴ ۱۴۱ ۱۳۹ ۱۳۷ ۱۳۶ ۱۳۵ ۱۳۴ ۱۳۳ ۲۳۲ ۱۳۱ ۱۳۰ ۱۲۹	
۱۶۱ ۱۶۰ ۱۵۹ ۱۵۸ ۱۵۷ ۱۵۶ ۱۵۵ ۱۵۴ ۱۵۳ ۱۵۲ ۱۵۰ ۱۴۹ ۱۴۸	
۱۲۱	سرآباد
۱۲۱	نیل
۱۵۲	ناصر الله بن محمد کوف

### و

۱۴۱	ولایت ارقند
۱۴۰	ولایت اسف این
۱۴۰	ولایت ارغیان
۱۴۱	ولایت باخرز
۱۴۰	ولایت بشت

۱۴۱	ولایت جاجرم
۱۴۱	ولایت جام
۱۴۱	ولایت خواف
۱۴۱	ولایت رخ
۱۴۱	ولایت زوزن
۱۴۰	ولایت خبوشان
۱۳۸	وادی بشفروش
۱۳۸	وادی بوشغان
۱۳۸	وادی دیزباد
۱۳۸	وادی شامات
۱۳۸	وادی شغاندیر
۱۳۸	وادی عطی رود
۱۲۱	وافکر سلیمط
۱۲۱	وافکر معاد
۱۲۱	ورقاب فارس
۱۲۱	وینکاباد

۱۲۸-۱۲۷	هراة
۱۴۴	هرون الرشید
۱۴۹	هماد بن زیدین وایسه

ي

١٢٥	يزدجرد
١٢٣	يعقوب ليث
١٥١	ياسر بن نصر الباهلي
١٤٥	ياسين بن القصر الباهلي
١٥٢، ١٥٠، ١٤٥	يحيى بن يحيى
١٥٠	يحيى بن معاذ رازی